

نگرشی به احادیث حوض

آیا احادیث حوض گویای ارتداد صحابه است؟

با مقدمه:

شیخ صالح بن عبدالله درویش

قاضی دادسری عمومی قطیف

تألیف:

شیخ عبدالله بن عبشان الغامدی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaiislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه‌ی جناب شیخ صالح بن عبدالله الدرویش	۵
مقدمه	۸
بخش اول	۱۲
بحث اول: عقیده‌ی اهل سنت و جماعت درباره‌ی حوض	۱۲
بحث دوم: تواتر احادیث حوض	۱۵
بحث سوم: منکرین حوض	۱۶
توجه:	۱۷
بحث چهارم: آیا تمامی پیامبران حوض دارند؟	۲۱
نکته:	۲۵
بحث پنجم: آیا حوض اکنون وجود دارد؟	۲۵
بحث ششم: ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ	۲۷
اولاً: آب حوض:	۲۷
ثانیاً: بوی آن:	۲۷
ثالثاً: جام‌های حوض:	۲۸
رابعاً: تأثیر آن:	۲۸
خامساً: طعم آن:	۲۹
سادساً: سردی آن:	۲۹
سابعاً: سرچشمه‌ی آن:	۲۹
ثامناً: وسعت حوض:	۳۱

- نکته: ۳۴
- بحث هفتم: معنای «أنا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ» ۳۵
- بحث هشتم: حوض در کجای قیامت قرار دارد ۳۶
- بخش دوم** ۴۱
- تمهید ۴۱
- بحث اول: معنای کلمه «الدَّوْدُ» ۴۲
- بحث دوم: احادیث ممانعت از حوض ۴۲
- بحث سوم: معنای ممانعت از حوض چیست؟ ۴۷
- گفتار علما پیرامون ممانعت از حوض ۴۸
- بحث چهارم: الفاظی که مخالفان از آن استدلال می کنند ۵۸
- اما در حدیث: ۶۰
- نکته: ۶۹
- توجه: ۶۹
- بخش سوم:** ۷۲
- تمهید ۷۲
- بحث اول: اصحاب رسول الله ﷺ نخستین کسانی هستند که بر حوض می روند و از آن می نوشند ۷۴
- توجه: ۸۲
- بحث دوم: نصوص کتاب و سنت صحابه را می ستاید و نظریه‌ی ارتداد آنان را نفی می کند ۸۵
- آنگاه سؤالی جدی و مهم مطرح می شود: ۸۵
- توجه: ۸۹
- چند نکته: ۹۴

۹۵	توجه:
۱۰۵	بحث سوم: نکات مهم
۱۰۵	نکته‌ی اول:
۱۰۵	نکته‌ی دوم:
۱۰۶	نکته‌ی سوم:
۱۰۶	نکته‌ی چهارم:
۱۰۶	نکته‌ی پنجم:
۱۰۷	نکته‌ی ششم:
۱۰۸	نکته‌ی هفتم:
۱۰۸	نکته‌ی هشتم:
۱۰۹	نکته‌ی نهم:
۱۱۰	نکته‌ی دهم:
۱۱۱	پایان سخن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه‌ی جناب شیخ صالح بن عبدالله الدرویش

الحمد لله رب العالمین و صلی الله وسلم علی النبی الامین و علی آله و صحبه وسلم
أما بعد:

دشمنی شیطان با انسان، بر هیچ کس پوشیده نیست، در این باره آیات زیادی وجود دارد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [فاطر: ۶].

«البته شیطان دشمن شماست پس او را دشمن بدانید، او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان جهنم باشند».

شیطان، این دشمن قسم خورده‌ی انسان، برای به بیراهه کشاندن و منحرف کردن انسان، همه‌ی ابزار و وسایل را به کار می‌گیرد و خداوند متعال آن ابزار را نام برده است، می‌فرماید: ﴿يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [النساء: ۱۲۰].
«شیطان به آنها وعده می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد، در حالی که جز نیرنگ و فریب به آنها وعده نمی‌دهد».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَاسْتَفْزِرْ مِنْ أَسْتَفْزِرَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [اەسراء: ۶۴].
«هر یک از آنها را می‌توانی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنان گسیل‌دار و در ثروت و فرزندان‌شان شرکت جوی و آنها را با وعده‌ها سرگرم کن! ولی شیطان جز فریب و دروغ وعده‌ای به آنها نمی‌دهد».

هر کس دنبال شبهات و شهوات باشد، در پی شیطان رفته است، عداوت شیطان بسیار

واضح و آشکار است و همه از آن سخن می‌گویند، اما عملاً بسیاری از مردم که خود از آن دشمنی سخن می‌گویند، در دام شیطان می‌افتند، چه رسد به دیگران. یکی از پرتگاه‌ها و دام‌های بزرگ شیطان که با آن، طعمه‌های خود را شکار می‌کند، اتباع و پیروی از متشابهات است که خداوند متعال ما را از آن برحذر داشته است، می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷].

«اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند تا فتنه‌انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند».

یکی از اصول مسلم نزد علماء این است که متشابه را باید به محکم باز گرداند و این قاعده برای گشودن راز متشابهات و ابطال قیاس‌های شیطانی بسیار مفید و کار ساز است، شیطان نخستین کسی است که قیاس کرد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾ [الأعراف: ۱۲].

«من از او (آدم) بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل».

ابلیس لعنه الله به ماده آفرینش خود و آدم، نظر داشت و آفریدگار را و این که همه مخلوق او هستند و این که خداوند او را به سجده امر کرده است به فراموشی سپرد، آفریدگاری را که او را به سجده امر کرده است فراموش کرد و به امری نامطلوب نظر انداخت.

این کتاب، داستانی دارد و آن این که تابستان ۱۴۲۶ هـ همراه با شیخ عبدالله بن حمود التویجری و عبدالله حیدری و محمد الباروت در مسجد الحرام بودیم که تعدادی از شاگردان شیخ یحیی که در کلاس حفظ صحیحین ایشان، شرکت کرده بودند، همراه با مردی که ظاهراً دهه چهارم عمرش را می‌گذرانند، نزد ما آمدند، آن مرد خود را دانشجو معرفی کرد و گفت: یک سری اشکالاتی دارد و می‌خواهد در آن موارد پرس و جو کند، پس از گفتگویی که از نماز عصر تا عشاء طول کشید، معلوم شد که او آخوندی

شیعه (حجة الاسلام) است، و مردی دیگر که همراهش بود، کارگزار سفارت ایران در یکی از کشورهای آفریقایی و مسؤول فعالیت‌های شیعه در آن کشور بود، آن آخوند، شبهاتی را برای دانشجوها طرح می‌کرد و از صحیح بخاری و احادیث آن اشکالاتی می‌گرفت و خود را معرفی نمی‌کرد و وانمود می‌کرد که دوست دارد در کلاس‌های حفظ شرکت کند.

پس از گفتگوی طولانی اعلام توبه کرد -گمان می‌کنم که صادقانه بود- و واقعیتش را برملا کرد، از خداوند می‌خواهم که همه‌ی ما را موفق بگرداند.

من آن اشکالات را با برادرم شیخ عبدالله بن عبشان در میان گذاشتم و وی را برای نوشتن این کتاب تشویق کردم و در مراحل تألیف نیز از نزدیک بر کار وی نظارت می‌کردم تا این که فضل خداوند، به پایان رسید، این کتاب در باب خود بی‌نظیر است و مسائل را به گونه‌ای فراگیر مطرح کرده است، و حق را آشکار می‌نماید و از حریم صحابه رضی الله عنهم دفاع می‌کند، اکنون این کتاب را به شما تقدیم می‌کنیم، خداوند نویسنده را توفیق روزافزونی عنایت بفرماید.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمد لله على توالى نعمة وعظيم أفضاله وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له في ربوبيته ولا في ألوهيته ولا في أسمائه وصفاته وأشهد أن محمداً عبده المجتبي ونبيه المصطفى ﷺ.

أما بعد:

خداوند متعال پیامبر ما رسول الله ﷺ را ویژگی‌های بسیار و عطایای گسترده‌ای عنایت فرموده است، یکی از آنها که با احادیث صحیح ثابت است، حوض کوثر، در صحرای قیامت، می‌باشد، که آن تکریم و بزرگداشت الهی است به رسول الله ﷺ و امت ایشان که برگزیده امت‌هاست.

رسول الله ﷺ در آن احادیث اعلام فرموده‌اند که تعدادی از امت ایشان از حوض مبارکش، رانده و دور کرده می‌شوند، زیرا پس از ایشان تغییر ایجاد کرده و مرتد شده‌اند، و از آن دسته با الفاظی مانند: «أصحابي»، «أعرفهم»، «منکم»، و عباراتی دیگر تعبیر فرموده‌اند که گویای شناخت ایشان، از آن دسته می‌باشد، آنهایی که هدفی جز طعن اصحاب محمد ﷺ ندارند و همیشه در پی خورده گرفتن از آنان هستند، این گونه احادیث را دستاویز خود قرار داده‌اند و آن را ناظر بر (صحابه) بهترین نسل بشریت می‌دانند.

تا سخنی با آنان در میان گذاشته شود، پیش از هر چیز، این گونه احادیث را به عنوان دلیل، عنوان می‌کنند و از طرفی دیگر، بسیاری از دانشجویان و عامه‌ی مردم نیز از آن پرس و جو می‌کنند، اهل علم، مفاهیم آن احادیث را تبیین کرده‌اند و به هیچ گونه

برخواسته‌های شیطانی و برداشت نادرست آنان، دلالت نمی‌کند.

اگر این نص نبوی نبود، به نوشتن پیرامون موضوع ارتداد صحابه نیازی نبود، این یک ادعای بی‌جانی است که مرده به دنیا آمده است و مرده نمی‌تواند در میان زندگان، زندگی کند.

در این دوران، افرادی که شیفته‌ی شکار لغزش‌ها و تخریب شخصیت‌ها هستند با ادعای (بحث علمی آزاد و بی‌طرفانه!) در آن روحی تازه دمیده‌اند، آغاز این ادعا سفسطه و نهایتش زندقه و بی‌دینی است! خداوند امام سیوطی را رحمت کند که در موردی شبیه این ادعا، فرمود: «خدا شما را رحمت کند، بدانید که برخی دانش‌ها مانند دواء و برخی اندیشه‌ها، مانند اجابت مزاج هستند که باید فقط، هنگام نیاز از آن یاد شود»^۱.

اگر از اینان خواسته شود که درباره‌ی نظریات عمامه به سرها و یا باورهای دینی‌شان، بحث و گفتگو بشود، انگشت در گوش فرو می‌کنند و از آن طفره می‌روند.

طعن در صحابه رضی الله عنهم طعن در رسول الله صلی الله علیه و آله است، که آنان را پرورش داده و ستوده‌اند، بلکه طعن در خداوند متعال است که در قرآن آنان را بسیار ستوده و در تورات و انجیل برایشان مثال زده است.

خداوند متعال می‌فرماید ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۲﴾ [الجمعة: ۲].

«او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و به آنها کتاب و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در در گمراهی آشکار بودند».

شواهد و حقایق تاریخی، بر این نظریه مهر بطلان می‌زند و بر بی‌بنیادی و سستی آن شهادت می‌دهد، چه رسد به نصوص قرآن و سنت، این نظریه نشان بی‌اهمیتی دین در دل

۱. مفتاح الجنة في الاحتجاج بالسنة ص: ۵.

هواداران آن و انحراف از راه مؤمنان و هم چنین راه پیروان کتاب‌های آسمانی پیشین است، زیرا آنان نیز به خود جرأت چنین کار زشتی را نداده‌اند.

أولئك أتباع النبي وحزبه ولولاهم ما كان في الأرض مسلم
ولولاهم كانت ظلاماً بأهلها ولكن هم فيها بدور وأنجم
ولولاهم كانت تميد بأهلها ولكن رواسيها وأوتادها هم

«آنان (اصحاب) پیروان و گروه پیامبرند، اگر آنان نبودند، اکنون در زمین مسلمانی وجود نداشت.

اگر آنان نبودند، دنیا یکدست، تاریکی و ظلمت بود، اما آنان ماه و ستارگان دنیا هستند.

اگر آنان نبودند، زمین آرام نمی‌گرفت، آنان کوه‌های استوار و میخ‌های (ثابت نگه دارنده‌ی) زمین هستند».

من مدعی نیابت علما برای نوشتن نیستم، منتها با توجه به نیاز شدید مردمی که دنبال حقیقت هستند، خصوصاً آنهایی که به مسایل شیعه می‌پردازند، اما باز هم کتابی مستقل که به این موضوع پردازد، سراغ ندارم، مگر بسیار نادر و نایاب، هم چنین آن گونه که در بحث اول فصل سوم و بحث‌های دیگر خواهید دید، کسی را سراغ ندارم که از احادیثی که من از آن، بر بطلان این نظریه استدلال کرده‌ام، استدلال کرده باشد، اگر در این بحث راه درست و حقیقت را پیموده‌ام، بی‌تردید آن محض فضل الهی است و بر همه‌ی نعمت‌هایش از او شاکرم و اگر جز آن باشد به او پناه می‌برم و استغفار می‌کنم، او برایم کافی و بهترین کارساز است.

خداوند رحمت کند، شاعری را که گفته است:

أسير وراء الركب ذا عرج مؤملاً جبر ما لاقيت من عرج
فإن لحقت بهم من بعد ما سبقوا فكم لرب الوری في الناس من فرج

وإن ظللت بقفر الأرض منقطعاً فما على أعرج في ذاك من حرج

«در پی این کاروان انبوه، می‌روم، تا از بیراهگی رهایی یابم. اگر با آن پیشتازان رسیدم، حقا که آفریدگار برای مردم فرج می‌آورد. و اگر از آنان بریدم و در بیابان گم شدم، در این زمینه بر لنگ ملامتی نیست.»
من نمی‌گویم که این نوشتار، از هر عیب و نقصی پاک است، زیرا انسان همیشه در معرض سهو و فراموشی است، خصوصاً با دانش کم و بار گناه، همین که خوبی‌هایش بر خطاهایش بیشتر باشد، کمال اوست.»

من آن را «تأملات في أحاديث الحوض» نامیدم، خدا رحمت کند، کسی را که با برادرش از در انصاف در آید و در برابر زحمتی که متحمل شده است دعای خیر کند و با خیر اندیشی و راهنمایی خلل‌ها و کمبودها را پر نماید.

از خداوند متعال خواستاریم که این کار را خالصانه برای رضای خود، بگرداند و به ما حب اصحاب محمد ص و ادب عنایت کند و ما و آنان را با رسول الله ص در بهشت گرد هم آورد، و امیدوارم که سبب رهایی آنهایی باشد که در دام مظلومیت و بند اوهام گرفتارند.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد وعلی آله وصحبه وسلم

والحمد لله رب العالمین

عبدالله بن عبشان الغامدی

دمام - شوال ۱۴۲۷ هـ

بخش اول

بحث اول: عقیده‌ی اهل سنت و جماعت درباره‌ی حوض

اهل سنت و جماعت بالاتفاق به حوضی که خداوند متعال در میدان قیامت به رسول الله ﷺ، می‌دهد، ایمان دارند، مؤمنان امت ایشان بدون هیچ مانعی از آن حوض آب می‌نوشند و آن گونه که احادیث صحیح تصریح دارند، پس از آن هرگز درمانده و بیمار و تشنه نمی‌شوند.

همه کسانی که عقیده‌ی اهل سنت را اجمالاً یا تفصیلاً بیان کرده‌اند، مسأله‌ی حوض را آورده‌اند، بنابراین مسأله‌ی حوض یکی از مسایلی اعتقادی متفق علیه اهل سنت و جماعت است.

در ادامه گوشه‌ای از سخنان آنان را درباره‌ی اثبات این عقیده که مسلمانان، جز افراد انگشت شماری به آن ایمان دارند، ذکر می‌کنم، البته هدفم پی‌جویی و ذکر تمام اقوال علما در این باره نیست، زیرا گفتار آنان در این باره مشهور است و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد، بلکه هدفم استشهاد از کلام آنان در این زمینه است، خداوند ما و شما را به راه و روش آنان رهنمون گردد.

اکنون اقوال آنان را به ترتیب سال وفاتشان می‌آورم:

- امام احمد بن حنبل (ت: ۲۴۱ هـ) رحمته در نامه‌اش به عبدوس بن مالک می‌گوید: «و ایمان به حوض و این که رسول الله ﷺ در قیامت حوضی دارند که اصحاب ایشان بر آن وارد می‌شوند...»^۱.

۱- المسائل والرسائل المروية عن الإمام أحمد في العقيدة ۲/۲۰۱.

- امام ابن ابی عاصم (ت: ۲۸۷ هـ) رحمته الله در کتاب السنة آورده است که: «باب: در ذکر حوض پیامبر صلی الله علیه و آله»^۱ در پی آن روایاتی در اثبات آن ذکر کرده است و در پایان آن چنین می‌گوید: «اخباری که درباره‌ی حوض پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر کردیم، موجب آن است که از حقیقت حوض با همان صفاتی که رسول الله صلی الله علیه و آله توصیف فرموده‌اند، آگاهی پیدا کنیم، ما بدون هیچ شک و تردیدی، ایشان را تصدیق می‌کنیم و امیدواریم خدایی که ما را به تصدیق آن توفیق داده است - منکران آن را توفیق تصدیق نداد تا آنان را از لذت نوشیدن آن محروم بگرداند- به آن حوض راه دهد تا از آن بنوشیم و هرگز تشنه نشویم، و از کرم او امیدوار این هستیم».

- امام طحاوی (ت: ۳۲۱ هـ) رحمته الله می‌گوید: «و حوضی که خداوند متعال برای سیراب نمودن امت وی به ایشان عنایت نموده، حق است»^۲.

- امام آجری (ت: ۳۶۰ هـ) رحمته الله می‌گوید: «ایمان به حوضی که به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت شده است» و پس از آن روایاتی در این باره آورده و سپس افزوده است: «از کسی که به حوض ایمان ندارد و آن را تکذیب می‌کند به خداوند پناه می‌بریم، با آنچه ما درباره‌ی حوضی که خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت نموده است، آورده‌ایم، نیازی به روایات بیشتر نیست»^۳.

- امام ابوزید قیروانی (ت: ۳۸۶ هـ) رحمته الله در رساله‌ی مشهورش می‌گوید: «ایمان به حوض رسول الله صلی الله علیه و آله که امت ایشان به آن راه می‌یابند و هر کس از آن بنوشد دیگر تشنه نمی‌شود و هر کس (در دین) تبدیل و تغییری ایجاد کرده است از آن باز داشته می‌شود»^۴.

۱- کتاب السنة ص: ۳۰۷-۳۷۴.

۲- شرح العقیبة الطحاویة ص: ۲۲۷.

۳- الشریعة ص: ۳۶۳-۳۶۸.

۴- قطف الجنی الدانی ص: ۴۷.

- امام لالکایی (ت: ۴۱۸ هـ) رحمته می گوید: «ذکر احادیثی که درباره‌ی حوض از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است»^۱ و در پی آن روایتی چند از صحابه رضی الله عنهم را درباره‌ی حوض آورده است.

- امام صابونی (ت: ۴۴۹ هـ) رحمته می گوید: «-اهل سنت- به حوض و کوثر ایمان دارند»^۲.

- امام ابن حزم (ت: ۴۵۶ هـ) رحمته می گوید: «احادیث درباره‌ی حوض صحیح است و آن کرامتی است برای رسول الله صلی الله علیه و آله و آنانی که از امت ایشان به حوض راه می یابند»^۳.

- امام ابن عبدالبر (ت: ۴۶۳ هـ) رحمته می گوید: «بنا به نظر علمای مسلمانان ایمان به حوض واجب و اقرار به آن لازم است»^۴.

- قاضی عیاض (ت: ۵۴۴ هـ) رحمته می گوید: «حدیث حوض صحیح است و ایمان به آن واجب است و تصدیق به آن جزو ایمان است و اهل سنت و جماعت با همان کیفیتی که در احادیث آمده است، بدون هیچ گونه تأویل و تغییر معنای ظاهری، به آن ایمان دارند...»^۵.

- شیخ الاسلام ابن تیمیه (ت: ۷۲۸ هـ) رحمته می گوید: «حوض رسول الله صلی الله علیه و آله که امتش بر آن وارد می شوند، در میدان قیامت قرار دارد»^۶.

آنچه گذشت برخی از گفتار اهل علم، محدثان و فقیهان مذاهب مختلف درباره‌ی اثبات حوض رسول الله صلی الله علیه و آله بود، این مسئله مورد توافق تمامی مسلمانان است و نیازی

۱- شرح أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة ۱۱۸۸/۶.

۲- عقيدة السلف وأصحاب الحديث ص: ۶۱.

۳- الفصل في الممل والأهواء والنحل ۳۷۰/۲.

۴- التمهيد ۲۹۱/۲.

۵- إكمال المعلم ۲۶۰/۷.

۶- العقيدة الواسطية ص: ۲۸.

به اثبات بیشتر ندارد و منکر آن هیچ گونه دست‌آویزی ندارد، همان گونه که ابن حزم، رحمته می‌گوید، «برای کسی که حوض را انکار کند هیچ دست‌آویزی جز جهل و عدم آشنایی با احادیث سراغ نداریم»^۱. والله الموفق.

بحث دوم: تواتر^۲ احادیث حوض

احادیثی که درباره‌ی حوض وارد شده است به حد تواتر می‌رسد، تعداد زیادی از صحابه رضی الله عنهم آن را از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند و متون آن احادیث همگی بر اثبات حوض دلالت دارد و برخی از تفصیل آن متفاوت است، قاضی عیاض رحمته می‌گوید: «حدیث (حوض) ثابت و روایت آن متواتر است و گروهی از صحابه آن را روایت کرده‌اند» و در پی آن راویان آن را نام برده و سپس افزوده است: «برخی از این احادیث چنانند که این حدیث (حوض) را از خبر واحد فراتر می‌برد و به حد حدیث مستفیض و متواتر می‌رساند»^۳.

ابن ابی‌العز حنفی رحمته می‌گوید: «احادیثی که درباره‌ی حوض وارد شده است، به حد تواتر می‌رسد»^۴.

حافظ ابن حجر در نقدی بر قاضی عیاض و نووی درباره‌ی تعداد راویان حدیث حوض از صحابه رضی الله عنهم می‌گوید: «همه‌ی کسانی که قاضی عیاض ذکر کرده است ۲۵ نفر هستند و نووی سه نفر به آنان افزوده است و من به اندازه تعدادی که هر دوی آنان ذکر کرده‌اند، به آن افزوده‌ام که تعداد راویان به بیش از ۵۰ نفر رسید... و به من خبر رسیده

۱- الفصل في الملل والأهواء والنحل ۲/۳۷۰.

۲- حدیث متواتر: حدیثی است که آن را گروهی بی‌شمار که توافق آنان بر دروغ عادتاً محال باشد، روایت کنند. و شروطی نیز دارد. نگا: النکت ص: ۵۸، تدریب الراوی ۲/۶۲۶، مجموع الفتاوی ۲۰/۲۵۸، ۱۸/۵۰ معجم

مصطلحات الحدیث ص: ۳۴۸.

۳- أکمال المعلم ۷/۲۶۰.

۴- شرح العقیة الطحاویة ص: ۲۲۷.

است که یکی از متأخرین تعداد صحابه راوی حدیث حوض را به ۸۰ صحابی رسانیده است»^۱.

همان طور که می‌بینید احادیث حوض را تعداد زیادی از صحابه رسول الله ﷺ روایت کرده و علمای حدیث آن را در جوامع، مسانید و صحاح خویش ثبت کرده‌اند و این امر هر مسلمان را به صحت و قطعی بودن این اخبار مطمئن می‌سازد و به این خاطر علما می‌گویند که: خبر متواتر مفید علم ضروری است، که انسان چاره‌ای جز پذیرفتن آن نمی‌یابد و معنای علم ضروری این است که: آن برعکس علم نظری نیازی به استدلال ندارد و حتی عامه مردم که اهلیت نظر و تحقیق را ندارند، آن را درک می‌کنند، والله اعلم.

بحث سوم: منکرین حوض

اهل سنت و جماعت به مقتضای احادیث متواتر رسول الله ﷺ بر اثبات حوض اتفاق نظر دارند، و برخی بدعت‌گرا و هواپرست ثبوت حوض را انکار کرده‌اند که با دو چیز بر آنان رد می‌شود:

۱- احادیث متواتر رسول الله ﷺ درباره‌ی حوض.

۲- اجماع همه‌ی اهل سنت.

قرطبی رحمته الله علیه می‌گوید: «بر هر مکلف واجب است که بداند و باور داشته باشد که خداوند متعال حوض کوثر را به رسول الله ﷺ عنایت کرده است. گروهی از بدعت‌گرایان آن را انکار کرده و بی‌آن که حمل آن بر ظاهرش مستلزم محالی عقلی و یا با دلایلی نقلی تناقضی داشته باشد که تأویل آن را بطلبند، تأویل کرده‌اند، پس تأویل آن تحریفی است که از عقلی سخیف سرچشمه گرفته و با آن اجماع سلف را نادیده گرفته و از مذهب ایمه‌ی خلف نیز جدا شده‌اند»^۲.

۱- فتح الباری ۵۷۰/۱۱.

۲- المفهم ۹۰/۶.

ابن حجر رحمته الله در توضیح کلام قرطبی می‌گوید: «خوارج و برخی از معتزله آن را انکار کرده‌اند»^۱.

اشعری رحمته الله می‌گوید: «با این که احادیث حوض از طرق مختلفی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است و اصحاب رضی الله عنهم بی‌هیچ اختلافی آن را نقل کرده‌اند، معتزله آن را انکار کرده‌اند»^۲.

ابن عبدالبر رحمته الله می‌گوید: «بدعتگرایان خوارج و معتزله آن را نفی کرده‌اند و اهل حق آن را همان گونه که از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است، تصدیق می‌کنند»^۳.

معتزله بنابر اصول فاسدی که دارند، حوض را انکار می‌کنند و احادیث متواتر و ثابتی را که با اصول آنان هماهنگ نباشد، نمی‌پذیرند و اکثر دلایل سمعی را تأویل و از معنای ظاهری تحریف می‌کنند، زیرا می‌پندارند که دلایل سمعی برعکس دلایل عقلی مفید یقین نیست و بدین خاطر منهج آنان آمیزه‌ای است از تخمین‌ها و پندارهایی که آن را تقدیم عقل بر نقل می‌نامند.

عقل‌گرایان امروزی بر مذهب معتزله هستند و از آن دفاع می‌کنند و عقیده و اصول اسلام را تابع اندیشه‌ی عقلانی و مادیگرایانه می‌دانند و غیبات را با سلیقه‌ی فاسدشان به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که با مفاهیم عقلانی محدود بشری سازگاری داشته باشد.

توجه:

متأخرین امامیه‌ی اثنا عشری در عقایدشان در باب مسایل صفات و قدر بر نقش قدم معتزله می‌روند، شیخ‌الاسلام می‌گوید: «تکیه‌گاه آنان در نظر و عقلیات: متأخرین آنها بر کتاب‌های معتزله اعتماد کرده‌اند و در مسایل صفات و قدر با آنان موافق هستند» و نیز

۱- فتح الباری ۵۶۹/۱۱.

۲- الإبانة ص: ۱۶۴.

۳- التمهید ۲۹۱/۲.

می‌گوید: «... لیکن در اواخر سده‌ی سوم برخی از شیعه اقوال معتزله را پذیرفتند»^۱.
به این دلیل در بسیاری از مسایل میان آرای معتزله و آنچه در کتاب‌های امامیه نوشته شده است، تفاوت چندانی دیده نمی‌شود^۲ آیا لازمه‌ی این، آن است که مانند معتزله حوض را نیز انکار کنند؟

پاسخ: خیر، شیعه‌ی امامیه حوض رسول الله ﷺ را می‌پذیرند، اما آن را برای خدمت مذهب خویش به کار می‌گیرند و از آن بر دو مطلب استدلال می‌کنند.

اول: اثبات امامیه در این حدیث رسول الله ﷺ: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا»^۳.

«من پس از خود در میان شما چیزی گذاشته‌ام که تا به آن چنگ زده‌اید، گمراه نخواهید شد: یکی از دیگری بزرگتر است: کتاب الله، ریسمان کشیده شده از آسمان تا زمین و عترتم، اهل بیتم، آن دو از همدیگر جدا نمی‌شوند تا آن که بر حوض نزد من بیایند، پس ببینید که بعد از من با آن دو چگونه رفتار می‌کنید.»

مشاهده می‌کنید که در حدیث، جز توصیه برای عترت که شامل همسران رسول الله ﷺ و بقیه اهل بیت – که آنان این مطلب را نمی‌پذیرند- است، چیزی درباره‌ی امامت نیست، مبارکفوری می‌گوید: «پس هر کس بر توصیه عمل کند و با خوش رفتاری با آن دو از این احسان سپاسگزاری کند، هرگز از همدیگر جدا نمی‌شوند و در صحن‌های قیامت او را رها نمی‌کنند تا این که بر حوض وارد شود و نزد رسول الله ﷺ از او سپاسگزاری می‌کنند و آنگاه ایشان شخصاً به او پاداش می‌دهند و خداوند متعال به وی

۱- منهاج السنة النبوية ۷۰، ۷۲/۱.

۲- نگا: مقالات الإسلاميين ص: ۴۴-۶۵، الملل والنحل ۱/۱۹۳.

۳- ترمذی (۳۷۸۸) مسند احمد (۱۱۱۰۴) آلبانی آن را صحیح گفته است، نگا: الصحيحه: (۱۷۶۱).

پاداش کامل تری عنایت می‌کند، و هر کس این وصیت را نادیده گیرد و ناسپاسی کند با او برعکس رفتار خواهد شد»^۱.

دوم: اثبات ردّت صحابه رضی الله عنهم که ما در فصل دوم به آن می‌پردازیم. انکار حوض در اواخر دوران صحابه رضی الله عنهم پدید آمد و عبیدالله بن زیاد^۲ یکی از امرای عراق در دوران معاویه رضی الله عنه و پسرش، آن را انکار می‌کرد، ابوداود از ابوبرزه روایت کرده است که: «او بر عبیدالله بن زیاد وارد شد فلانی (مسلم از او نام برده است) که در مجلس بود. برایم حدیث گفت، وقتی که عبیدالله او را دید گفت: شیخ که سخن او را شنید گفت: گمان نمی‌کردم که در قومی باشم که مرا به همراهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم طعنه بزنند، عبیدالله گفت: همراهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای تو زینتی است نه عیب، سپس گفت: من تو را فرا خواندم تا درباره‌ی حوض از تو بپرسم که آیا درباره‌ی آن از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چیزی شنیده‌ای؟ ابوبرزه گفت: آری، نه یک بار و دو بار و سه بار و چهار بار و پنج بار، هر کس آن را تکذیب کند، خداوندا او را از آن ننوشاند، و خشمگین از آن جا خارج شد»^۳.

اما احمد در مسندش از طریق یزید بن حیان از زید بن أرقم آورده است که وی گفت: «عبیدالله بن زیاد مرا فراخواند، من نزد او رفتم، او به من گفت: این چه احادیثی است که از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کنی که در قرآن از آن سراغی نداریم؟ می‌گویی که ایشان در بهشت حوضی دارند؟ گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به ما چنین فرمودند و آن را به ما وعده دادند، (عبید الله) گفت: تو دروغ می‌گویی، تو پیرمردی فرتوت و خرف هستی، گفت: این گوشه‌ایم شنید و قلبم حفظ نموده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هر کس

۱- تحفة الأحوذی ۱۹۷/۱۰، نگا: منهاج السنة ۳۱۸/۷، ۳۹۳-۳۹۷.

۲- عبیدالله بن زیاد بن أبیه، به ولایت بصره و خراسان رسید و او نخستین عربی است که از جیحون گذشت و فاجعه شهادت حسین علیه السلام توسط لشکر او باعث شد که نزد مردم مبعوض گردد، او فاتحی شجاع و جبار بود، ابن الاثیر در عاشورای سال ۶۷ هـ او را کشت.

۳- ابوداود، باب الحوض - (۴۷۴۹) صححه آلالبانی.

قصداً بر من دروغ بگوید، جایش را در جهنم آماده کند» و من بر رسول الله ﷺ دروغ نگفتم...»^۱.

انس رضی الله عنه می گوید: بر ابن زیاد وارد گشتم که درباره‌ی حوض سخن می گفتند، چون مرا دیدند، گفتند: انس آمد، گفتند: ای انس! درباره‌ی حوض چه می گویی؟ گفتم: والله نمی دانستم زنده می مانم تا امثال شما را ببینم که درباره‌ی حوض شک دارید، من پیرزنان مدینه را می دیدم که هرگاه نماز می خواندند، دعا می کردند که بر حوض رسول الله ﷺ وارد شوند.^۲

آجری رضی الله عنه می گوید: می بینید که انس بن مالک رضی الله عنه از کسانی که درباره‌ی حوض شک دارند، تعجب می کند، زیرا به نظر او خواص و عوام همه به حوض ایمان دارند و حتی پیر زنان از خداوند متعال می خواهند که آنان را از حوض رسول الله ﷺ آب بنوشاند، از کسی که به حوض ایمان ندارد و آن را تکذیب می کند، به خدا پناه می بریم». ابن ابی العز رضی الله عنه می گوید: «خداوند منکران حوض را تباه کند و شایسته است که روز تشنگی بزرگ از رسیدن به حوض بازداشته شوند».^۳

تکذیب حوض مصداق گفتار عمر بن خطاب رضی الله عنه است که فرمود: «اقوامی خواهند آمد که تقدیر، حوض، شفاعت و این که گروهی از جهنم خارج گردند، را تکذیب می کنند».^۴ چنین سخنی اجتهاد شخصی نیست، قطعاً آن را از رسول الله ﷺ شنیده است، والله اعلم.

در این روایتی که امام احمد و آجری روایت کرده‌اند بازگشت ابن زیاد از این قول

۱- احمد ۱۳/۳۲ (۱۹۲۶۶)، ابن ابی عاصم (۶۹۹) محقق آن افزوده است: اسناد صحیح علی شرط مسلم.

۲- آجری، الشریعه (۸۵۲)، ابن ابی عاصم، السنة (۶۹۸) مسند احمد ۹۶/۲۱ (۱۳۴۰۵) و سند وی ابن جدعان ضعیف است، آلبانی درباره‌ی اسناد آجری و ابن ابی عاصم می گوید: اسناد صحیح.

۳- شرح الطحاویة ص: ۲۲۹.

۴- ابن ابی عاصم، السنة (۶۹۷) آلبانی می گوید: حدیث موقوف حسن، و رواه غیره بدون ذکر الحوض.

نقل شده است: «ابوسبره بن سلمه شنید که ابن زیاد از حوض می پرسد و گفت: من آن را حق نمی دانم، پس از آن که از ابوبرزه اسلمی، براء بن عازب و عابد بن عمرو المدنی پرسید، گفت: من باور ندارم، ابو سبره گفت: آیا در این باره حدیثی شفا‌دهنده برایت، بیان نکنم؟ پدرت با مقداری مال نزد معاویه رضی الله عنه فرستاد، عبدالله بن عمرو را دیدم، عبدالله بن عمرو حدیثی گفت و من آنچه وی از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده بود، بی آن که حرفی از آن بکاهم و یا حرفی بیفزایم، با دست خود نوشتم، وی گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله - ضمن حدیثی طولانی - فرمودند: میعادگاه شما حوض من است که عرض آن برابر با طولش است، ابن زیاد گفت: تاکنون حدیثی استوارتر از این درباره‌ی حوض، برایم بیان نشده است، گواهی می‌دهم که حوض حق است و صحیفه‌ای را که ابو سبره آورده بود، گرفت»^۱.

بحث چهارم: آیا تمامی پیامبران حوض دارند؟

آیا حوض یکی از ویژگی‌های رسول الله صلی الله علیه و آله است یا همه‌ی پیامبران دارند؟ شارح طحاویه رحمته الله می‌گوید: «در احادیث آمده است که هر پیامبر حوضی دارد و حوض پیامبر ما صلی الله علیه و آله از همه بزرگ‌تر و نوشندگان از آن بیشتر هستند»^۲. شارح طحاویه به حدیثی اشاره دارد که ترمذی از طریق حسن، از سمره روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا، وَإِنَّهُمْ يَتَبَاهَوْنَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ وَّارِدَةٍ، وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَّارِدَةً». «هر پیامبر حوضی دارد و آنان افتخار می‌کنند که بیشتر از دیگران بر حوض خود وارد شونده داشته باشند و من امیدوارم که واردشوندگان بر حوض من از همه بیشتر باشند».

ابوعیسی می‌گوید: این حدیث غریب است و اشعث بن عبدالملک این حدیث را از

۱- مسند احمد (۶۵۱۴)، ابن ابی عاصم، السنة (۷۱۹)، آجری (۸۳۹)، صححه الألبانی نگا: جزء ما روي في الحوض

و الكوثر، بقي بن مخلد ص: ۱۰۴.

۲- شرح العقيدة الحاوية ص: ۲۲۸.

حسن از رسول الله ﷺ رسلاً روایت کرده و در آن از سمره یادی نکرده است و آن صحیح تر است^۱.

طبرانی در «الکبیر» (۲۵۶/۷) از طریق سلسله‌ی آل سمره که سلسله‌ی ضعیفی است و بخاری در «التاریخ الکبیر» (۴۴/۱) و ابن‌ابی‌عاصم در «السنة» (۷۳۴) این حدیث را از طریق حسن از سمره روایت کرده‌اند، و درباره‌ی سماع حسن از سمره اختلاف مشهوری وجود دارد و حسن مدلس است و اضافه بر آن در روایت این حدیث، عنعنه نموده و به سماع هیچ تصریحی نکرده است، لذا ترمذی درباره‌ی روایت حسن می‌گوید: آن مرسل و صحیح است.

حافظ ابن حجر رحمته می‌گوید: «مشهور است که حوض به پیامبر ما ﷺ اختصاص دارد، لیکن ترمذی در حدیث سمره که مرفوعاً روایت کرده، آورده است که «هر پیامبری حوضی دارد» و افزود که موصول و مرسل بودن حدیث مورد اختلاف است و مرسل آن صحیح تر است. می‌گویم: که آن حدیث مرسل را ابن‌ابی‌الدنیا با سندی صحیح، از حسن چنین آورده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «إن لكل نبی حوضاً وهو قائم علی حوضه بیده عصا یدعو من عرف من أمته، ألا إنهم یتباهون أیهم أكثر تبعاً، وإنی أرجو أن أكون أكثرهم تبعاً».

«هر پیامبری، حوضی دارد و عصا بدست بر حوض خود ایستاده و امت خود را که می‌شناسد فرا می‌خواند، بدانید که آنان افتخار می‌کنند که بیش از دیگران پیرو داشته باشند و من امیدوارم که از همه بیشتر پیرو داشته باشم». طبرانی این حدیث را از طریق دیگر موصولاً و مرفوعاً از سمره آورده است، البته در سند آن لین هست، ابن‌ابی‌الدنیا نیز با سندی که لین دارد از ابو سعید مرفوعاً چنین آورده است: «وکل نبی یدعو أمته و لكل نبی حوض فمنهم من یأتیه الفئام ومنهم من یأتیه العصبه ومنهم من یأتیه الواحد ومنهم من یأتیه

۱- ترمذی، کتاب القیامة، باب ما جاء فی صفة الحوض، (۲۴۴۳).

الأئنان ومنهم من لا يأتيه أحد وإني لأكثر الأنبياء تبعاً يوم القيامة». «هر پیامبری امت خویش را فرا می خواند و همه‌ی پیامبران حوض دارند، نزد برخی گروه‌های زیادی می آیند و نزد بعضی فقط یک دسته و نزد بعضی یک نفر و نزد بعضی دو نفر می آیند و نزد بعضی هیچ کس نمی آید و من در روز قیامت از همه بیشتر پیرو دارم».

اگر این ثابت باشد، حوضی که به پیامبر ما ﷺ اختصاص دارد، کوثر است که آب نهر کوثر در آن می ریزد و نقل نشده که کسی نظیر آن را داشته باشد و در سوره‌ی کوثر خداوند به آن، بر رسول الله ﷺ منت نهاده است.^۱

حدیث سابق ترمذی اضافه بر تدلیس حسن و آن هم از سمره که عنعنه نموده است، مسلسل بالعلل است و ارسالی که ترمذی ترجیحش داده است، در آن (سعید بن بشیرازدی) وجود دارد که او نیز متکلم فیه است، حافظ در «التقریب» درباره‌ی او می گوید: «ضعیف» و از آن گذشته، شیخ ترمذی (احمد بن محمد بن نيزک) نیز متکلم فیه است، ذهبی آورده که: ابن عدی درباره‌ی او می گوید: «فی امره نظر» و دیگران به ناچار او را می پذیرند.^۲ و حافظ گفته است: «صدوق فی حفظه شیء»^۳.

لذا آلبانی رحمته درباره‌ی سند ترمذی می گوید: «این سند قابل حسن گفتن نیست، زیرا در آن سه علت وجود دارد...» و آن همان است که ما قبلاً یادآور شدیم، سپس افزوده است که اسناد طبرانی نیز ضعف دارد، البته برای حدیث دو شاهد موصول و یک شاهد مرسل نیز ذکر کرده است و در پی آن گفته است: «کوتاه سخن این که: این حدیث با توجه به مجموعه‌ی طرق آن، حسن و یا صحیح است. والله اعلم»^۴.

۱- فتح الباری ۵۶۸/۱۱.

۲- میزان الاعتدال ۲۹۶/۱.

۳- التقریب ص: ۹۸.

۴- الصحیحه: (۱۵۸۹) با اندکی تلخیص.

ابن قیم در تهذیب السنن نیز به این نظریه که هر پیامبر حوضی دارد، تمایل دارد.^۱ بنابراین درمی‌یابیم که این حدیث با مجموعه‌ی طرق آن، قوی و مفهوم آن تأیید می‌گردد، همان‌گونه که علامه ابن عثیمین رحمته الله می‌گوید: «خداوند با حکمت و عدل خویش همان گونه که به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حوضی عنایت کرده است تا مؤمنان امت ایشان از آن آب بنوشند، به هر کدام از پیامبران نیز حوضی می‌دهد تا پیروان مؤمن آنان، بهره‌مند شوند، لیکن حوض بزرگ، همان حوض رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود».^۲

بنابراین حوض پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر نوشنده دارد و اندازه‌ی آن از دیگران، بزرگتر و ذایقه‌اش شیرین‌تر است، بویژه که کوثر که آبش در آن حوض می‌ریزد، به ایشان اختصاص داده شده است، و هر پیامبری حوضی خواهد داشت که مؤمنان امتش از آن آب می‌نوشند، و پیامبر ما غریبه‌هایی را که از امت ایشان نیستند، از آن دور می‌کند، زیرا پیروان خویش را با درخشش پاها و پیشانی که علامت اختصاصی این امت است و نشانه‌هایی دیگر، می‌شناسند، همان‌گونه که مسلم و غیره از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «...وَإِنِّي لِأَصُدُّ النَّاسَ عَنْهُ كَمَا يَصُدُّ الرَّجُلُ إِبِلَ النَّاسِ عَنْ حَوْضِهِ». «من مردم را از آن می‌رانم، همان‌گونه که کسی شتران دیگران را از حوض خود می‌راند». گفتند: یا رسول الله! آیا در آن روز ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری، شما سیمایی دارید که هیچ کدام از امت‌های دیگر ندارد، شما با پاها و پیشانی‌هایی درخشنده بر اثر وضو، نزد من خواهید آمد».^۳

۱- تهذیب السنن، حاشیه عون المعبود ۵۷/۱۳.

۲- شرح العقیة الواسطیة ۱۵۹/۲.

۳- مسلم - کتاب الطهارة - (۲۴۷).

نکته:

حافظ بن حجر رحمته الله می‌گوید: حکمت آن که ایشان مردم را از حوض خویش می‌رانند، آن است که هر ملتی را به حوض پیامبرشان راهنمایی کنند، زیرا که قبلاً گفتیم که همه پیامبران حوض دارند و افتخار می‌کنند که پیروان بیشتری داشته باشند، پس این نشانه انصاف و مصلحت اندیشی ایشان، برای دیگر پیامبران است، نه این که از روی بخل ورزیدن به آب، آن را برانند و نیز احتمال دارد کسانی را که لیاقت نوشیدن از آب حوض را ندارند، از آنان می‌رانند، والعلم عندالله تعالی»^۱.

بحث پنجم: آیا حوض اکنون وجود دارد؟

در حدیث عقبه بن عامر رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنِّي قَرَطُ لَكُمْ وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ»^۲.
 «من پیش از شما بر حوض می‌رسم و من بر شما گواهم، والله من اکنون حوضم را می‌بینم».
 و در حدیثی دیگر آمده است: «وَإِنِّي لَأَنْظُرُ إِلَيْهِ مِنْ مَقَامِي هَذَا»^۳. «من از همین جا حوضم را می‌بینم». و در حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه آمده که: «ما در مسجد نشسته بودیم که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در مرض وفات خویش در حالی که پارچه‌ای به سر پیچیده بودند، تشریف آوردند و بر منبر نشستند و فرمودند: «والذي نفسي بيده أني لقاتم علي الحوض الساعة...»^۴. «سوگند به آن که جانم در دست اوست، من هم اکنون بر حوض ایستاده‌ام...».
 ابوهیرره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ

۱- فتح الباري ۵۷۷/۱۱.

۲- البخاري، الجنائز: (۱۳۴۴)

۳- بخاری، المغازی (۴۰۴۲) مسلم، الفضائل (۲۲۹۶)

۴- بقی بن مخلد در جزء في الحوض والكوثر ص: ۸۱.

الْحُجَّةُ، وَمِنْبَرِي عَلَى حَوْضِي»^۱.

«میان خانه و منبرم گلزاری است از گلزارهای بهشت و منبر من بر حوضم واقع است». ابن حجر رحمته می گوید: این که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ». «احتمال دارد که هنگام ایراد خطبه برایشان نمایان شده باشد که ظاهراً این گونه است و نیز احتمال دارد که رویت، قلبی باشد»^۲.

بعید است که رویت قلبی باشد، زیرا اصل آن است که کلام بر حقیقت حمل شود که همان رویت با چشم و آلت دیدن، است که از نظر عقلی هیچ ممانعتی ندارد و شرع نیز بر آن صحه گذاشته است و به این ترتیب، حدیث مذکور یکی از نشانه‌های نبوت است، با توجه به این که آن مقرون به (إلی) است، که دلالت بر رویت چشم، دارد و در حدیث تأکیداتی همچون قسم و نون و لام تأکید به کار رفته است، و این نظریه را علامه عینی رحمته نیز توجیح داده و گفته است: «حدیث گویای آن است که حوض آفریده شده است و امروز وجود دارد و آن واقعی است و نیز بیانگر معجزه‌ای از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و آن این که ایشان حوض را در دنیا مشاهده فرمودند و از آن خبر داند»^۳ والله اعلم.

و اما درباره‌ی فرموده‌ی ایشان: «وَمِنْبَرِي عَلَى حَوْضِي». نووی رحمته نقل کرده است که قاضی عیاض می‌گوید: «اکثریت علما معتقدند که مراد عیناً همین منبری است که در دنیا داشتند، می‌گویند: و ظاهر نیز همین است، و می‌افزاید: برخی دیگر آن را نپذیرفته‌اند، و گفته شده است که: ایشان آنجا بر حوض خویش منبری دارند، و گفته شده است که: قصد نمودن منبر و حضور نزد آن به خاطر انجام کارهای نیک، انسان را بر حوض وارد

۱. بخاری، الصلاة: (۱۱۹۶)، مسلم، الحج: (۱۳۹۰) از عبدالله بن زید t.

۲- فتح الباری ۵۷۸/۱۱.

۳- عمدة القاری ۲۳۱/۸.

می‌کند و به معنای نوشیدن از آن است»^۱.

بحث ششم: ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ

ویژگی‌های حوض رسول الله ﷺ در احادیث متعددی که پیرامون آن حوض مبارک روایت شده، بیان گردیده است، و اختلاف عبارت برخی از روایات، موجب هیچ گونه تناقض و اضطرابی نیست، زیرا آن احادیث از چندین صحابی که در اماکن مختلف از رسول الله ﷺ شنیده‌اند، روایت شده است و رسول الله ﷺ با هر قومی مثال‌هایی را بکار می‌بردند که برایشان قابل فهم باشد، و همه‌ی روایات از نظر معنا با هم نزدیک هستند، والله اعلم.

ویژگی‌های حوض مبارک آن گونه که در احادیث رسول الله ﷺ بیان شده، چنین است:

اولاً: آب حوض:

آب حوض از شیر سفیدتر است و در روایتی از مسلم آمده که: «مَأْوُهُ أَبْيَضُ مِنَ الْوَرِقِ»^۲. «آب آن از نقره هم سفیدتر است». و در روایتی دیگر آمده است که: «بی تردید آب آن از برف بسیار سفیدتر است».

ثانياً: بوی آن:

بوی آن از مشک هم خوش‌تر است.

۱- شرح مسلم، نووی ۱۶۲/۹.

۲- مسلم، الفضائل: (۲۲۹۲)، الطهارة: (۲۴۷).

ثالثاً: جام‌های حوض:

جام‌های آن به اندازه ستارگان آسمان است، و در روایتی دیگر آمده است: «در آن لیوان‌هایی همانند تعداد ستارگان، خواهی یافت»^۱.

و در روایتی از مسلم آمده است که: «تُرَى فِيهِ أَبَارِيقُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ كَعَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ»^۲.

«در آن، به اندازه ستارگان آسمان جام‌های طلایی و نقره‌ای خواهی یافت».
و در روایتی دیگر آمده است: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا نَيْتُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نُجُومِ السَّمَاءِ وَكَوَاكِبِهَا إِلَّا فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ الْمُصْحِيَةِ»^۳.

«سوگند به او که جان محمد در دست اوست، جام‌های آن از ستارگان آسمان آن هم در شبی تاریک با آسمانی صاف، نیز بیشتر است».

ویژگی‌های فوق در حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما ذکر شده است، که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «حَوْضِي مَسِيرَةٌ شَهْرٍ، مَاءُهُ أَبْيَضُ مِنَ اللَّبَنِ، وَرِيحُهُ أَطْيَبُ مِنَ الْمِسْكِ، وَكِرَانُهُ كَنُجُومِ السَّمَاءِ، مَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَا يَظْمَأُ أَبَدًا»^۴.

«مسافت حوض من یک ماه راه است، آبش از شیر سفیدتر و بویش از مشک خوش‌تر و لیوان‌هایش همچون ستارگان آسمان است، هر کس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی‌شود».

رابعاً: تأثیر آن:

تأثیر آب آن، این است که هر کس از آن بنوشد، هرگز تشنه نمی‌شود، در روایتی آمده است که: «... چهره‌ی او هرگز سیاه نمی‌شود»^۱.

۱- متفق علیه، بخاری، الرقاق: (۶۵۹۲)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۸).

۲- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۳).

۳- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۰) حدیث ابوذر t

۴- بخاری، الرقاق: (۶۵۷۹)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۲)

خامساً: طعم آن:

طعم آن از عسل شیرین تر است.^۲

سادساً: سردی آن:

آب آن از یخ سردتر است.^۳

سابعاً: سرچشمه‌ی آن:

در حدیث ابوذر رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد» و در حدیث ثوبان رضی الله عنه آمده است که: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد که یکی طلایی و دیگری نقره‌ای است».^۴

علامه نووی از هر وی رحمهما الله نقل کرده است که: «معنای آن این است که پی در پی و با فشار در حوض آب می‌ریزند...».^۵

اما حوض همان کوثر است یا خیر؟

قرطبی رحمته الله می‌گوید: «مفسران درباره‌ی کوثری که به رسول الله صلی الله علیه و آله عنایت شده است، اختلاف نظر دارند و در این باره ۱۶ نظریه وجود دارد: ۱- کوثر نه‌ری است در بهشت... ۲- کوثر همان حوض رسول الله صلی الله علیه و آله در میدان محشر است، این نظریه عطاء است، در صحیح مسلم از انس رضی الله عنه روایت شده است که: «ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که ایشان لحظه‌ای به خواب رفتند و سپس سر خویش را بلند فرمودند و لبخندی زدند، گفتم: یا رسول الله! از چه می‌خندید؟ فرمودند: لحظه‌ای قبل بر من سوره‌ای نازل گشت، سپس

۱- أحمد ۲۵۰/۵، ابن حبان ۳۷۰/۱۴، ابن ابی عاصم: (۷۲۹) محقق صحیح ابن حبان گفته است: إسنادہ صحیح.

۲- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۰-۲۳۰۱) حدیث ابوذر و ثوبان رضی الله عنہما.

۳- احمد (۳۹۰/۵)، ابن ابی عاصم: (۷۲۴، ۷۲۵) و آلبانی گفته است: إسنادہ حسن.

۴- مسلم، الفضائل: (۲۳۰۰، ۲۳۰۱).

۵- مسلم، شرح نووی ۶۳/۱۵.

چنین تلاوت فرمود: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْزَرْ ۝ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝﴾ [الکوثر: ۱-۳]. و سپس فرمودند: آیا می‌دانید کوثر چیست؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمودند: «آن، نهری است که پروردگرم به من وعده داده است، بر آن خیر کثیری هست، آن حوضی است که امت من روز قیامت بر آن وارد می‌شوند، ظرف‌های آن به تعداد ستارگان است، برخی از حوض باز داشته می‌شوند، می‌گویم که: او از امت من است، می‌گویند: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کرده است»^۱.

احادیث درباره‌ی حوض در میدان محشر بسیار است و ما آن را در کتاب «التذكرة»^۲ آورده‌ایم و خلفای اربعه ایشان رضوان الله علیهم بر چهار گوشه‌ی آن قرار دارند و هر کس با یکی از آنان دشمن باشد، آن دیگری نیز به او آب نمی‌دهد^۳ و در آنجا کسانی را که از حوض باز داشته می‌شوند ذکر کرده‌ایم... و می‌توان هم آن نهر و هم حوض را، کوثر نامید، به خاطر کثرت وارد شوندگان و نوشندگان از امت محمد ﷺ و نیز نظر به خیر کثیر و آب کثیری که دارد...».

قرطبی پس از ذکر اقوال، می‌گوید: «صحیح‌ترین نظریه در این باره نظریه‌ی اول و دوم است، زیرا از رسول الله ﷺ نصی درباره کوثر وجود دارد»^۴.

حافظ ابن حجر رحمته الله علیه می‌گوید: «کوثر نهری است در بهشت که آب آن در حوض می‌ریزد و خود حوض را نیز کوثر می‌گویند، زیرا که سرچشمه‌ی آن است، و مسلم به روایت ابوذر رضی الله عنه آورده است که: «دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزد» و حدیث ثوبان نیز

۱- مسلم، الصلاة: (۴۰۰).

۲- التذكرة ۴۶۱/۱.

۳- ذهبی، المیزان ۱/۱۶۰، حافظ، اللسان تحت ترجمه‌ی: ابراهیم بن عبدالله المصیصی، یکی از متروکین و نگا:

المجروحین ۱/۱۵۱.

۴- الجامع لأحكام القرآن ۲۰/۱۹۸-۲۰۰ با اندکی تفاوت.

آن را تأیید می‌کند و در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه به روایت امام احمد،^۱ آمده است که: «نهری از کوثر در حوض گشوده می‌شود».^۲

حافظ ابن کثیر رحمته الله می‌گوید: «در وصف حوض روز قیامت آمده است که: «دو میزاب از آسمان از نهر کوثر در آن می‌ریزد...».^۳ و در وصف کوثر آمده است که: «آب آن از عسل شیرین‌تر و از برف سفیدتر است».^۴ و این برخی از ویژگی‌های حوض است، بنابراین حوض محل جمع شدن آب‌هایی است که از نهر کوثر فرو می‌ریزد، پس آن چیزی یر از کوثر است، گرچه سرچشمه‌ی آن همان کوثر است، والله اعلم.

ثامناً: وسعت حوض:

درباره‌ی وسعت حوض احادیث زیادی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است که ظاهراً با هم متعارض هستند، و در واقع بحمدالله هیچ تعارضی ندارند، آن روایات چنین هستند:

- ۱- از جریاء تا اذرح.
- ۲- از عدن تا عمان.
- ۳- از ایله تا صنعاء یمن.
- ۴- از مدینه تا صنعاء.
- ۵- از ایله تا جحفه.
- ۶- از عمان تا ایله.
- ۷- از مدینه تا عمان و در روایتی: از این جا تا عمان.
- ۸- از کوفه تا حجر الأسود.

۱- المسند ۶/۳۲۸، شماره: (۳۷۸۶) محقق آن گفته است: إسناده ضعيف.

۲- فتح الباري ۱۱/۵۶۷ با اندکی تفاوت.

۳- تفسیر ابن کثیر ۴/۷۲۱.

۴- ترمذی: (۲۲۶۱)، ابن ماجه: (۴۳۳۴).

- ۹- از کعبه تا بیت المقدس.
- ۱۰- دورتر از ایله تا عدن.
- ۱۱- دورتر از ایله تا مکه.
- ۱۲- از بیضاء تا بصری.
- ۱۳- از ایله تا مصر.
- ۱۴- وسیع تر از ایله تا کعبه.
- ۱۵- از عمان تا یمن.
- ۱۶- از جاییه تا صنعاء.
- ۱۷- مسافت یک ماه و زاویه هایش برابر است و در روایتی آمده است که عرض آن همانند طولش می باشد.
- ۱۸- از مکه تا صنعاء.
- ۱۹- از صنعاء تا بصری.
- ۲۰- از مدینه تا عمان.
- ۲۱- از ایله تا مدینه.
- ۲۲- از مدینه تا بیت المقدس.
- ۲۳- از عمان تا ایله^۱.
- (جرباء و اذرح) دو روستا هستند در شام که سه شبانه روز از یکدیگر فاصله دارند.
(ایله) شهر معروفی است میان مصر و شام در ساحل دریای سرخ و از آنجا تا مدینه یک ماه راه است.
- (بصری) شهر معروفی است کناره‌ی شام به طرف حجاز.
(البیضاء): نزدیک ریزه، شهر معروفی است میان مکه و مدینه.

۱- نگا: فتح الباری ۵۷۲/۱۱-۵۷۵، السنة لابن ابی عاصم ص: ۳۰۷-۳۴۶، كشف الغمة ص: ۹۹-۱۲۲.

(الجاییه): محله‌ای است در دمشق.

(الجحیفه): روستا و یکی از میقات‌های حج است، و تا مدینه هشت مرحله، و در راه مکه و همان (مهیعه) است.

قاضی عیاض رحمته می‌گوید: این که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «حَوْضِي مَسِيرَةُ شَهْرٍ وَ زَوَايَاهُ سِوَاءٌ». یعنی این که چهار ضلع آن برابرند و برخی، از این، استدلال کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از علوم و فنون دیگر نیز آگاهی داشتند و این از علم هندسه و حساب است و معنای این سخن، این است که حوض چهار ضلع دارد و همه با هم برابرند، آن گونه که در حدیثی دیگر فرمودند: عرض آن همانند طولش می‌باشد^۱.

قرطبی رحمته می‌گوید: «یعنی: هر چهار ضلع آن با هم برابرند»^۲.

ابن حجر رحمته می‌گوید: «همه‌ی این مسافتات با هم نزدیک است و تقریباً همه به نصف ماه اندکی کم یا بیش می‌رسند، علما این مسئله را توجیه کرده‌اند، عیاض می‌گوید: این اختلاف به تخمین برمی‌گردد و در یک حدیث واقع نشده است که اضطرابی محسوب گردد، بلکه در احادیث متعدد است و بیش از یک صحابی آن را روایت کرده‌اند و در اماکن مختلفی آن را شنیده‌اند، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در هر کدام از آن احادیث، برای بیان وسعت حوض مثالی بیان فرموده‌اند و هدف دوری شهرها از همدیگر بوده است نه بیان قطعی مسافت، می‌گوید: پس این گونه الفاظ متفاوت حدیث از حیث معنا با هم متفق می‌گردد».

البته این سخن اشکال دارد و آن این که تشبیه و تخمین در دو شیء نزدیک به هم صورت می‌گیرد اما این تفاوت فاحش که گاه از یک ماه می‌گذرد و گاه به سه روز کاهش می‌یابد، موجه نیست، قرطبی می‌گوید: برخی کوتاه نظران می‌پندارند که اختلاف در تعیین

۱- إكمال المعلم ۲۵۸/۷.

۲- المفهم ۹۲/۶.

اندازه حوض، اضطرابی است، که این گونه نیست، و سپس کلام عیاض را آورده و افزوده است که: این اختلافی نیست، بلکه همه روایات گویای آن هستند که حوض بسیار وسیع و گسترده است، سپس می‌گوید: شاید رسول الله ﷺ به خاطر مخاطبان خویش که با آن مسافت‌ها آشنایی داشته‌اند، در خطاب به هر مخاطبی، مسافتی را مثال زده‌اند که شنونده از آن آگاه بوده است».

نووی پاسخ داده است که: ذکر مسافت کوتاه هرگز به معنای رد مسافت طولانی نیست، مسافت طولانی‌تر با احادیث صحیح ثابت است، و هیچ گونه تناقضی در آن نیست، کوتاه سخن این‌که، ابتدا مسافت کوتاه به اطلاع ایشان رسیده است و سپس از مسافت طولانی‌تر اطلاع یافتند و آن را نیز بیان فرمودند، گویا خداوند متعال به پاس احترام ایشان، مسافت حوض را در چندین مرحله توسعه داده است و آن روایاتی که بر مسافتی گسترده‌تر دلالت دارد، مورد اعتماد است».

ابن حجر پس از آن می‌گوید: جمع بین روایات این گونه است که این اختلاف برمی‌گردد به سیر کندِ کاروانی سنگین‌بار و سیر سواری سبک‌بار، و نیز به این گونه که روایت کوتاه‌ترین مدت که همان سه روز است بر سیر پیک حمل شود که اتفاق افتاده است که مسافت یک ماه را در سه روز طی کند ولو این که این امر بسیار به ندرت اتفاق افتاده است»^۱.

نکته:

در روایت صحیح آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَمَامَكُمْ حَوْضٌ كَمَا بَيْنَ جَرَبَاءَ وَأَذْرَحَ». «شما حوضی در پیش رو دارید به مسافت میان جربا و اذرح». اشکال این روایت این است که جرباء و اذرح دو روستای مجاور در شام هستند، حافظ ابن حجر رحمته در رفع این اشکال می‌گوید: «حافظ ضیاء الدین مقدسی در کتابی که

۱- فتح الباری ۱۱/۵۷۳-۵۷۴ با اندکی تصرف.

درباره‌ی حوض فراهم نموده است، در مورد روایت سه روز می‌گوید: به سبب اختصار برخی راویان، در متن حدیث اشتباهی صورت گرفته است، و سپس حدیث کامل را از ابوهریره رضی الله عنه از فوائد «عبدالکریم بن هیثم الدیر عاقولی» با سندی صحیح تا ابوهریره رضی الله عنه مرفوعاً این گونه روایت کرده است: «عرضه مثل ما بینکم و بین جرباء و أذرح»، «پهنای آن مانند فاصله‌ی شما تا جرباء و اذرح است»، ضیاء می‌گوید: بنابراین معلوم می‌شود که در حدیث ابن عمر رضی الله عنهما حذفی صورت گرفته است و روایت در واقع چنین بوده است: «كَمَا بَيْنَ جَرْبَاءَ وَأَذْرَحَ». که «مقامی» و «بین» از آن افتاده است، و حافظ علالی می‌گوید: «... عبارت حذف شده نزد دارقطنی و دیگران این گونه، ثابت است: «ما بین المدینة و جرباء و أذرح». سپس حافظ ابن حجر در پی آن می‌گوید: با اثبات این مطلب، پس اختلاف بر می‌گردد به سیر آهسته و کند و سیر سریع و شتابان^۱.

بحث هفتم: معنای «أنا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ»

جمله‌ی «أنا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ» از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با تواتر نقل شده است و معنای آن براساس گفته‌ی اهل علم چنین است:

ابن الاثیر رحمته الله می‌گوید: «أنا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ». یعنی من پیش از شما بر حوض می‌رسم، می‌گوید: فَرَطٌ يَفْرِطُ، فهو فَارِطٌ، و فَرَطٌ: در صورتی که از دیگران جلوتر باشد و برای طلب آب زودتر برسد تا برای آنان دلو و ریسمان آماده کند» و در «اللسان» آمده است «الفارط: جلو افتاده، سابق»^۲.

نووی رحمته الله می‌گوید: اهل لغت می‌گویند: الفَرَطُ، با فتح فاوراء و الفارط، کسی است که پیش از دیگران بر آب برسد تا حوض و دلو و دیگر ابزار را فراهم کند «فرطکم علی

۱- فتح الباری ۵۷۴/۱۱، نگا: صحیح ابن حبان با تعلیق محقق آن ۳۶۵/۱۱.

۲- النهایه ص: ۷۰۱، لسان العرب ۲۳۳/۱۰.

الحوض». یعنی: پیش از شما به حوض می‌رسم و آن را آماده می‌کنم^۱. این حدیث بر کمال شفقت و مهربانی رسول الله ﷺ نسبت به امت خویش، دلالت دارد.

بحث هشتم: حوض در کجای قیامت قرار دارد

علما درباره‌ی جایگاه و محل حوض در قیامت دو نظریه دارند:

اول: این که حوض بعد از صراط و عبور از آن، قرار دارد و طرفداران این نظریه از حدیثی که احمد و ترمذی از انس رضی الله عنه روایت کرده‌اند، استدلال می‌کنند، و می‌گویند: از رسول الله ﷺ تقاضا کردم که روز قیامت برایم شفاعت کنند، فرمودند: این کار را خواهم کرد، پرسیدم: یا رسول الله! در قیامت شما را در کجا پیدا کنم؟ فرمودند: نخست بر بالای صراط دنبالم بگرد، گفتم: اگر آن جا نبودید؟ فرمودند: آنگاه کنار میزان (ترازو)، سراغم را بگیر، گفتم اگر آنجا شما را نیافتم؟ فرمودند: آنگاه کنار حوض مرا جستجو کن، و من حتماً در یکی از این سه جا خواهم بود.

ابوعیسی می‌گوید: این حدیث حسن غریب است، فقط از این طریق آن را می‌شناسیم^۲.

برخی از علما که در باب حدیث و عقیده تألیف دارند، امثال: امام بخاری، امام ترمذی و ابن ابی زید و دیگران این نظریه را تأیید می‌کنند، زیرا در کتاب‌های خود احادیث حوض و مسایل آن را پس از احادیث صراط و میزان و شفاعت آورده‌اند. ابن حجر رحمته الله می‌گوید: این که بخاری احادیث حوض را پس از احادیث شفاعت و نصب صراط آورده، اشاره به آن است که نوشیدن از آب حوض پس از نصب صراط و گذر از آن، خواهد بود.

۱- صحیح مسلم با شرح نووی ۵۳/۱۵.

۲- المسند ۲۰/۲۱۰، شماره: (۱۲۸۲۵)، ترمذی: (۲۴۳۳)، صححه الألبانی.

پس از آن حدیث سابق انس رضی الله عنه را آورده و افزوده است، «با توجه به برخی از احادیث این باب که گویای آن است که گروهی که نزدیک است به حوض برسند، از آن رانده و به جهنم برده می‌شوند، در قرار گرفتن حوض بعد از صراط اشکالی ایجاد می‌شود و آن، این است که هر کس از صراط عبور کند و به حوض برسد در واقع از جهنم نجات پیدا کرده است، پس چگونه به جهنم باز گردانیده می‌شود؟ احتمال دارد که منظور نزدیک شدن به حوض باشد به گونه‌ای که آن را ببینند و قبل از این که از انتهای صراط عبور کنند، در جهنم انداخته می‌شوند»^۱.

قاضی عیاض رحمته الله می‌گوید: «ظاهر آن می‌رساند که نوشیدن آب حوض پس از حساب و نجات یافتن از جهنم خواهد بود»^۲.

ابوالعباس قرطبی رحمته الله می‌گوید: «رسیدن به حوض و نوشیدن از آن، پس از نجات از جهنم و سختی‌های آن خواهد بود، زیرا رسیدن به آن محل شریف و نوشیدن از آن و رسیدن به مکانی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا تشریف دارند، بزرگترین تکریم و بالاترین انعام است و هر کس به چنان جایگاهی برسد، چگونه به حساب باز گردانیده می‌شود و یا پس از آن چگونه عذاب و رسوایی را می‌چشد؟! چنین نظری از سراب نیز بی‌بنیادتر است»^۳.

دوم: این که حوض قبل از صراط خواهد بود، و این ظاهر عملکرد بسیاری از علما، در تألیفاتشان است، چرا که حوض را قبل از صراط ذکر کرده‌اند، برخی آن را پس از شفاقت قرار داده‌اند مانند: امام لالکائی در کتاب الاعتقاد و اشعری در «الابانة» و آجری در «الشريعة» و ابوداود در سنن و ابن حزم و دیگران، آنان به این ترتیب، اشاره می‌کنند

۱- فتح الباري ۵۶۷/۱۱.

۲- إكمال المعلم ۲۵۷/۷.

۳- المفهم ۹۱/۶.

به این که، مردم پس از انتظار طولانی در میدان محشر و تشنگی آن، بر حوض وارد می‌شوند، و این مناسب حال آنان است، والله اعلم.

برخی دیگر آن را قبل از شفاعت و پس از بیرون آمدن از قبر دانسته‌اند که مردم تشنه از قبر بر می‌خیزند و سر حوض می‌روند، مانند: ابن حبان و ابن ابی عاصم و ابن ماجه و این گروه از علما صراط و میزان را پس از حوض نمی‌آورند، و برخی دیگر امثال اصفهانی در «الحجة» آنرا پس از صراط و میزان می‌دانند. و برخی نیز آن مطلقاً قبل از صراط قرار داده‌اند. امثال: قرطبی در «التذكرة» و شیخ الاسلام در «الواسطیة» رحم الله الجميع.

قرطبی رحمته با جانب‌داری از این نظریه می‌گوید: صاحب «القوت» و دیگران می‌گویند: حوض رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از پل صراط است، صحیح این است که ایشان دو حوض دارند یکی در میدان محشر قبل از طراط و دومی در بهشت، و هر دو کوثر نام دارند، کوثر در زبان عربی به خیر کثیر گفته می‌شود و درباره‌ی میزان و حوض که کدام یک جلوتر از دیگری است، اختلاف نظر وجود دارد، گاه گفته شده که میزان قبل از حوض است و گاه عکس آن، ابوالحسن قابسی می‌گوید: صحیح آن است که حوض قبل از میزان قرار دارد.

به نظر من نیز این مناسب است، زیرا مردم تشنه از قبر برمی‌خیزند پس حوض قبل از طراط و میزان قرار داده می‌شود، والله اعلم، ابوحامد در کتاب «کشف علوم الآخرة» می‌گوید: یکی از نویسندگان سلف گفته است که حوض قبل از صراط است. و این سخن اشتباه است. مؤلف می‌گوید: سخن ابوحامد درست است، بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «من بر حوض ایستاده‌ام که گروهی به من نزدیک می‌شوند تا جایی که آنان را می‌شناسم، ناگاه شخصی مانع رسیدن آنان به من می‌شود و می‌گوید: بروید، می‌گویم به کجا؟ می‌گوید: به سوی جهنم...».

این حدیث دلیل قاطعی است مبنی بر این که حوض در میدان محشر و قبل از صراط است، زیرا صراط پلی است که بر جهنم کشیده شده است که مردم از آن عبور می کنند و هر کس از آن عبور کند از جهنم نجات پیدا می کند، و همچنین حوض های دیگر پیامبران نیز در میدان محشر قرار دارد، از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که درباره ی وقوف در پیشگاه خداوند، از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیده شد که آیا آن جا آب هست؟ فرمودند: «آری، سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، آن جا آب هست، و اولیای خدا از حوض های پیامبران آب خواهند نوشید و خداوند هفتاد هزار فرشته را که عصاهایی آتشی در دست دارند، می گمارد تا کافران را از حوض های پیامبران برانند»^۱.

ابن حجر رحمته الله در پانوشتی بر سخن قرطبی «که رسول الله صلی الله علیه و آله دو حوض دارند» می گوید: این سخن اشکال دارد، زیرا کوثر نهری است در بهشت که آب آن در حوض می ریزد و به این خاطر حوض را کوثر می گویند که، سرچشمه اش کوثر است، سخن قرطبی این را می رساند که حوض قبل از صراط است، مردم تشنه به میدان محشر می روند و مؤمنان آن جا از حوض، آب می نوشند و کفار پس از این که اظهار تشنگی می کنند، سرابی در برابر دیدگانشان آشکار می شود و به آنان گفته می شود، مگر شما آب نمی خواهید؟ و می روند که از آن بنوشند که سرانجام در جهنم سقوط می کنند، امام مسلم از ابوذر رضی الله عنه روایت کرده است که: «دو میزاب از بهشت در حوض فرو می ریزند» و حدیث ثویان نیز شاهد آن است، و این حدیث حجتی است علیه قرطبی نه له او، زیرا آن گونه که گذشت، صراط پلی است بر روی جهنم حد فاصل میدان محشر و بهشت و مؤمنان برای ورود به بهشت از آن عبور می کنند، اگر حوض قبل از پل صراط می بود، جهنم مانع رسیدن آب به حوض کوثر می شد، و ظاهر حدیث این را می رساند که حوض در کنار بهشت است، تا فرو ریختن آب نهر کوثر از بهشت، در آن ممکن باشد، و در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه آمده است که: «نهر کوثر گشوده می شود تا آب آن در حوض فرو

ریزد» سپس حافظ حدیث لقیط بن صبره را که از زیادات عبدالله بن احمد بر مسند می‌باشد، آورده است که: «لقیط با همراهی رفیقش نهیک بن عاصم بن مالک بن المتفق نزد رسول الله ﷺ رفت- در حدیث آمده که- شما بر خدا عرضه می‌شوید در حالی که صفحات شما کاملاً بر خداوند آشکار است و هیچ چیزی از شما بر او پوشیده نیست، آنگاه پروردگار تو با دست خویش یک کف آب برمی‌دارد و بر شما می‌پاشد، سوگند به خدای تو بر صورت هر کدام شما قطره‌ای از آن آب می‌چکد، آن قطره صورت مسلمان را مانند پارچه‌ای روشن، سفید می‌گرداند و صورت کافر را مانند زغال، سیاه می‌کند، آنگاه پیامبر شما حرکت می‌کند و نیکوکاران، در پی ایشان راه می‌افتند و بر پلی از آتش عبور می‌کنند و کسی از شما بر اخگر پا می‌نهد و صدای خاموش شدن آن را می‌شنود، آنگاه خدای تو می‌گوید: آگاه باشید که شما در حالی که تشنه‌اید بر حوض رسول الله ﷺ می‌رسید و از آن آب خواهید نوشید...»^۱ این حدیث تصریح دارد که حوض قبل از صراط است، و شارح طحاویه می‌گوید: «حوض در میدان صاف قبل از صراط است»^۲.

۱- المسند ۱۲۱/۲۶ محقق آن می‌گوید: إسناده ضعیف، مسلسل بالمجاهیل، ابن کثیر می‌گوید: هذا حدیث غریب جداً، والفاظه فی بعضا نکارة، البداية ۸۲/۵، حافظ در التهذیب. ۲۶۰/۲ تحت ترجمه‌ی عاصم بن لقیط می‌گوید: هو حدیث غریب جداً، نگا: الصحیحه: (۲۸۱۰)

۲- شرح العقیة الطحاویة ص/۲۷۷.

بخش دوم

تمهید

ثابت است که مردمانی از امت رسول الله ﷺ به علت تغییر و تبدیل که پس از ایشان، ایجاد کرده‌اند و مرتد شده‌اند از حوض بازداشته و طرد می‌شوند.

برخی از مردم در این احادیث سوژه‌ای را که می‌خواستند، پیدا کرده‌اند و این احادیث را براساس گرایش، سلیقه و نظر خویش تفسیر کرده‌اند و تنها هدفشان به کرسی نشاندن نظر باطلشان است و در این راستا از دروغ بستن بر خدا و رسول هم ابایی ندارند و مصداق این آیه هستند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ﴾ [آل عمران: ۷].

«اما آنان که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات هستند تا فتنه انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند».

اما آنان که خدا به آنان نور بصیرت عنایت کرده است نه در اثبات حوض تردیدی دارند و نه در اثبات ممانعت مذکور که رسول الله ﷺ بیان فرموده‌اند، آنان روش راسخین فی العلم را در پیش می‌گیرند و می‌گویند: ﴿ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا﴾ [آل عمران: ۷].

«و ما به همه‌ی آن ایمان داریم، همه از جانب پروردگار ماست». آنگاه هیچگاه نصوص قرآن را رو در روی یکدیگر قرار نمی‌دهند بلکه وظیفه و مقتضای ایمان آنان، تسلیم و تصدیق و دوری از مبارزه با حق است.

احادیث حوض با آن که بحمدالله هیچ اشکالی ندارد، برای برخی سؤال برانگیز شده است و برخی دیگر، آن را حربه‌ای برای طعن اصحاب رسول الله ﷺ قرار داده‌اند، اینان اگر دنبال حق هستند، پس حق واضح و آشکار و اشاره‌ای به آن کافی است و اگر غیر از

این باشد امیدوارم که این کتاب و دلایلی که در آن آورده‌ایم باعث بیداری عقل و وجدان آنان گردد و به فطرت الهی باز گردند.

هدف ما احقاق حق و ابطال باطل است تا آنها که هلاک و گمراه می‌شوند، با اتمام حجت هلاک شوند و آنان که زنده و هدایت می‌شوند از روی دلیل و برهان باشد، والله المستعان.

بحث اول: معنای کلمه «الذَّوْدُ»

در اللسان آمده است که: «الذَّوْدُ: سوق دادن، طرد و دفع کردن، می‌گویی: ذُدُّهُ عَنْ كَذَا وزاده عن الشيء ذوداً و ذیاداً، ورجل ذائد: بازدارنده... و ذدت الابل، أذودها ذوداً: هنگامی که آن را طرد کنی و برانی. والذود: به یک گله شتر از ۳ تا ۱۰ گفته می‌شود و نیز گفته شده: از ۳ تا ۱۰ و یا از ۳ تا ۱۵ و تا ۲۰ و اندکی بیشتر و یا از ۳ تا ۳۰ و یا میان ۲ و ۱۹».

بحث دوم: احادیث ممانعت از حوض

قبلاً گفتیم که احادیث حوض به حد تواتر رسیده است و صحابه‌ی زیادی آن را از رسول الله ﷺ روایت کرده‌اند و حافظ بن حجر تعداد آنان را پنجاه صحابی می‌داند و گفته است که یکی از متأخرین تعداد راویان احادیث حوض را به هشتاد صحابی رسانیده است.

باید دانست که مسأله ممانعت از حوض در تمام آن احادیث نیامده است، بلکه احادیث حوض به چند گونه تقسیم می‌شوند:

اول: احادیث بیانگر ویژگی‌های حوض.

دوم: احادیث بیانگر این مطلب که رسول الله ﷺ پیش از همه بر حوض می‌رسند.

سوم: احادیثی که بیان می‌دارند که چه کسانی به حوض راه می‌یابند و چه کسانی از آن طرد می‌شوند و صفات آن افراد، ما قبلاً احادیث نوع اول و دوم را بیان کردیم و در این جا فقط به احادیث نوع سوم اشاره خواهیم نمود و تنها به احادیث صحیحین اکتفا می‌کنیم مگر در مواردی اندک که نیازی به دیگران باشد و گاه به خاطر اختصار فقط موضع استدلال حدیث را ذکر می‌کنیم.

۱- عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، وَلَيُرْفَعَنَّ رِجَالُ مَنْكُمْ ثُمَّ لَيُخْتَلَجَنَّ دُونِي، فَأَقُولُ: يَا رَبِّ أَصْحَابِي؟ فَيَقَالُ: إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ!»^۱.

«من پیشاپیش شما بر حوض می‌رسم و مردانی از شما نمایان می‌شوند و ناگاه از میان ربوده می‌شوند، می‌گویم: پروردگارا! اصحاب مرا کجا بردند؟ گفته می‌شود نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند.»

و در روایت مسلم آمده است که: «وَلَا نَازِعَنَّ اقْوَاماً ثُمَّ لَا غَلْبِنَ عَلَيْهِمْ». «از گروهی دفاع می‌کنم و سرانجام مغلوب می‌گردم.»

۲- انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِي الْحَوْضِ، حَتَّى عَرَفْتَهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي، فَأَقُولُ: أَصْحَابِي؟ فَيَقُولُ: لَا تَدْرِي مَا أَحْدَثُوا بَعْدَكَ.»

«مردمانی از اصحاب من بر حوض می‌آیند تا آن که آنان را می‌شناسم ناگاه از میان ربوده می‌شوند، می‌گویم: اصحاب مرا چی شد؟ می‌گوید: نمی‌دانی که پس از شما چه کرده‌اند.»

در روایت مسلم آمده است: «رِجَالٌ مِمَّنْ صَاحَبَنِي حَتَّى إِذَا رَأَيْتُهُمْ وَرَفَعُوا إِلَيَّ.» «مردانی از آنان که همراه من بوده‌اند تا این که آنان را می‌بینیم و بر من عرضه می‌شوند...». و در آن «أَصْحَابِي أَصْحَابِي» با تصغیر و تکرار وارد شده است.^۲

۱- بخاری، الرقاق: (۶۵۷۶)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۷).

۲- بخاری، الرقاق: (۶۵۸۲)، مسلم، الفضائل: (۲۳۰۴).

۳- سهل بن سعد رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ ، مَنْ مَرَّ عَلَيَّ شَرِبَ ، وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا ، لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ أَقْوَامٌ أَعْرَفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي ، ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَيَبِينُهُمْ»^۱. «من پیشاپیش شما بر حوض می‌رسم، هر کس نزد من بیاید از آن می‌نوشد و هر کس از آب آن بنوشد تا ابد تشنه نمی‌شود، اقوامی که آنها را می‌شناسم و آنان نیز مرا می‌شناسند، نزد من می‌آیند که ناگاه میان من و آنان فاصله انداخته می‌شود».

۴- ابو حازم می گوید: نعمان بن ابی عیاش این (حدیث) را از من شنید و گفت آیا تو آن را از سهل شنیده‌ای؟ گفتم: آری، آنگاه گفت من گواهی می‌دهم که من آن حدیث را ابوسعید خدری با این زیادتى شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَأَقُولُ إِنَّهُمْ مِنِّي . فَيَقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ . فَأَقُولُ سَحَقًا سَحَقًا لِمَنْ غَيْرَ بَعْدِي».

«می‌گویم که آنان از من هستند، گفته می‌شود: شما نمی‌دانید که پس از شما چه کرده‌اند، پس من می‌گویم: دور باد کسی که پس از من تغییر ایجاد کرده است».

ابن عباس رضی الله عنه می گوید: سحقا به معنای بعداً (دور باد) است و سحیق یعنی بعید و أسحقه یعنی: او را دور گردانید.

۵- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَرِدُ عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَهْطٌ ۲ مِنْ أَصْحَابِي فَيُحَلِّثُونَ عَنِ الْحَوْضِ فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصْحَابِي . فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا عِلْمَ لَكَ بِمَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ ، إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى»^۳.

«گروهی از اصحابم روز قیامت بر من وارد می‌شوند که ناگاه از حوض بازداشته می‌شوند، می‌گویم: پروردگارا! اینان اصحاب من هستند، می‌گویند: تو اطلاع نداری که پس از تو چه کرده‌اند، آنان به پشت سر خود بازگشته‌اند».

۱- بخاری، ارقاق: (۶۵۸۳، ۶۵۸۴). مسلم، الفضائل: (۲۲۹۱).

۲- رهط: گروهی از مردان کمتر از ده نفر و نیز گفته شده است: سه یا هفت نفر تا ده نفر و تا چهل نفر که در میان آنان زن نباشد، نیز گفته شده است. النهاية: ص ۲۲۴، ۷۸۰.

۳- بخاری، الرقائق: (۶۵۸۵، ۶۵۸۶)

۶- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «بَيْنَا أَنَا قَائِمٌ إِذَا زُمْرَةٌ، حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ فَقَالَ هَلُمَّ. فَقُلْتُ أَيْنَ قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ. قُلْتُ وَمَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى. ثُمَّ إِذَا زُمْرَةٌ حَتَّى إِذَا عَرَفْتُهُمْ خَرَجَ رَجُلٌ مِنْ بَيْنِي وَبَيْنِهِمْ فَقَالَ هَلُمَّ. قُلْتُ أَيْنَ قَالَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ. قُلْتُ مَا شَأْنُهُمْ قَالَ إِنَّهُمْ ارْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَدْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى. فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ التَّعَمِّ»^۱.

«درحالی که ایستاده‌ام گروهی به من نزدیک می‌شوند تا این که آنان را می‌شناسم مردی میان من و آنان بیرون می‌آید و می‌گوید: بروید، می‌گویم: کجا؟ می‌گوید: به خدا قسم به جهنم، می‌گویم: داستان‌شان چیست؟ می‌گوید: آنها پس از تو به پشت سر برگشته‌اند، سپس گروهی دیگر نمایان می‌شود تا این که آنان را می‌شناسم مردی میان من و آنان خارج می‌شود و می‌گوید: بروید: می‌گویم: کجا؟ می‌گوید: به خدا سوگند، به جهنم، می‌گویم: داستان‌شان چیست؟ می‌گوید: آنان پس از تو به پشت سر خویش بازگشته‌اند، از آن جز افراد معدودی (به ندرت شتر سر گشته) نجات پیدا نمی‌یابد.»

۷- اسماء بنت ابی بکر رضی الله عنها می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي عَلَى الْحَوْضِ حَتَّى أَنْظُرُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكُمْ، وَسَيُؤَخِّدُ نَاسٌ دُونِي فَأَقُولُ يَا رَبِّ مَنِّي وَمِنْ أُمَّتِي. فَيُقَالُ هَلْ شَعَرْتَ مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ وَاللَّهِ مَا بَرِحُوا يَرْجِعُونَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ»^۲.

«من سر حوض می‌ایستم تا ببینم که چه کسی از شما نزد من می‌آید، مردمانی قبل از رسیدن به من رفته می‌شوند، می‌گویم: پروردگارا! آنان از من و امت من هستند، گفته می‌شود: آیا می‌دانی پس از تو چه کرده‌اند؟! والله آنان پس از تو همواره به عقب بر می‌گشتند.»

۸- عائشه رضی الله عنها می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب خویش فرمودند: «إِنِّي عَلَى الْحَوْضِ أَنْظُرُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكُمْ فَوَاللَّهِ لَيُفْتَنَنَّ دُونِي رِجَالٌ فَلَأَقُولَنَّ أَيْ رَبِّ مَنِّي وَمِنْ أُمَّتِي. فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ مَا زَالُوا يَرْجِعُونَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ»^۱.

۱- بخاری، الرقائق: (۶۵۸۷).

۲- بخاری، الرقائق: (۶۵۹۳)، مسلم الفضائل: (۲۲۹۳).

«من سر حوض منتظرم تا ببینم که چه کسی از شما نزد من می‌آید، والله مردانی از رسیدن به من باز داشته خواهند شد و من خواهم گفت: پروردگارا! اینان از من و امت من هستند، می‌گویند: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند، آنان همواره به عقب باز می‌گشتند».

۹- ام سلمه رضی الله عنها می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «إِنِّي لَكُمْ فَرَطٌ عَلَى الْحَوْضِ فَإِيَّايَ لَا يَأْتِيَنَّ أَحَدَكُمْ فَيَدْبُ عَنِّي كَمَا يُدْبُ الْبَعِيرُ الضَّالُّ فَأَقُولُ فِيمَ هَذَا فَيَقُولُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدْتُوا بَعْدَكَ. فَأَقُولُ سُحْقًا»^۱.

«من پیش از شما بر حوض می‌رسم، مبادا کسی از شما نزد من بیاید و مانند شتر گم شده، رانده شود و من بگویم: چرا او را می‌رانید؟ و بگویند: تو نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند، و من بگویم: دور باد».

۱۰- ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «...وَإِنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِي يُؤْخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ، فَأَقُولُ: أَصِحَّاحِي، أَصِحَّاحِي، فَيَقُولُ: إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَيَّ أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتُهُمْ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ: ﴿وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَقَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾﴾ إِنَّ تَعَدُّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغَفَّرَ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾﴾ [المائدة: ۱۱۸-۱۱۹].

«... مردمانی از اصحاب مرا به سمت چپ می‌برند، می‌گویم: اصحاب من، اصحاب من، می‌گویند: پس از آن که از آنان جدا شدی، همواره به عقب برمی‌گشتند، من همانند بنده‌ی نیکوکار خدا (عیسی u) می‌گویم: «تا زمانی که میان آنها بودم، مراقب و گواشان بودم، ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آنها بودی، و تو بر هر چیز گواهی، اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی».

و در روایتی دیگر آمده است: «... ثُمَّ يُؤْخَذُ بِرِجَالِ مَنْ أَصْحَابِي ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشَّمَالِ فَأَقُولُ أَصْحَابِي...».

۱- مسلم، الفضائل: (۲۲۹۴)

۲- مسلم، الفضائل: (۲۲۹۵).

«سپس مردانی از اصحاب مرا راست و چپ می‌برند، پس می‌گویم: اصحاب من...».

محمد بن یوسف می‌گوید: از ابو عبدالله از قبیصه نقل شده است که گفت: آنان کسانی هستند که در دوران ابوبکر رضی الله عنه مرتد شدند و ابوبکر رضی الله عنه با آنان جنگید.

در روایتی دیگر آمده است: «... بِرِجَالٍ مِنْ أُمَّتِي فَيُؤَخَذُ بِهِمْ ذَاتَ الشَّمَالِ، فَأَقُولُ يَا رَبِّ أَصِيْحَابِي...!»^۱.

«... مردانی از امت مرا سمت چپ می‌برند، پس من می‌گویم: پروردگارا! اصحاب من هستند...».

بحث سوم: معنای ممانعت از حوض چیست؟

این احادیثی است که طعنه‌زنندگان به صحابه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پاک‌ترین افراد و بزرگان این امت، از آن استناد می‌کنند و نادانسته و یا با برداشت غلطشان، بهترین قرن تاریخ بشریت را لکه‌دار می‌کنند و با این عقیده‌ی فاسد خود و با به فراموشی سپردن عظمت و افتخاری که آنان برای این امت رقم زده‌اند، بنیان و تاریخ درخشان این امت، از دوران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گرفته تا پایان دنیا را نابود می‌کند، مفاسدی که این سخن دربر دارد، فراتر از حصر و شمارش است و ما با عدالتخواهی و حق‌جویی و با توفیق الهی حق را با نقل‌گفتار علما در این زمینه بیان خواهیم نمود و از رد باطل با باطلی دیگر می‌پردازیم، زیرا عدالت بر همگان در مقابل هر کسی دیگر در همه حال واجب و ظلم و بیداد مطلقاً حرام است و تحت هیچ شرایطی مباح نخواهد بود.

۱- بخاری، احادیث الأنبياء: (۳۳۴۹) و (۳۴۴۷، ۴۶۲۵).

علما رحمهم الله معنای ممانعت از حوض را بیان کرده‌اند و ما با توفیق خدای یگانه گوشه‌ای از گفتار آنان را نقل می‌کنیم تا مقصود روشن شود و رانده شوندگان نمایان گردند و از خدای متعال خواستاریم که ما را با روحیه‌ای علمی، حق طلب و حق گو و بیزار از جاهلان، بیاراید.

گفتار علما پیرامون ممانعت از حوض

امام نووی رحمته الله علیه می‌گوید: «این از مواردی است که علما در تعیین مراد آن نظرهای متفاوتی دارند:

اول: این که منظور منافقان و مرتدان هستند که احتمال دارد با پاها و چهره‌هایی درخشان^۱ حشر شوند و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر علامتی که دارند، آنان را صدا زند و به ایشان گفته شود که: اینان از گروهی که به شما وعده داده شده نیستند، زیرا پس از شما تغییر یافتند، یعنی بر اسلامی که به آن تظاهر می‌کردند، نمردند.

و دوم: منظور کسانی هستند که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند و پس از ایشان مرتد شده‌اند، گرچه سیمای درخشنده‌ای ندارند، چون که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در حیات خویش آنان را مسلمان می‌دانسته‌اند، آنان را صدا می‌زدند و گفته می‌شود که: آنان پس از شما مرتد شده‌اند.

سوم: منظور گناهگاران هستند که به اصل توحید مرده‌اند و بدعت‌گرایانی که بدعتشان آنان را از دایره‌ی اسلام خارج نکرده است.

۱- به حدیث ابهریره [†] اشاره می‌کند که می‌گوید: رسول الله [‡] فرمودند: «امت من بر حوض وارد می‌شوند و من مردم را از حوض دور می‌کنم همان گونه که مردی شتران دیگران را از شتران خود جدا می‌کند، گفتند: یا نبی الله! آیا ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری شما سیمایی دارید که دیگران ندارند، شما با پاها و چهره‌هایی درخشان بر اثر وضو، بر من وارد می‌شوید، گروهی از شما از رسیدن به من بازداشته می‌شوید و من می‌گویم: یا رب! اینها اصحاب من هستند، فرشته‌ای بر مکن پاسخ می‌دهد که: می‌دانی که پس از شما چه کرده‌اند؟»

بنابراین نظریه، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند این، الزاماً به معنای جهنمی بودن آنان نیست، و امکان دارد که رانده شدن از حوض مجازات آنان باشد و پس از آن خداوند بر آنان رحم کند و بدون عذاب به بهشت ببرد،^۱ طرفداران این نظریه می‌گویند: بعید نیست که این افراد پاها و چهره‌هایی درخشان داشته باشند و نیز امکان دارد که آنان در زمان رسول الله ﷺ و یا پس از ایشان باشند و رسول الله ﷺ آنان را با سیمایشان بشناسند.

امام حافظ ابو عمر بن عبدالبر رحمته الله می‌گوید: «هر کس در دین بدعتی ایجاد کند امثال: خوارج، روافض و دیگر هواپرستان، از رانده شوندگان از حوض هستند، و همچنین ستم پیشه‌هایی که می‌کوشند حق را بپوشانند و آنهایی که علناً مرتکب گناه کبیره می‌شوند، بیم آن می‌رود که همه آنان منظور این حدیث باشند»^۲.

قرطبی رحمته الله می‌گوید: «علمای ما رحمهم الله می‌گویند: هر کس از دین برگردد و یا در آن بدعتی ایجاد کند که خداوند نه به آن راضی است و نه به آن اجازه داده است، از رانده شوندگان از حوض خواهد بود، و رانده‌تر آنهایی هستند که از جماعت مسلمانان کناره گرفتند و به راهی دیگر می‌روند، خوارج با فرقه‌های متعددشان، روافض با ضلالت‌های گوناگونشان، معتزله با گرایش‌ها متفاوتشان، همه آنان از کسانی هستند که تغییر ایجاد کردند و همچنین ظالمان ستم پیشه که می‌کوشند حق را نابود کنند و اهل آن را به قتل برسانند و مقهورشان سازند و آنهایی که علناً مرتکب گناه کبیره می‌شوند و معاصی را سبک می‌شمارند و همه‌ی گمراهان، هواپرستان و بدعتگرایان، و امکان دارد این طرد شدن فقط در یک حالتی باشد و در صورتی که تغییر ایجاد شده در اعمال باشد نه عقاید، پس از مغفرت الهی دوباره نزدیک گردند، با این احتمال، آنان با نور وضو شناخته می‌شوند و سپس گفته می‌شوند: دور شوید، و اگر از منافقان عصر رسول الله ﷺ باشند

۱- بر اساس عقیده‌ی اهل حق که با ارتکاب مطلق گناه اهل قبله را تکفیر نمی‌کنند، الوسيلة ص: ۳۲.

۲- مسلم با شرح نووی ۱۳۶/۳-۱۳۷.

که به ایمان تظاهر می‌کردند و در دل کافر بودند، ابتدا با توجه به ظاهر، با آنان رفتار می‌شود و سپس پرده برداشته خواهد شد و آن‌گاه به آنان گفته می‌شود: دور شوید، و جز کافر باطل گرایی که به اندازه دانه خردلی نیز ایمان نداشته باشد، کسی دیگر برای همیشه در جهنم نمی‌ماند.

بسامکان دارد که مرتکبین گناه کبیره که از حوض نوشیده باشند، در صورتی که به جهنم بروند، با تشنگی عذاب نشوند، والله اعلم.

ترمذی^۱ از کعب بن عجره^{رضی الله عنه} روایت کرده است که می‌گوید: رسول الله^{صلی الله علیه و آله} به من فرمود: «أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا كَعْبُ بْنُ عُجْرَةَ مِنْ أُمَّرَاءِ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِي فَمَنْ عَشِيَ أَبُوَابَهُمْ فَصَدَّقَهُمْ فِي كَذِبِهِمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ وَلَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ وَمَنْ عَشِيَ أَبُوَابَهُمْ أَوْ لَمْ يَغْشَ فَلَمْ يُصَدَّقْهُمْ فِي كَذِبِهِمْ وَلَمْ يُعْنَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ فَهُوَ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَسَيَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ...»^۲.

«ای کعب بن عجره! من تو را از امیرانی که پس از من می‌آیند، به خدا می‌سپارم، هر کس نزدشان برود و دروغشان را تصدیق کند و آنان را بر ستمشان یاری دهد، از من نیست و من از او نیستم و بر من سر حوض وارد نخواهد شد، هر کس نزدشان نرود و یا اصلاً نزدشان نرود، بر دروغشان را تصدیق نکند و بر ستم، آنان را یاری ندهد، او از من است و من از او و بر من سر حوض وارد خواهد شد.»

ابن هبیره^{رضی الله عنه} می‌گوید: «به نظر من قطعاً این احادیث راجع به آنهایی است که پس از رسول الله^{صلی الله علیه و آله} مرتد شدند و از پرداخت زکات ممانعت ورزیدند و ابوبکر^{رضی الله عنه} با آنان جنگید و همچنین خوارج، همان اهل نهروان که صحابه امثال عثمان و علی^{رضی الله عنه} را تکفیر کردند و امثال این دو گروه و پیروان آنان»^۳.

۱- ترمذی: (۶۱۴)، نسائی: (۴۲۱۸)، احمد: (۱۸۱۲۶) صححه الالبانی.

۲- التذكرة: ۴۶۴/۱-۴۶۵.

۳- الإفصاح ۲۰۱/۷-۲۰۲.

و نیز می‌افزاید: «این حدیث قطعاً به آنهایی برمی‌گردد که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند و با انکار وجوب زکات از پرداخت آن، سرباز زدند و دلیل آن این که، هنگامی که رسول الله ﷺ رحلت فرمودند، آنان را به عنوان صحابی می‌شناختند بدین جهت، هنگامی که از میان برداشته می‌شوند می‌فرمایند: «أصحابي» آنگاه به ایشان گفته می‌شود: «نمی‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند» و حدیث: «تعرض علی أعمال أمتي»، «اعمال اتمم بر من عرضه می‌گردد»، با این توجیه هیچ تضادی ندارد، زیرا آنان بر اثر ارتداد از امت ایشان خارج گشته‌اند^۱ (و بدین جهت رسول الله ﷺ از اعمال آنان مطلع نشده‌اند)

عیاض رحمته می‌گوید: فرموده‌ی رسول الله ﷺ: «رجال ممن صاحبني». در روایت انس رضی الله عنه بر صحت تفسیر آن به اهل رده دلالت دارد، به این خاطر ایشان فرمودند: «سحقاً سحقاً». «دور شوید، دور شوید». زیرا رسول الله ﷺ به گناهکاران امت خویش چنین نمی‌فرمایند بلکه برایشان شفاعت می‌کنند و به آنان توجه می‌نمایند و از خداوند معتال می‌خواهند که آنان را مورد عفو و بخشش قرار دهد. و نیز گفته شده است که آنان دو صنف هستند، گروهی گناهکارانی هستند که از راه استقامت مرتد شدند و اعمال صالح را به اعمالی ناشایسته تبدیل کردند و گروهی دیگر آنانند که: با کافر شدن مرتد شدند و کلمه‌ی تبدیل شامل هر دو گروه می‌گردد^۲.

ابن حجر رحمته از فربری نقل نموده است که: از ابو عبدالله بخاری از قبیصه روایت شده است که، آنان کسانی هستند که در دوران ابوبکر رضی الله عنه از دین برگشتند و ابوبکر رضی الله عنه با آنان جهاد کرد، تا این که کشته شدند و بر کفر مردند، اسماعیلی این روایت را از طریقی دیگر، متصلاً از قبیصه آورده است. خطابی می‌گوید: هیچ کس از صحابه از دین برنگشتند، و آنان که مرتد شدند، گروهی از بادیه نشینان سخت دل بودند که هیچ نقشی

۱- الإفصاح ۲/۲۱۲.

۲- اجمال المعلم: ۵۱/۲، ۲۶۹/۷

در یاری دین نداشتند و این امر هیچ گونه ایرادی بر صحابه مشهور وارد نمی‌کند، و لفظ: «اصحابی» با تصغیر دلالت بر اندک بودن آنان دارد، و نیز گفته شده است که مراد همان کفر است و منظور از «أمتی» امت دعوت است نه امت اجابت و حدیث ابوهریره رضی الله عنه «فأقول: بعداً لهم وسحقاً». سبب ترجیح آن است و این نکته که رسول الله صلی الله علیه و آله از حال آنان اطلاع پیدا نکردند، این احتمال را تأیید می‌کند، زیرا اگر از امت اجابت می‌بودند، رسول الله صلی الله علیه و آله از حال آنان آگاه می‌شدند، زیرا اعمال آنان بر ایشان عرضه می‌گردد، البته جمله‌ی: «حتی إذا عرفتهم». در حدیث انس و ابوهریره رضی الله عنهما این نظریه را رد می‌کند. ابن التین می‌گوید: شاید آنان منافقان و یا مرتکبین گناهان کبیره باشند و نیز گفته شده است که: آنان گروهی از اعراب سخت دل هستند که از روی بیم و یا امید به اسلام گرویده‌اند.

داودی می‌گوید: «بعید نیست که اصحاب کبایر و بدعت‌گرایان، از آنان باشند»، سپس ابن حجر رحمته الله، قول سابق نووی رحمته الله را نقل کرده و افزوده است: «عیاض و باجی و دیگران قول قبیصه راوی حدیث را ترجیح داده‌اند که می‌گوید: آنان کسانی هستند که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله مرتد شدند، و از شناختن آنان، لازم نمی‌آید که حتماً آنان دارای سیمای مسلمانان باشند، زیرا آن سیمای تکریمی است برای مسلمانان که به وسیله‌ی آن، اعمالشان نمایان می‌شود اما مرتد هر عملی که داشته حبیط شده است، و امکان دارد که رسول الله صلی الله علیه و آله شخص آنان را بدون سیمای مخصوص، بر اساس همان حالتی که قبل از ارتداد داشته‌اند، بشناسند، و بعید نیست که منافقان زمان رسول الله صلی الله علیه و آله را نیز شامل باشد، همان گونه که در حدیث شفاعت آمده است: «وَتَبَقَى هَذِهِ الْأُمَّةُ فِيهَا مُنَافِقُوهَا»^۱. که دلالت بر آن دارد که منافقان نیز همراه با مؤمنان حشر می‌شوند و رسول الله صلی الله علیه و آله شخص آنان را ولو این که سیمای مخصوص را نداشته باشند، می‌شناسند و هر کسی را که بشناسند بنا به

۱- بخاری، الاذان: (۸۰۶)، مسلم، الایمان: (۱۸۲).

همان حالتی که پیش از وفات ایشان، داشته‌اند، آنان را صدا می‌زنند، برخی بعید می‌دانند که اهل بدعت مضمول این حدیث باشند، زیرا در حدیث به: «أصحابی» تعبیر شده است و اهل بدعت پس از آنان پدید آمده‌اند، این اشکال چنین پاسخ داده شده است که: صحبت به معنای عام آن، حمل می‌گردد، و گروهی نیز از این جهت آن را بعید دانسته‌اند که مسلمان، گرچه مبتدع باشد، به او «سحقاً» گفته نمی‌شود،^۱ به آن پاسخ داده شده است که: کسی که به خاطر ارتکاب معصیتی محکوم به عذاب شده است و بعداً با شفاعت نجات پیدا می‌کند، اشکالی ندارد که به او گفته شود: «سحقاً» و همانند مرتکبین گناه کبیره، «سحقاً» به معنی سپردن آنان به حکم الهی، همراه با آمدن نجات است، بیضاوی می‌گوید: لفظ: «مرتدین» قطعاً دلالت بر ارتداد از اسلام ندارد و فقط یکی از احتمالات است و نیز احتمال دارد که منظور، مؤمنان گناهکاری باشند که از راه استقامت برگشته و اعمال صالح خویش را با اعمال ناشایسته آمیخته‌اند.

ابویعلی با سندی حسن، از ابوسعید رضی الله عنه روایت نموده است که می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «یا أيها الناس إني فرطكم على الحوض فإذا جئتم قال رجل: یا رسول الله أنا فلان بن فلان، وقال آخر: أنا فلان بن فلان، فأقول: أما النسب فقد عرفته ولعلكم أحدثتم بعدي وارتددتم»^۲. «ای مردم! من پیش از شما بر حوض می‌رسم، وقتی شما می‌آیید، مردی می‌گوید: من فلانی فرزند فلانی هستم و دیگری می‌گوید: من فلانی فرزند

۱- قرار دادن اهل بدعت از مطرودین بیان شده در حدیث برگرفته از لفظ: «اصحابی» نیست، بلکه برگرفته از لفظ: «أحدثوا بعدك» و معنای عام لفظ: «أمتی» است، ابن اثیر در النهایه ص: ۱۹۲ می‌گوید: الحدث: پدیده‌ی جدید و ناپسندی است که در سنت از آن سراغی نباشد، و المحدث: همان پدیده جدید است و به همین معنی در حدیث آمده است: «إياكم ومحدثات الأمور» محدثات: جمع مُحدثَة است و به چیزی گفته می‌شود که در قرآن و سنت و اجماع شناخته شده، نباشد.

۲- ابویعلی: (۱۲۳۳)، طیالسی: (۲۳۳۵)، احمد: (۱۱۱۳۸) و محقق آن گفته است: صحیح لغیره.

فلانی هستم، آنگاه من می‌گویم: نسب شما را که می‌دانم، لابد شما پس از من بدعت ایجاد کردید و مرتد شده‌اید».

احمد و بزار شبیه آن را از جابر روایت کرده‌اند.^۱

عینی رحمته به نقل از کرمانی می‌گوید: «آنان یا مرتدان هستند و یا گناهکاران».^۲

و در توضیح: «فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ التَّعَمِّ». می‌گوید: «یعنی: فقط افراد اندکی از آنان از جهنم نجات می‌یابند و این مطلب می‌رساند که آنان، دو گروهند: کارفان و گناهکاران».^۳

شاطبی رحمته درباره‌ی حدیث: «فليذادن رجال عن حوضي...» می‌گوید: برخی از علما آن را بر اهل بدعت حمل کرده‌اند و گروهی دیگر بر مرتدان از اسلام.

از حدیث یزید الرقاشی که خیثمه بن سلیمان آن را روایت کرده است، بر می‌آید که آنان اهل بدعت هستند، می‌گوید: از انس بن مالک رضی الله عنه پرسیدم که: نزد ما گروهی هستند که ما را کافر و مشرک می‌دانند و حوض و شفاعت را تکذیب می‌کنند، آیا درباره‌ی آنان از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم چیزی شنیده‌ای؟ گفت: آری، از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمودند: پرده‌ی میان بنده و کفر و شرک، ترک نماز است، هر کس آن را ترک کند، کافر است و حوض من به اندازه‌ی آیه تا مکه است... گروهی با لب‌های خشکیده بر آن وارد می‌شوند، و یک قطره هم از آن نمی‌نوشند، هر کس امروز آن را تکذیب کند، در آن روز از آن نخواهد نوشید».

این حدیث دلالت بر آن دارد که آنان، از اهل قبله هستند، و کافر خواندن مسلمانان از صفات خوارج و تکذیب حوض از صفات معتزله و دیگران است.

اضافه بر آن، لفظ «أَلا هَلُمَّ!» در حدیث مؤطا نیز بر همین مطلب دلالت می‌کند، زیرا

۱- فتح الباري ۴۶۸/۱۱ - ۴۶۹.

۲- عمدة القاري ۲۰۶/۲۳.

۳- عمدة القاري ۲۱۴/۲۳.

رسول الله ﷺ آنان را با درخشندگی پیشانی و پاها که از ویژگی‌های این امت هستند، می‌شناسند، بنابراین اگر آنان از این امت نمی‌بودند، رسول الله ﷺ با علامت مذکور آنان را نمی‌شناختند. سپس شاطبی حدیث سابق ابن عباس رضی الله عنهما را آورده است که در آن آمده بود: «فَيُقَالُ هَوْلَاءِ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتَهُمْ». «و می‌گوید: احتمال دارد که منظور این حدیث همانند حدیث موطاء، اهل بدعت باشند، و نیز احتمال دارد که منظور کسانی باشند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شده‌اند».^۲

ابن العربی در شرح حدیث سابق می‌گوید: «... اگر گفته شود: چگونه آنان با آن که دارای درخشندگی وضو هستند، به آنان گفته می‌شود: سحفاً؟ در پاسخ می‌گوییم: این دو احتمال دارد، یکی این که: آنان در یک وضعیت رانده می‌شوند و در وضعیتی دیگر، پس از مغفرت دوباره راه داده می‌شوند، البته این در صورتی است که ایجاد تبدیل در اعمال باشد نه در عقاید. و نیز گفته شده است که: آنان منافقانی هستند که ظاهراً مسلمان و در باطن کافر بوده‌اند، ابتدا به هر کدامشان نوری داده می‌شود و گمان می‌کنند که به مرتبه‌ای رسیده‌اند، آنگاه پرده برداشته می‌شود و حقیقت آشکار می‌گردد» و می‌گوید: حدیث: «فليُذادن رجال عن حوضي» معجزه‌ای است، زیرا از دو چیز خبر می‌دهد، یکی: تغییر و تبدیلی است که پس از وفات ایشان در مردم ایجاد می‌شود، دوم: اتفاقی که در قیامت می‌افتد و کسی غیر از او، آن را نمی‌داند».^۳

زرقانی به نقل از باجی رحمهما الله می‌گوید: «احتمال دارد که منافقان و مرتدان و هر کس وضو بگیرد با درخشش پیشانی و پاها حشر شوند، و به این خاطر رسول الله ﷺ آنان را صدا می‌زند، اگر این سیما مخصوص مؤمنان می‌بود، آنان را به گمان این که از امت وی هستند، صدا نمی‌زدند و نیز احتمال دارد که منظور کسانی هستند که رسول

۱- مؤطا، الطهارة، (۶۲)، مسلم: (۲۴۹).

۲- الاعتصام ۹۶/۱ - ۹۸.

۳- القیس ۱۲۷/۱.

الله ﷻ را دیده‌اند و پس از ایشان تغییر کرده‌اند و مرتد شده‌اند و رسول الله ﷺ با توجه به شناخت قبلی ولو این که درخشندگی پیشانی و پا نداشته باشند، و به صرف این که در حیات ایشان به نام مسلمان شناخته می‌شده‌اند، آنان را صدا می‌زنند، عیاض می‌گوید: نظر اول وجیه‌تر است، روایت شده است که ابتدا به منافقان نور داده می‌شود و وقتی که به آن نیاز پیدا می‌کنند، خاموش می‌شود، پس همان گونه که خداوند با توجه به ایمان ظاهری‌شان به آنان نور می‌دهد و هنگام نیاز بر پل صراط، خاموش می‌شود، بعید نیست که پیشانی و پاهایشان نیز درخشنده باشد و هنگام نیاز و رفتن سر حوض، به منظور عذاب و تمسخر از آن رانده شوند.

داودی می‌گوید: دلیلی وجود ندارد که رانده شوندگان از حوض حتماً جهنمی هستند، بلکه احتمال دارد که در یک مرحله رانده شوند و دچار سختی گردند و به آنان گفته شود: سحقا، و سپس مورد لطف و رحمت خداوند و شفاعت رسول الله ﷺ قرار گیرند. عیاض و باجی می‌گویند: گویا آنان را از جمله‌ی مؤمنان مرتکب گناه کبیره می‌داند و عیاض افزوده است: و یا از بدعتی‌هایی هستند که از دایره اسلام خارج نگشته‌اند، و دیگران می‌گویند: بنابراین بعید نیست که آنان نیز دارای درخشندگی پیشانی و پاها باشند، زیرا آنان از مسلمانان شمرده می‌شوند.^۱

این است اقوال علما درباره‌ی معنای راندن از حوض و کسانی که رانده می‌شوند، و خلاصه‌ی آن چنین است:

- ۱- آنان منافقانی هستند که در عهد رسول الله ﷺ به اسلام تظاهر می‌کردند.
- ۲- آنان کسانی هستند که پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند و ابوبکر صدیق رضی الله عنه با آنان جهاد کرد و با کفر از دنیا رفته‌اند.
- ۳- آنان گناهکاران و مرتکبان کبایر هستند که با موحد در گذشته‌اند.
- ۴- آنان اهل بدعت و هواپرستانی هستند که با بدعتشان از دین خارج نگشته‌اند، و یا

۱. شرح الزرقانی ۹۷/۱ - ۹۸.

آنهایی که با بدعتشان از اسلام خارج شده‌اند.

۵- آنان حکام و والیان ستمگری هستند که در ظلم و نابود کردن حق و کشتن اهل آن، از حد گذشته‌اند و همچنین کسانی که با آنان همکاری کرده‌اند، آنان گرچه از جمله‌ی گناهکاران و اهل معاصی هستند، به خاطر شر عظیمی که برای مسلمانان دارند، در حدیث، مخصوصاً از آنان یاد شده است.

۶- آنان منافقان و مرتدان امت رسول الله ﷺ در اعصار مختلف هستند.

۷- آنان کافران هستند، (آن گونه که خواهد آمد)

برخی از علما گفته‌اند که دو نوع ممانعت از حوض، وجود دارد:

اول: ممانعت عام: که شامل همه امت‌های دیگر می‌باشد که به منظور راهنمایی آنان، انجام می‌گیرد تا به حوض‌های پیامبران خود بروند، همان گونه که رسول الله ﷺ فرمودند: «من مردم را از آن می‌رانم، همان گونه که شخصی شتران دیگران را از حوض خود می‌راند» ابن حجر رحمته الله می‌گوید: حکمت ممانعت مذکور آن است که رسول الله ﷺ می‌خواهند هر شخصی را به حوض خودش راهنمایی کنند، همان گونه که قبلاً گذشت که هر پیامبری حوضی دارد و همه به کثرت پیروان خود افتخار می‌کنند، پس این نشانه‌ی انصاف ایشان و رعایت حقوق دیگر پیامبران است نه این که از روی بخل آنان را برانند و نیز احتمال دارد، کسانی را که صلاحیت نوشیدن از حوض را ندارند، برانند، والله اعلم^۱.

دوم: ممانعت خاص: که مخصوص مردمانی مشخص از امت رسول الله ﷺ می‌باشد، همان گونه که در احادیث گذشته آمده بود: امثال: «مِئِّي وَمِنْ أُمَّتِي...» و غیره، والله أعلم.

شاید همه، جزو کسانی باشند که از حوض رانده می‌شوند، و احادیث گرچه عموماً بالفظ: «أصحابي»، «منکم» آمده‌اند، اما الزاماً بر تخصیص زمان رسول الله ﷺ دلالت

نمی‌کنند، بلکه بنا بر اشاره برخی از نصوص، شامل تمام امت تا قیام قیامت خواهد بود، والله اعلم.

بحث چهارم: الفاظی که مخالفان از آن استدلال می‌کنند

در احادیث حوض برخی از الفاظی را که بدخواهان و هواپرستان برای طعن اصحاب رسول الله ﷺ، آن را دستاویز خود قرار داده‌اند مشاهده کردید، آنان گاه با صراحت و گاه با کنایه به این کار پرداخته‌اند، اگر آنان براساس اصول علمی این کار را می‌کردند، زشتی کارشان قابل توجیه بود و ما می‌گفتیم: صاحب آن مجتهدی است که به حقیقت رسیده و یا به خطا رفته و معذور است! اما ناگاه با کاری ناجوانمردانه و دور از واقعیت‌های تاریخی مواجه شدیم و دریافتیم که طعن آنان بر برخی گمان‌ها و تخمین‌ها بی‌اساس، استوار است.

آن الفاظ عبارتند از:

«منکم - أصحابی - أصیحابی - ممن صاحبینی - عرفتهم - أعرفهم و يعرفونی - منی - أحدکم - فلا أراه یخلص منهم إلا مثل همل النعم».

این‌ها الفاظی است که بدخواهان و طعنه‌زندگان، به آن استدلال کرده‌اند و آن را شاخ و برگ داده‌اند که بحمدالله هیچ دستاویزی برای آنان، ندارد، و برای شما منظور آن را بیان می‌کنیم و خواهید دید از آن چه طعنه‌زندگان می‌گویند بسیار بعید است، و پس از آن از دو راه باید یکی را بپذیرند و راه سومی در کار نخواهد بود. یا به حق باز گردند و دلایل شرعی و عقلی را بپذیرند و واقعیت را آن‌گونه که هست دریابند و این عاقلانه‌ترین کار است.

و یا این که باز هم در تضاد موجود میان میراث کاسدشان با نصوص قرآن و سنت و تاریخ سراسر افتخار و آثار جاویدان صحابه رضی الله عنهم که تا دنیا هست باقی خواهد ماند، بمانند، و اجتماع ضدین (مدح و ذم درباره‌ی آنان ممتنع لذاته است!! آن هم پس از ترکیه و

تعریف خدا و رسول از آنان و اجماع امت بر آن.
 ولاً، لفظ: (أصحابي - أصيحابي - ممن صاحبني).
 صحبت: اسم جنسی است که از نظر شرعی و لغوی برای آن حد و مرز مشخصی
 تعیین نشده است و در این زمینه عرف متفاوت است.
 درباره تعریف آن چندین نظریه وجود دارد، و تعریف مستند آن از این قرار است:
 صحابی کسی است که با ایمان رسول الله ﷺ را ملاقات کرده باشد و با ایمان از دنیا
 برود، چه آن ملاقات کوتاه باشد و یا طولانی، این نظر جمهور علما است.^۱
 رسول الله ﷺ صحبت را به شرطی مقید فرموده‌اند و برای آن حدی مشخص
 نکرده‌اند بلکه آن را مطلق بیان فرموده‌اند و مطلق آن همان رؤیت محض است، زیرا
 ایشان فرمودند: «طوبی لمن رأی وطوبی لمن رأی من رأی...»^۲.
 «خوشا برای آن که مرا دیده و یا کسی که مرا دیده، ملاقات کرده است».
 در این حدیث رسول الله ﷺ صحبت را به رؤیت مطلق معلق فرموده‌اند، و می‌دانیم
 که برخی از صحابه مدتی طولانی و برخی دیگر مدتی کوتاه، در خدمت ایشان بوده‌اند.
 و گاه مراد از صحبت، معنای لغوی آن، یعنی: معاشرت و ملازمت و مرافقت است و
 طولانی و یا کوتاه بودن مدت، در آن نقشی ندارد^۳ و این نکته در قرآن و حدیث و کلام
 عرب شواهد بسیاری دارد.
 مثلاً خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ [التکویر: ۲۲]. ﴿وَصَاحِبُهُمَا فِي
 الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: ۱۵]. و بسیاری آیات دیگر و این شامل هر نوع مصاحبت می‌باشد،
 چه طولانی و یا کوتاه.

۱- النکت ص: ۱۴۹، الباعث الحثیث ص: ۱۶۹، تدریب الراوی ۶۶۷/۲، منهاج السنة ۳۸۳/۸.

۲- حاکم: (۶۹۹۴) نکا: الصحیحه: (۱۲۵۴).

۳- لسان العرب ۲۸۶/۷، القاموس ص: ۹۶۴.

و آن گونه که می‌فرماید: ﴿كَمَا لَعَنَّأَ أَصْحَابَ السَّبْتِ﴾ [النساء: ۴۷]. چون آنان در روز شنبه مرتکب آن کار ناشایسته شدند، خداوند آنان را اصحاب السبت نامید، و جایی دیگر می‌فرماید: ﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ﴾ [العنکبوت: ۱۵]. در حالی که آنان فقط مدت سفر در کشتی بودند، اما باز هم آنان را اصحاب السفینه نامید.

و آشکارتر از همه آیه‌ی: ﴿فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ﴾ [الکھف: ۳۴]. است که خداوند متعال با وجود متفاوت بودن دین که موجب عداوت است، او را صاحب نامیده است و هم چنین است آیه‌ی: ﴿يَصْلِحْجِي السِّجْنِ﴾ [یوسف ۳۹].

اما در حدیث:

در حدیث هجرت وارد شده است که ابوبکر صدیق رضی الله عنه گفت: «الصَّحَابَةُ بِأَيِّ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ»^۱. ابن حجر رحمته الله در توضیح آن می‌گوید: «یعنی: همراهی را می‌طلبم».

و نیز روایت شده است که فرمودند: «فِي أَصْحَابِي اثْنَا عَشَرَ مُنَافِقًا فِيهِمْ ثَمَانِيَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ»^۲.

نووی رحمته الله درباره‌ی لفظ «اصحابی» می‌گوید: یعنی: «کسانی که به صحبت من منسوب هستند آن گونه که در روایت دیگر «فی امتی» آمده است».

و این که فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَدَّ حَرًّا مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَدَيْتُكَ الرَّجُلَيْنِ الرَّكَبَيْنِ الْمُقَفَّيَيْنِ. لِرَجُلَيْنِ حِينَئِذٍ مِنْ أَصْحَابِهِ»^۳.

نووی رحمته الله می‌گوید: «آن دو نفر را به این جهت از اصحاب خویش بر شمردند که تظاهر به اسلام می‌کردند و همراه ایشان بودند، نه این که فضیلت صحبت را یافته‌اند».

۱- بخاری - مناقب الانصار، ۳۹۰۵ و نگا: فتح الباری ۲۹۴/۷.

۲- مسلم، صفات المنافقين و احکامهم (۲۷۷۹) نگا: شرح مسلم، نووی ۱۲۴/۱۷.

۳- مسلم، صفات المنافقين و احکامهم (۲۷۸۳)، شرح نووی، ۱۲۸/۱۷، اكمال المعلم ۳۱۳/۸.

هیچ کس در این باره سخنی ندارد که رسول الله ﷺ منافقان را دیده و آنان نیز ایشان را دیده‌اند، رسول الله ﷺ آنان را می‌شناخته و آنان نیز ایشان را می‌شناخته‌اند، رسول الله ﷺ با آنان اجتماع فرمودند و اشخاص و نسب آنان را می‌دانستند، صحبت آنان یک صحبت لغوی به معنای معاشرت و همراهی و دیدار محض بوده است نه به قصد ایمان و اطاعت، این مطلب را عرب‌ها که صاحب زبانند کاملاً می‌دانند.

این مطلب و احادیثی که خواهد آمد، این نظر را ترجیح می‌دهند که منظور از آنان (رانده شونده‌گان از حوض)، همان مرتدان هستند که جزو صحابه نیستند و واژه‌ی صحبت و حقیقت شرعی آن، شامل حال آنان نمی‌گردد، به این جهت رسول الله ﷺ به عمر بن خطاب رضی الله عنه که می‌خواست عبدالله بن ابی بن سلول را، رئیس منافقان را به قتل برساند، فرمودند: «دعه، لایتحدث الناس أن محمداً يقتل أصحابه»^۱ «رهاش کن، مبادا مردم بگویند: محمد اصحاب خود را به قتل می‌رساند».

ابن حجر رحمته الله می‌گوید: اصحابه یعنی «اتباعه» و نووی رحمته الله می‌گوید: «زیرا منافقان از صحابه‌ی رسول خدا ﷺ شمرده می‌شدند»^۲. در صورتی که تاکنون هیچ کس نگفته است که ابن سلول صحابی رسول الله ﷺ بوده است!

شیخ الاسلام رحمته الله می‌گوید: «بدیهی است که کلمه (الصاحب) در لغت به معنی کسی است که با دیگری همراه شده است خود لفظ هیچ گونه دلالتی بر دوستی و یا دشمنی، مسلمان و یا کافر بودن، ندارد، مگر این که قراین دیگری گویای آن باشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ [النساء: ۳۶]. و کلمه الصاحب هم رفیق سفر را در بر می‌گیرد و هم همسر را، و هیچ دلالتی بر ایمان و کفر ندارد، و هم چنین می‌فرماید:

۱- بخاری التفسیر: (۴۹۰۵ - ۴۹۰۷)، مسلم (۲۵۸۴).

۲- نووی شرح مسلم ۱۳۹/۱۶، فتح الباری ۸/۸۲۸.

﴿وَالْتَجَمَ إِذَا هَوَىٰ ۖ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ﴾ [النجم: ۱-۲]. و می‌فرماید:
 ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ [التکویر: ۲۲].

منظور از آن رسول الله ﷺ هستند، زیرا ایشان با مردم مصاحبت و همراهی نموده‌اند، و از این جهت میان ایشان و مردم هماهنگی و مشارکتی حاصل شده است که به مردم امکان می‌دهد که وحی را از ایشان دریافت کنند و سخنان ایشان را بشنوند و معنای آن‌را بفهمند، اما فرشته با مردم همراه نبوده است تا بتواند سخنی از وی دریافت کند... اما در جایی که «صحبت» به ایشان مضاف شده است، مانند آیه‌ی: ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ [التوبة: ۴۰]. «غم مخور خدا با ماست». و حدیث: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي». «اصحاب مرا بد نگویند»، صحبت و همراهی، موالات و دوستی را می‌رساند و این بدون ایمان داشتن به رسول الله ﷺ ممکن نیست.

در ادامه می‌گوید: «صحبت عموم و خصوص دارد، مثلاً گفته می‌شود که: با فلانی یک ساعت، روز، ماه و یا سال همراهی و مصاحبت کرده و یا یک عمر همراه و مصاحب او، بوده است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾ [النساء: ۳۶]. در تفسیر آن گفته شده که: منظور از آن رفیق سفر است و همسر نیز گفته شده است، همراهی این هر دو، گاه کوتاه و گاه طولانی می‌شود، خداوند متعال همسر را «صاحبه» نامیده است، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿أَنِّي يَكُونُ لَهُ وُلْدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ [الأنعام: ۱۰۱]. «چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد، حال آن که همسری ندارد».

بی‌تردید محض دیدن یک انسان، به معنای مصاحبت و همراهی او نیست، مگر در صورتی که با اتباع و پیروی از وی، او را دیده باشد و به او اختصاص یافته باشد^۱.

۱- منهاج السنة النبویة ۳۸۲/۸-۳۸۲-۳۸۸، ۴۷، با اندکی تصرف.

بنابر این، تعبیر «اصحابی، ممن صاحبینی» که در احادیث حوض وارد شده است بر معنای لغوی و عام که از نظرتان گذشت، حمل می‌گردد، زیرا حمل نمودن آن بر معنای شرعی به معنای منهدم کردن دین از بنیاد است و آن هم بدون دلیل!! و کلمه‌ی (اصحابی) که تصغیر است، همان‌گونه که می‌دانید، بر قلت دلالت می‌کند، و این بدان معناست که افرادی که از حوض رانده می‌شوند، (آن‌گونه که توضیح خواهیم داد) اندک هستند.

ثانیاً: کلمه‌ی: «أعرفهم، يعرفونی- عرفتهم»:

معرفت و شناختی که کلمات فوق به آن اشاره می‌کند یا معرفت اوصاف است و یا معرفت اعیان، این نکته در احادیث بیان شده است، معرفت اوصاف مانند حدیث ابو هریره رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «تَرَدُّ عَلَيَّ أُمَّتِي الْحَوْضُ وَأَنَا أَذُودُ النَّاسِ عَنْهُ كَمَا يَذُودُ الرَّجُلُ إِبِلَ الرَّجُلِ عَنْ إِبِلِهِ. قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَنْعَرِفُنَا قَالَ نَعَمْ لَكُمْ سِيْمَا لَيْسَتْ لِأَحَدٍ غَيْرِكُمْ تَرِدُونَ عَلَيَّ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ». و سیمای وضوء مخصوص صحابه رضی الله عنهم نیست، بلکه برای همه‌ی امت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که این ویژگی مبارک را دارند،

و معرفت اعیان مانند حدیث ابو سعید رضی الله عنه که در آن آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَا بَالُ رِجَالٍ يَقُولُونَ إِنَّ رَحِمَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم لَا تَنْفَعُ قَوْمَهُ بَلَى وَاللَّهِ إِنَّ رَحِمِي مَوْضُوعَةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنِّي أَيُّهَا النَّاسُ فَرَطٌ لَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ فَإِذَا جِئْتُمْ قَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ وَقَالَ آخَرُنَا فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ قَالَ لَهُمْ أَمَّا النَّسَبُ فَقَدْ عَرَفْتُهُ وَلَكِنَّكُمْ أَحَدْتُمْ بَعْدِي وَارْتَدَدْتُمْ الْقَهْقَرَى».

«چرا مردانی می‌گویند: خویشاوندی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، برای قوم ایشان سودی ندارد، آری والله، رشته‌ی خویشاوندی من در دنیا و آخرت برقرار است، ای مردم! من سر حوض پیشواز شما

هستم، شما که می‌آیید، یکی می‌گویید: یا رسول الله! من فلانی فرزند فلانی هستم و دیگری می‌گوید: من فلانی فرزند فلانی هستم، می‌گویم: نسب شما را که می‌شناسم، اما شما پس از من بدعت‌گزاری کردید و به قهقرا باز گشتید».

می‌بینیم که رسول الله ﷺ امت خویش را با آثار وضوء غره و تحجیل می‌شناسند و آنان نیز رسول الله ﷺ را می‌شناسند، و امت‌های دیگر این علامت را ندارند، به این خاطر رسول الله ﷺ فرمودند: «أَعْرِفْهُمْ وَيَعْرِفُونِي». «من آنان را می‌شناسم و آنان مرا». و جمله‌ی: «هَلْ شَعَرْتَ مَا عَمِلُوا بَعْدَكَ». «می‌دانی که پس از تو چه کرده‌اند». گویای این است که رسول الله ﷺ اشخاص آنها را نمی‌شناسند، گرچه با علامتی که دارند می‌دانند که از امت وی هستند،

و آن‌گونه که قبلاً بیان شد، شاید منظور معرفت عینی و شخصی با شناخت نسب باشد، این احتمال، نظریه‌انهایی را که رانده شونندگان از حوض را، مرتدان می‌دانند، تقویت می‌کند، همان مرتدانی که ابوبکر صدیق رضی الله عنه پس از رحلت رسول الله ﷺ با آنان جهاد کرد، زیرا رسول الله ﷺ را به گونه‌ای خطاب می‌کنند که، آنان را پیش از رحلت خویش می‌شناخته است.

خلاصه: این‌که، در این کلمه هیچ دستاویزی علیه صحابه رضی الله عنهم نیست و این احادیث تمام امت رسول الله ﷺ را در بر می‌گیرند. والله الموفق.

ثالثاً: کلمه‌ی: (مَنِي، مِنْكُمْ، أَحَدِكُمْ):

در جمله‌ی: «وَلَيُرْفَعَنَّ رِجَالٌ مِّنْكُمْ». و «فَأَقُولُ: يَا رَبِّ مَنِّي وَمِنْ أُمَّتِي». که رسول الله ﷺ فرمودند.

این الفاظ صراحتاً دلالت بر این دارند که منظور از آن افراد، عموم امت هستند نه فقط معاصران و اصحاب رسول الله ﷺ، زیرا فرمودند: «مَنِّي وَمِنْ أُمَّتِي». «از من و امت من هستند». منظور تمام امت به همراه منافقان هستند، آن‌گونه که در حدیث آمده است:

«يُحْشِرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ مَنْ كَانَ يَعْبُدُ شَيْئًا فَلْيَتَّبِعْ . فَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الشَّمْسَ ، وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الْقَمَرَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُ الطَّوَاغِيتَ ، وَتَبَقَى هَذِهِ الْأُمَّةُ فِيهَا مُنَافِقُوهَا»^۱.

«مردم در روز قیامت محشور می گردند، می گویند: هرکس چیزی را می پرستیده است، دنبال آن برود، بعضی در پی خورشید و برخی در پی ماه و برخی در پی طاغوت‌ها می روند و این امت با منافقانی که دارد، می ماند.»

نووی رحمته می گوید: «برخی از علما می گویند که: آنهایی که از حوض رانده می شوند، همانند منافقان هستند که به آن گفته می شود: سحقا سحقا»^۲.

احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله یکدیگر را تصدیق می کنند، پس این الفاظ بر آن چه قبلاً گذشت: «اعرفهم...» و «أصحابي...» حمل می شود، بنابراین، منظور از آن، یا معرفت اوصاف و همان درخشندگی پا و پیشانی است که آنان را جرو امت قرار داده است و یا معرفت نام و شخص آنان است که در دنیا رسول الله صلی الله علیه و آله آنان را به آن نام می شناخته اند. اما جمله: «فَأَيَّهَا لَأَيُّ تَيْنٍ أَحَدَكُمْ فَيَدْبُ عَنِّي» «مبادا کسی از شما بیاید و از من رانده شود...» در سیاق تحذیر آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله اصحاب خویش را از بازگشت بیم داده اند و آنان را به استقامت و پایداری بر دین تشویق فرموده اند و این نشان کمال محبت و شفقت با آنان است، این خطاب گرچه به صحابه رضی الله عنهم است اما برای تمام امت عام است، زیرا عبرت به عموم لفظ است نه به سبب مخصوص.

این اسلوب در کلام شارع حکیم رواج دارد، خداوند متعال به پیامبرش می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ [الأحزاب: ۱].

«ای پیامبر! از خدا بترس و از کافران و منافقان پیروی مکن.»

ابن کثیر رحمته می گوید: «این تنبیه بالا علی، علی الادنی است، خداوند متعال که پیامبرش را چنین دستور می دهد، دیگران به طریق اولی باید آن دستور را به جا آورند»^۱.

۱- بخاری، الصلوة: (۸۰۶)، مسلم، الایمان: (۱۸۲)

۲- مسلم، شرح نووی ۱۹/۳.

شیخ الاسلام رحمته الله می‌گوید: «نهی از یک چیز، دلیل وقوع آن نیست، بلکه گویای آن است که آن کار برای آن شخص ممنوع است، تا آن کار در آینده رخ ندهد- و پس از ذکر آیهی سابق می‌گوید:- این، دلالت بر این مطلب ندارد که رسول الله صلی الله علیه و آله از آنان پیروی می‌کرده‌اند»^۲.

خطاب رسول الله صلی الله علیه و آله در احادیث حوض، بر این محمل باید حمل گردد و هم چنین حدیث: «إِيَّاكُمْ وَالْجُلُوسَ عَلَى الطَّرْفَاتِ»^۳. «از نشستن سر راه‌ها بپرهیزید...». و بسیاری دیگر از احادیث که بر شفقت رسول الله صلی الله علیه و آله بر امت، دلالت دارد، که امت خویش را همان گونه که از دجال و فتنه‌ها بر حذر داشته از این قبیل امور نیز هشدار داده‌اند، این همه، رسول الله صلی الله علیه و آله را مصداق آیهی: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸]. قرار می‌دهد.

«بی‌گمان پیغمبر یاز خود شما به سویتان آمده است. هرگونه درد و رنج و بلا و مصیبتی که به شما برسد بر او سخت و گران می‌آید. به شما عشق می‌ورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است».

آیا تحذیر و هشدار از کاری، مستلزم ارتکاب آن کار ممنوع است؟! آیا نهی از کاری به معنای ارتکاب آن است؟! بلکه این نشانه‌ی تبلیغ کامل رسالت و متتهای شفقت و رحمت بر امت است.

رابعاً جمله‌ی: «فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعَمِ».

همل النعم، به شتران گم شده و بی‌چوپان می‌گویند، و آن گونه که ابن حجر رحمته الله می‌گوید، منظور افرادی هستند از جمله کسانی که به حوض نزدیک می‌شوند، و چیزی نمانده که برسند، اما از آن باز داشته می‌شوند.... یعنی از آن میان فقط تعداد اندکی بر

۱- تفسیر القرآن العظیم ۶/۱۴۶.

۲- منهاج السنة النبویة ۸/۴۵۷.

۳- بخری، المظالم والغضب: (۲۴۶۵)، مسلم، الباس والزينة: (۲۱۲۱).

حوض وارد می‌شوند، زیرا شترهای بی‌چوپان و گم شده، نسبت به بقیه شتران کم‌تر هستند»^۱.

همان گونه که حدیث از نظرتان گذشت، در حدیث از دو زمره یاد شده است که تعدادی مثل «همل النعم» از آن نجات پیدا می‌کنند، یعنی: از افرادی که از حوض رانده می‌شوند، فقط افرادی اندک مانند شتران بی‌چوپان، نجات پیدا می‌کنند، اکنون که دانستیم، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند به نسبت آنهایی که سر حوض می‌رسند کم‌تر هستند و آنها که می‌رسند بیشترند، قطعاً این حدیث دستاویزی برای طعنه زندگان نخواهد بود، خصوصاً که مشاهده کردید، احادیث حوض الفاضی از قبیل: (زمره)، (رهط)، (اصیحابی) و (البعیر الضال) وارده شده است که همه آنها بر قلت دلالت می‌کنند، همان گونه که لفظ (الذود) هم گویای قلت است، و در این حدیث لفظ (زمره) آمده است.

زمره، یعنی: گروه اندک و «شاة زمره» به معنای گوسفند کم مو است.

الرهط: بر گروهی سه یا هفت تا ده نفره و یا، زیر ده اطلاق می‌شود که میان آنان زنی نباشد.

والذود: بر سه تا ده و یا از دو تا نه، دلالت می‌کند.

رسول الله ﷺ مردم را با سخنانی که برایشان مفهوم بود، خطاب نمودند و از کلام خویش معنای حقیقی آن را مد نظر داشتند، مبدا کسی بگوید: حقیقت این الفاظ، منظور رسول الله ﷺ نبوده است، این طعنی است در تبلیغ شریعت پروردگار، توسط رسول الله ﷺ و دروازه‌ای است برای زندقه و بی‌دینی، و رد نمودن حق است بدون هیچ دلیل و برهانی.

ابن قتیبه در رد صاحبان این نظریه و تأیید آن چه ما گفتیم، می‌گوید: «اگر آنان در حدیث تدبر می‌کردند و الفاظ آن را می‌فهمیدند، از آن چنین استدلال می‌کردند که منظور

۱- فتح الباری ۵۷۸/۱۱.

رسول الله ﷺ از آن، فقط تعداد اندکی بوده است.

جمله‌ی «لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ الْحَوْضَ أَقْوَامٌ». نیز بر همین مطلب دلالت دارد، زیرا اگر منظورشان همه بودند، جز افراد اندکی، آن گاه می‌فرمودند: «لتردن علی الحوض ثم لتختلجن دوني»، مگر نمی‌بینی اگر کسی بگوید: «أتاني اليوم أقوام من بني تميم وأقوام من أهل الكوفة». منظورش این است که از مجموع آنان، تعداد اندکی آمدند و اگر بخواهد بگوید، همه آمده‌اند جز تعداد اندکی، می‌گوید: «أتاني بنو تميم وأتاني أهل الكوفة». و روا نیست لفظ (قوم) را به کار گیرد، زیرا قوم همان‌هایی هستند که نیامده‌اند، هم چنین جمله‌ی: «یا رب اصحابي» با تصغیر، بر آن دلالت می‌کند و مراد از آن تقلیل عدد است، آن گونه که می‌گویی: «مررت بأبیات متفرقة» و «مررت بجمیعة». «از خانه‌اک‌ها... و گروهکی گذشتم».

می‌دانیم که منافقان برای به دست آوردن غنیمت و بردگان برای پرداخت وام و حتی افراد دو دل و مشکوک هم، در جنگ‌ها رسول الله ﷺ را همراهی می‌کردند. تعدادی پس از رسول الله ﷺ مرتد شدند... اما عموم صحابه -جز شش نفری که آنان نام می‌برند- چگونه از حوض بازداشته می‌شوند^۱.

کوتاه سخن این که: همان گونه که در احادیث آمده است آنهایی که از حوض بازداشته می‌شوند اندکند و تعدادی نیز مثل (همل النعم) نجات می‌یابند، پس باز هم کمتر می‌شوند.

۱- تأویل مختلف الحدیث ص: ۲۱۷ - ۲۱۸ با اندکی تصرف.

نکته:

در این حدیث لفظ (منهم) وارد شده است، نه (منکم)، برخی خواسته‌اند که این نکته را بر مردم وارونه و ملبس کنند^۱ و این لفظ دلیل بر این است که منظور از حدیث دیگرانند نه صحابه رضی الله عنهم.

این حدیث با آن که بدعت‌گرایان از آن بسیار استدلال می‌کنند، هیچ اشاره‌ای، نزدیک و یا دور به صحابه رضی الله عنهم ندارد، تنها چیزی که دارد جمله‌ی: «حتی إذا عرفتهم» است که ما از آن معرفت، سخن گفتیم و هم چنین جمله‌ی: «ارتدوا بعدك» که ناظر بر اعرابی است که پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرتد شدند، و نیز گفته شده است که منظور همه مرتدان هستند تا به قیامت.

توجه:

طعن زندگان، برای ارتداد صحابه رضی الله عنهم از این آیه استدلال می‌کنند که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ [آل عمران: ۱۴۴].

«محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبرانی بوده و رفته‌اند، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به عقب بر می‌گردید و هر کس به عقب باز گردد کوچکترین زیانی به خدا نمی‌رساند و خدا سپاسگزاران را پاداش می‌دهد».

می‌گویند: خداوند ردت صحابه را پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اثبات کرده است! پاسخ این است که این آیه دلیل آشکاری است مبنی بر این که منظور از مرتدانی که در حدیث آمده است، همان اعرابی هستند که پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرتد شدند و

۱- نکا: الصحابة بين الصحبة اللغوية و الصحبة الشرعية، از حسن فرحان ص: ۶۳ و الانتصار للصحب الأخيار، از

شیخ عبدالمحسن العباد، ص: ۱۲۸ - ۱۳۰.

شاکرین، ابوبکر و همراهانش که بر دین ثابت ماندند، با آنها جنگیدند و نتیجه‌ی این شکر تمکین فی الارض بود که خداوند به آنان عنایت فرمود.

این قیم رضی الله عنه می‌گوید: «شاکرین: آنهایی هستند که قدر نعمت را شناختند و تا دم مرگ و یا شهادت بر آن استوار ماندند، اثر این عتاب و حکم این خطاب روزی آشکار شد که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درگذشت و مرتدان از دین برگشتند و شاکران بر دین استوار ماندند و خداوند آنان را غالب نمود و یاری داد و بر دشمنان پیروز گردانید و عاقبت نیکو را به آنان بخشید»^۱.

باید پرسید: اگر صحابه رضی الله عنهم آن گونه که شما می‌گویید، مرتد شده بودند، چگونه خداوند به آنان تمکین بخشید، مگر نه این است که خداوند فرمود: ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ شما می‌گویید شاکران علی رضی الله عنه و پیروانش هستند، همه می‌دانیم که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خداوند به آنان تمکین نداد! پس پاداش شاکران چه شد؟!.

ابوبکر صدیق رضی الله عنه روز وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به همین آیه بر تمام صحابه استدلال کرد^۲ عجب! آیا مرتد در جمع صحابه به آیه‌ی ارتداد خود، استدلال می‌کند و کسی سخنی نمی‌گوید؟ پس شاکران کجایند؟!.

علامه سعدی رضی الله عنه می‌گوید: «این آیه دلیل آشکاری است بر فضیلت صدیق اکبر و یارانش که پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با مرتدان جهاد کردند و آنان سرور شاکران هستند»^۳.

برخی از علما گفته‌اند که، سبب نزول این آیه، آن است که در غزوه‌ی احد که مسلمانان شکست خوردند و قتل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم میان مردم شایعه شد و بسیاری آن را باور کردند، آن‌گاه خداوند این آیه را برای سرزنش آنان بر آن عملکرد نازل فرمود.

۱- بدائع التفسیر ۵۱۵/۱.

۲- بخاری، فضائل اصحاب النبی صلی الله علیه و آله و سلم: (۳۶۶۸).

۳- تفسیر السعدی: ۲۴۸/۱.

مفسران می‌گویند که منظور از آیه: ﴿أَنْقَلَبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ﴾ [آل عمران: ۱۴۴]. ارتداد از اسلام نیست، زمخشری رحمته می‌گوید: منظور از «انقلاب علی الاعقاب» اعراض و روی‌گردانی از جهاد و کارهای دیگر است که رسول الله صلی الله علیه و آله انجام دادند و برخی به معنی ارتداد گفته‌اند، در روز غزوه‌ی احد هیچ کس از مسلمانان مرتد نشد...^۱

شوکانی رحمته می‌گوید: «از علی رضی الله عنه روایت شده است که درباره‌ی ﴿وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۴]. فرمود: یعنی: آنهایی که بر دین استوار ماندند، ابوبکر و اصحابش، علی رضی الله عنه می‌فرمود: ابوبکر امیر شاکران بود»^۲.

پس از این بررسی، برای شما نمایان می‌گردد که این آیه دلیل آشکاری است بر ایمان صحابه و عدم ارتداد آنان، و استدلال مخالفان از آن دلیل لجاجت در فهم آیات و پیروی از متشابهات است.

۱- الکشاف ۶۳۱/۱.

۲- فتح‌القدیر ۵۸۴/۱.

بخش سوم:

تمهید

رسول ﷺ در احادیث بسیاری تصریح کرده‌اند که اصحاب ایشان، نخستین افرادی هستند که بر حوض می‌آیند و از آن می‌نوشند و ایشان در انتظار آنهایند و از آمدنشان شادمان می‌گردند، این مطلبی است که قرآن و سنت صراحتاً بر آن دلالت دارد و ماسوای آن طعنی است در قرآن و سنت از طریق متهم ساختن حاملان آن.

گمراهان که آیات قطعی و محکم قرآن را رها کرده‌اند و در پی آیات متشابه هستند، می‌خواهند در کلام شارح تناقض ایجاد کنند، خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾﴾ [آل عمران: ٧].

«او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد، بخشی از آن آیات «محکمی» است که اساس این کتاب می‌باشند و بخشی دیگر از آن «متشابه» است، اما آنهایی که قلب‌هایشان انحراف دارد، به دنبال متشابهات اند، تا فتنه انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند، در حالی که تفسیر آن را جز خدا کسی نمی‌داند، و راسخان در علم، می‌گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ماست، و جز صاحبان عقل (کسانی دیگر) متذکر نمی‌شوند.»

علامه سعدی می‌گوید: بد اندیشانی که دل‌هایشان مملو از بیماری، گمراهی و انحراف است، در پی متشابهات هستند و از آن بر گفتار باطل و ایده‌های بی‌اساس خود استدلال می‌کنند و در پی فتنه انگیزی و تحریف قرآنند و آن را طبق ایده‌ها و مذاهب خود تأویل

می‌کنند تا خود گمراه شوند و دیگران را نیز به گمراهی بکشانند^۱ اما آنان که در علم و ایمان پایه استواری دارند، می‌دانند که نظریه رده صحابه تا چه مقدار سخیف و بی‌بنیاد است و قائلین به آن در انهدام شالوده‌ی دین عوامل شیطانند!

یک سؤال مهم:

راستی، اگر همه‌ی اصحاب رسول الله ﷺ جز سه و یا پنج نفر، مرتد شده باشند، از اسلام دیگر چه می‌ماند؟

اندیشیدن به لازمی این سخن، انسان را - والعیاذ بالله - به دین جدیدی در می‌آورد، عاقلی که از بند هوای نفس رها باشد، چگونه می‌تواند بپذیرد که مردمان دیگر بر حوض رسول الله ﷺ وارد شوند، اما آنهایی که ایشان را نصرت نمودند و پناه دادند و همراه ایشان هجرت کردند، از حوض باز داشته شوند؟! آیا مگر بعدی‌ها توسط آنان ایمان نیاوردند و مگر آنان حاملان قرآن و سنت نیستند؟ صدها آیه و حدیثی که صحابه را می‌ستاید، چه می‌شود؟ این همه فتوحات در شرق و غرب به دست چه کسانی انجام شد؟ مردم به دست چه کسانی گروه گروه به دین اسلام گرویدند؟ چه کسانی سلطنت کسری را برچیدند و به عمر قیصر، پایان دادند، آیا کسانی غیر از صحابه بودند؟ این‌ها به کسی که بخواهد تازه مسلمان شود، چه می‌گویند؟ آیا می‌گویند پیامبری که می‌خواهید به دین وی درآیید، صحابه‌اش پس از ایشان مرتد شده‌اند و کتاب الهی را تحریف کرده‌اند، و جهادشان با پیامبر منافقانه بوده است و جز پنج نفر یا کمتر از تربیت و تزکیه‌ی وی بهره‌ای نبردند؟! شما بگویید اینان چه دینی را می‌خواهند به جای آن برگزینند؟! ما از آن‌ها که چنین نظری دارند، می‌خواهیم که تقلید را رها کنند و با آزاد اندیشی و صادقانه و دور از تأویل افسانه‌ای روایات که با واقعیت‌ها تضاد دارد و تاریخ

آن را تکذیب می‌کند، و آن خواسته شیطان و اعوان اوست، حق و حقیقت را جستجو کنند.

﴿وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [المائدة: ۴۱].

«هر کسی را خدا بخواهد دچار فتنه کند، قادر به دفاع از او نیستی، آنها کسانی هستند که خداوند نخواسته دل‌هایشان را پاک کند، در دنیا رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ نصیبشان خواهد شد.»

بحث اول: اصحاب رسول الله ﷺ نخستین کسانی هستند که بر حوض می‌روند و از آن می‌نوشند

۱- ثوبان رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «من بر کناره حوض خودم مردم را با عصای خود کنار می‌زنم تا برای اهل یمن جا باز کنند، پرسیدند: عرض حوض چه مقدار است، فرمودند: از اینجا تا عمان، پرسیدند آب آن چگونه است، فرمودند: سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل، دو میزاب از بهشت در آن می‌ریزند یکی از طلا و دیگری از نقره است!»^۱

نووی رحمته الله علیه می‌گوید: یعنی: مردم دیگر را از آن دور می‌کنم تا برای اهل یمن جا باز شود و این کرامتی است برای اهل یمن که به پاس خدمتشان به اسلام و ایمان آوردن پیش از دیگران، که انصار از آنهایند، پیش از دیگران آب خواهند نوشید، رسول الله ﷺ دیگران را دور می‌کند تا اهل یمن آب بنوشند، همان گونه که آنان در دنیا دشمنان و بدی‌ها را از رسول الله ﷺ دور کردند.^۲

قرطبی رحمته الله علیه می‌گوید: «منظور پیشتازان اهل یمن هستند که رسول الله ﷺ را یاری دادند

۱- مسلم- کتاب الفضائل - (۲۳۰۱).

۲- مسلم، شرح نووی ۶۲/۱۵.

و خداوند توسط آنان دین را برتری و غلبه عنایت نمود، قبلاً گفتیم که مدینه از یمن است و اهل مدینه از هر کس دیگر به این کرامت حق دارتر هستند، زیرا که آنان پیش از همه کس به یاری رسول الله ﷺ و جان نثاری در راه ایشان قیام کردند و به این خاطر رسول الله ﷺ به آنان فرمودند: «اصْبِرُوا حَتَّى تَلْقَوْنِي عَلَى الْحَوْضِ»^۱. «صبر کنید تا سر حوض با من ملاقات کنید».

ببینید که میان رسول الله ﷺ و صحابه تا چه مقدار محبت و وفا حاکم است که رسول الله ﷺ مردم را از حوض دور می‌کند تا اهل یمن که همان انصارند، از آن بنوشند، چه دلیلی واضح‌تر از این؟ مخالفان چگونه آن را پاسخ می‌دهند؟!.

۲- ثوبان رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «حَوْضِي مِنْ عَدَنَ إِلَى عَمَّانَ الْبَلْقَاءِ مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَأَكْوَيْبُهُ عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَتْهُ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا أَوَّلُ النَّاسِ وَرُودًا عَلَيْهِ فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ الشُّعْثُ رُءُوسًا الدُّنْسُ ثِيَابًا الَّذِينَ لَا يَنْكِحُونَ الْمُتَنَعَّمَاتِ وَلَا تُفْتَحُ لَهُمُ السُّدَدُ»^۲.

«حوض من (به اندازه‌ی) از عدن تا عمان... است، آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است، جام‌هایش به تعداد ستاره‌های آسمانند، هر کس از آن، جرعه‌ای بنوشد، پس از آن هرگز تشنه نمی‌شود، اولین کسانی که بر آن وارد می‌شوند، مهاجران فقیر هستند، آنهایی که سر و موی‌شان زولیده و لباس‌شان لکه دار است، آنهایی که زنان ناز پرورده را نکاح نمی‌کنند، و درها به رویشان باز نمی‌گردد».

آری! رسول الله ﷺ فرمودند: مهاجران فقیر نخستین کسانی هستند که بر حوض وارد می‌شوند، مبارک‌فوری رضی الله عنه می‌گوید: «منظور از مهاجران کسانی هستند که از مکه به مدینه هجرت کردند و رسول الله ﷺ سرور آنان است»^۳.

۱- المفهم ۹۶/۶.

۲- ترمذی (۲۴۴۴)، ابن ماجه (۱۴۳۰۳)، صححه الألبانی.

۳- تحفة الاحوذی ۱۱۵/۷.

و این مصداق آیه‌ای است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸].

«(این اموال) برای فقیران مهاجری است که از خانه و اموال خود بیرون رانده شدند در حالی که فضل الهی و رضای او را می‌طلبند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند و آنها را راستگویان.»
 آیا با این دو حدیث که رسول الله ﷺ تصریح فرمودند که مهاجرین و انصار بر حوض وارد خواهند شد، باز هم جایی برای شک و تردید باقی می‌ماند؟!!

آیا مخالفان با شنیدن فرموده‌ی رسول الله ﷺ مانند مؤمنان تسلیم می‌شوند و سخن خدا و رسول را می‌پذیرند، یا باز هم به لجاجت و عناد خود ادامه می‌دهند و به بخشی از قرآن ایمان می‌آورند و بخشی دیگر را رها می‌کنند؟!!

۳- انس رضی الله عنه می‌گوید: از رسول الله ﷺ خواستم که در قیامت برایم شفاعت کند، فرمودند: چنین خواهم کرد، گفتم: یا رسول الله! شما را کجا پیدا کنم؟ فرمودند: ابتدا بر صراط سراغم را بگیر گفتم: اگر آنجا نبودید؟ فرمودند: کنار میزان، گفتم: اگر آنجا هم شما را نیافتم؟ فرمودند: آنگاه کنار حوض سراغم را بگیر، من قطعاً در یکی از این سه جا خواهم بود!.

انس رضی الله عنه از رسول الله ﷺ درخواست شفاعت نمود، و ایشان موافقت فرمودند و در یکی از سه جا که حوض یکی از آنهاست، با انس رضی الله عنه وعده و قرار دیدار گذاشتند، پس این حدیث گویای این مطلب است که انس رضی الله عنه بر حوض رسول الله ﷺ وارد می‌شود و از آن خواهد نوشید، این حدیث گرچه ویژه انس رضی الله عنه است که وی مشمول حدیث ثوبان رضی الله عنه نیز که درباره انصار است، می‌باشد، البته این حدیث نکات دیگری نیز دارد، من جمله این که: انس رضی الله عنه از اصحابی است که از جانب شیعه مورد طعن و بغض قرار گرفته است و

این حدیث، آنان را رد می‌کند، دیگر این‌که: رسول الله ﷺ به وی وعده دادند و ایشان هرگز خلف وعده نمی‌کنند. و دیگر این‌که: از این حدیث ایمان انس رضی الله عنه ثابت می‌گردد، زیرا که منافقان و کافران از شفاعت رسول الله ﷺ بهره‌ای نخواهند داشت بنابراین، حدیث گویای ایمان انس رضی الله عنه می‌باشد و این شفاعت خاص و علاوه از شفاعت کلی برای عموم امت است، والله اعلم.

۴- زید بن ارقم رضی الله عنه می‌گوید: «در سفری به همراهی رسول الله ﷺ در جایی برای استراحت منزل گرفتیم، ایشان فرمودند: شما بخشی از صد هزار بخش هستید که نزد من، بر حوض وارد می‌شوند، راوی می‌گوید: از وی پرسیدم که در آن روز شما چند نفر بودید؟ گفت: هفتصد یا هشتصد نفر»^۱.

حدیث زید رضی الله عنه صراحتاً دلالت دارد که اصحاب رضی الله عنهم بر حوض رسول الله ﷺ وارد خواهند شد و آنان بخشی از افراد کثیری هستند که بر حوض وارد می‌شوند و در این حدیث رسول الله ﷺ به هفتصد یا هشتصد نفر این مژده را دادند و دیگران که در آن سفر همراه ایشان نبودند عمومیت احادیث سابق آنان را شامل می‌شود، والله اعلم.

۵- خوله بنت حکیم رضی الله عنها^۲ می‌گوید: «گفتم: یا رسول الله! شما حوضی دارید؟ فرمودند: آری، و محبوب‌ترین کسانی که نزد من وارد می‌شوند، قوم تو هستند». و در روایتی آمده که: محبوب‌ترین مردم نزد من که از آن سیراب می‌شوند قوم تو هستند^۳.

این حدیث نیز دلالت بر این دارد که انصار بر حوض آن حضرت رضی الله عنه وارد خواهند

۱- ابوداود (۴۷۴۷) صححه الألبانی

۲- خوله بنت قیس بن قهد و خوله بنت ثامر نیز گفته شده است، ابن مدینی و ابوعمر آن را نقل کرده‌اند، گفته شده که آنان دو نفر هستند و وی همسر حمزه بن عبدالمطلب، است که انصاری و از قبیله‌ی خزرج و تیره‌ی بنی نجار بوده است. نگاه: الاستیعاب ص: ۸۹۳، الاصابة ۸/۱۱۳، ۱۱۹.

۳- السنة، ابن ابی عاصم (۷۰۴-۷۰۵) ألبانی گفته: إسناده صحيح.

شد و آنان و به ویژه بنی نجار، دایی‌های رسول الله ﷺ محبوب‌ترین مردمی هستند که بر حوض وارد می‌شوند و این پاداش خوبی‌هایی است که به رسول الله ﷺ کرده‌اند.

۶- اسید بن حضیر رضی الله عنه می‌گوید: «مردی انصاری در خلوت به رسول الله ﷺ گفت: یا رسول الله! مرا به کاری نمی‌گماری، آن‌گونه که فلانی را گماشته‌ای؟ فرمودند: شما پس از من شاهد نوعی ترجیح خواهید بود، آنگاه صبر کنید تا آن که سرحوض با من دیدار کنید»^۱ و در روایتی دیگر از بخاری آمده که: «وعده‌ی من و شما سر حوض من است».

می‌بینیم که رسول الله ﷺ آن مرد انصاری و قبیله‌اش را در مقابل نوعی ترجیح در امور دنیوی به صبر و خویش‌تن‌داری توصیه می‌فرماید تا آن‌که سر حوض با ایشان ملاقات کنند، این بزرگترین دلیلی است مبنی بر اینکه رسول الله ﷺ آنان را با نوشتن از آب حوض تکریم خواهند فرمود و گرنه چگونه ممکن است رسول الله ﷺ به آنان که بنابر توصیه ایشان صبر پیشه کرده‌اند، وعده‌ی حوض بدهند و آنگاه آنان از حوض رانده شوند.

۷- زید بن ارقم رضی الله عنه هنگامی که عبیدالله بن زیاد منکر حوض شد، گفت: «رسول الله ﷺ به ما چنین فرمودند و ما را به آن وعده دادند...»^۲.

آری! می‌گوید رسول الله ﷺ ما را به حوض وعده دادند، و قطعاً رسول الله ﷺ به وعده خویش وفا خواهند نمود.

۸- عبدالله بن عمرو رضی الله عنه می‌گوید: «رسول الله ﷺ فرمودند: می‌عادگاه شما حوض من است...»^۳.

این حدیث همانند حدیث قبل است با بیان این‌که آن وعده مخصوص انصار نیست، بلکه برای تمام صحابه عام است.

۱ - بخاری، مناقب الأنصار - (۳۷۹۲، ۳۹۹۳)، مسلم، الإمارة، (۱۸۴۵)، این الفاظ از اوست.

۲- صحیح، قبلاً ذکر شد.

۹- ثوبان رضی الله عنه می گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شما بر حوض من وارد خواهید شد و من مردم را با عصایم از حوض دور می کنم...»^۱.

۱۰- عمرو بن زید بکالی می گوید: از عتبه بن عبد سلمی شنیدم که می گفت: «یک اعرابی برخاست و از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: حوضی که از آن سخن می گوئید، چیست؟ فرمودند: به اندازه‌ی فاصله صنعا تا بصری است، سپس خداوند به من کرانه‌هایی را می‌بخشد که هیچ بشری از مخلوقات الهی نمی‌داند که کدام طرف حوض است، می‌گوید: عمر تکبیر گفت، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مهاجران فقیر که در راه خدا کشته می‌شوند و می‌میرند، سر حوض ازدحام خواهند کرد امیدوارم که خداوند مرا بر حوض وارد کند از آن بنوشم»^۲.

این فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که: «فقرای مهاجرین بر حوض ازدحام می‌کنند» دلیلی است بر این که، مهاجران فقیر که در راه خدا کشته می‌شوند و فی سبیل الله می‌میرند، بر حوض رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تجمع خواهند کرد و از این حدیث بر می‌آید که آنان از حوض خواهند نوشید، زیرا در حدیث، به ایمان، هجرت، پایداری، جهاد و شهادت آنان فی سبیل الله اشاره شده است که این یکی از بزرگ‌ترین علایم صداقت و راستی با خداست.

۱۱- ابو صالح می گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر را امیر کاروان حجاج قرار داد، هنگامی که حرکت کرد در پی او علی را با آیاتی از ابتدای سوره براءت گسیل فرمودند، ابوبکر بازگشت و گفت: یا رسول الله! مگر مرا چه شده است؟ ایشان فرمودند: خیر است، تو در غار همراه من بودی و سر حوض هم همراه من خواهی بود، ابوبکر گفت: خشنود

۳- آجری: (۸۳۷)، سالم بن الجهد در سند آن، ثقه است البته از ثوبان سماع نکرده است، واحادیث سابق شاهد آند، نگا: التهذیب ۶۷۴/۱

۲- ابن ابی عاصم، السنه، ص: ۳۱۶، ابن حبان: (۶۴۵۰) احمد با اختصار ذکر کرده است ۱۹۱/۲۹، صححه الألبانی.

گشتم^۱».

ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله به ابوبکر فرمودند: «أَنْتَ صَاحِبِي عَلَى الْحَوْضِ وَصَاحِبِي فِي الْغَارِ». «تو سر حوض همراه من خواهی بود و در غار همراهم بودی»^۲.

ترمذی درباره‌ی این حدیث گفته است: هذا حدیث حسن، صحیح، غریب.

۱۲- ابوهیره رضی الله عنه می گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله به گورستان تشریف بردند و فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ وَدِدْتُ أَنَا قَدْ رَأَيْنَا إِخْوَانَنَا». «سلام بر شما ای مؤمنان این دیار، ما هم ان شاء الله به شما خواهیم پیوست، دوست دارم که کاش برادران خود را می دیدیم». مردم گفتند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمودند: شما اصحاب من هستید، برادران ما آنهایی اند که هنوز نیامده اند، گفتند: آن دسته از امتی هایتان را که هنوز نیامده اند، چگونه می شناسید؟ فرمودند: ببینید! اگر مردی اسبی پیشانی سفید که دست و پایش نیز سفید است، داشته باشد، آیا در میان اسب‌هایی سیاه و تیره، اسب خود را باز نمی شناسد؟ گفتند: آری یا رسول الله! فرمودند: آنان بر اثر وضو با دست‌ها و پاهایی سفید، نزد من خواهند آمد و من پیش از آنان بر حوض خواهم بود، آگاه باشید! مردانی از حوض من رانده می شوند، همان گونه که شتر گم شده رانده می شود، آنان را صدا می کنم که بیایید، گفته می شود! آنان پس از تو تغییر کرده اند، آن گاه می گویم: دور شوید! دور شوید!»^۳.

شیخ الاسلام می گوید: «این حدیث گویای آن است که هر کس وضو بگیرد و صورت، دست‌ها و پاهایش را بشوید او از «غَرِّ مَحْجَلِينَ»^۴. خواهد بود و جمهور آنان

۱- احمد، فضائل الصحابة، (۱۷۷) رسلاً از ابی صالح، طبری مانند آن را موصولاً از ابی صالح از علی مرفوعاً ذکر کرده است، حافظ ابن حجر آن را در فتح ۴۰۴/۸ آورده است.

۲- ترمذی (۳۶۷۰)

۳- مسلم، الطهارة (۲۴۹)

۴- آن که پیشانی و پاهایش از سفیدی می درخشد.

ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را مقدم می‌دارند، رافضی‌ها پاهای خود را نمی‌شویند بنابراین از «مَحْجَلین»^۱ نخواهند بود.

این حدیث به همراه احادیث سابق دلالت بر این دارند که: صحابه بر اثر وضو «غَرْمَحْجَلین» و شایسته‌ترین افرادی هستند که این منقبت شامل آنان می‌گردد و بدین خاطر رسول الله ﷺ فرمودند: «أَنَا فَرَطُهُمْ عَلَى الْحَوْضِ». یعنی: من پیش از آنان بر حوض می‌روم تا آنرا برایشان آماده کنم همان‌گونه که میزبان هنگامی که میهمان به همراه دارد، این گونه عمل می‌کند، رسول الله ﷺ درباره‌ی آنهایی که از حوض رانده می‌شوند، فرمودند، (مردانی) و نفرمودند: اصحاب من، و یا تعدادی از شما، تا دست آویزی برای بد خواهان، که به دنبال تأویل یا بزرگنمایی هستند، نباشد، در حدیث قبل که مسلم آن را روایت نموده است، آمده بود که: «و إني لأصد الناس عنه كما يصد الرجل ابل الناس عن حوضه»، (من مردم را از آن باز می‌دارم آن‌گونه که شخصی شتران مردم را از حوض خود باز می‌دارد) گفتند یا رسول الله! آیا آن روز ما را می‌شناسید؟ فرمودند: آری شما سیمایی دارید که ملت‌های دیگر ندارند، شما بر اثر وضو (غَرْمَحْجَلین) با دست و پا و پیشانی‌ای سفید نزد من می‌آید»^۲.

رسول الله ﷺ در آن‌جا از کلمه‌ی «الناس»، (مردم) استفاده فرمودند و اصحاب خویش را با علامت درخشندگی دست و پا و صورت، از آنان مستثنی کردند، و این ویژگی کسانی است که بر حوض وارد خواهند شد، و در روایت دیگری که از رانده شوندگان با تعبیر: «وليصدن عنی طائفة منکم فلا يصلون فأقول: یا رب هؤلاء من اصحابی...» یاد شده است، رسول الله ﷺ در اول حدیث فرمودند: «ترد علی امتی الحوض...» (امت من بر حوضم خواهند آمد) این دلالت می‌کند که رانده شوندگان از

۱- منهاج السنة النبویة ۳۸۸/۷.

۲- مسلم، الطهارة، (۲۴۷)

عامه‌ی امت هستند نه از اصحاب، زیرا رسول الله ﷺ هیچ‌گاه اصحاب خویش را که همان غرّ محجلین هستند و رانده شوندگان را در یک‌جا و در یک روایت به گونه‌ای که اشکالی به جا گذاشته و یا صورت آنرا تبیین نفرموده باشند، یاد نفرموده اند. والله اعلم.

توجه:

اگر کسی بگوید: رسول الله ﷺ در احادیث سابق صراحتاً نفرمودند که اصحاب ﷺ از حوض می‌نوشند، نهایتاً این که سر حوض می‌آیند، اما همان‌گونه که در احادیث وارد شده است، از آن‌جا رانده می‌شوند!!

پاسخ این‌که:

اولاً: رسول الله ﷺ به وضوح بیان فرموده‌اند که هر کس سر حوض برود، از آن خواهد نوشید و آنهایی که از آن باز داشته می‌شوند، قبل از رسیدن، از آنان ممانعت می‌شود، بنابراین اصحاب اولین گروهی هستند که سر حوض می‌روند و از آن آب می‌نوشند و پس از آنان، نوبت دیگران می‌رسد، و این نشانه منزلت آنان نزد رسول الله ﷺ می‌باشد، دلیل این گفتار در کنار دلایل سابق، این است که رسول الله ﷺ فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ مَنْ وَرَدَ شَرِبَ وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا وَلَيَرِدَنَّ عَلَيَّ أَقْوَامٌ أَعْرِفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ...»^۱. «من پیش از شما سر حوض می‌روم، هر کس سر حوض برود، از آن می‌نوشد و هر کس از آن بنوشد هرگز تشنه نمی‌شود، اقوامی نزد من خواهند آمد که آنان را می‌شناسم و آنان نیز مرا می‌شناسند، سپس از آنان جلوگیری به عمل می‌آید...». و نیز فرمودند: «أَنَا فَرَطُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ فَمَنْ وَرَدَ أَفْلَحَ»^۲. «من پیش از شما سر حوض می‌روم، هر کس آن‌جا بر من وارد شود، رستگار شده است».

۱- مسلم، الفضائل، (۲۲۹۰).

۲- ابن ابی عاصم، (۷۷۳) صححه الألبانی.

نووی رحمته می‌گوید: «این حدیث تصریحی است که آنهایی که سر حوض می‌روند، همه از آن می‌نوشند، و آنهایی که از آن رانده می‌شوند و از ورود آنان ممانعت می‌شود، به سبب ارتداد آنان است»^۱.

هم‌چنین عیاض رحمته می‌گوید: «یعنی ممنوع شدگان از نوشیدن حوض، همان‌هایی هستند که وارد نشده و از آن باز داشته شده و میان آنان و حوض پرده انداخته شده است، و هرکس وارد شود، از آن خواهد نوشید»^۲.

ثانیاً: ما در بحث چهارم الفاضلی را که طعنه زندگان از آن استدلال می‌کنند ذکر نمودیم و آن‌جا بیان کردیم که آن الفاظ به هیچ وجه بر مذهب باطل آنان دلالت ندارد.

ثالثاً: قاعدتاً هر منصفی که جویای حق است باید به تمام دلایل توجه کند و منصفانه و عادلانه به آن بیندیشد، نه مانند کسانی که ابتدا نظریه‌ای را انتخاب می‌کنند و پس از آن دنبال دلیل می‌گردند با چنین افراد نه موعظه‌ای کارگر است و نه هشدار.

رابعاً: در احادیث آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از همه در قیامت پیروان بیشتری خواهند داشت و ایشان امیدوارند که بیش از دیگر پیامبران افرادی بر حوض ایشان وارد شوند و این، مایه افتخار این امت بر امت‌های دیگر است، و خداوند متعال این خواسته رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را جامه عمل پوشانید، بنابراین آنهایی که بر حوض رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وارد می‌شوند بیش از افرادی هستند که بر حوض دیگر پیامبران وارد می‌شوند، زیرا ایشان بیش از دیگران پیرو دارند، مطلب این است که صحابه رضی الله عنهم بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سبب هدایت امت بوده‌اند و هر خیری که به مسلمان رسیده بر اثر جهاد و دعوت و نشر علم توسط آنان بوده است، بنابراین آنان به ترتیب اولویت نخستین افراد این امت خواهند بود که بر حوض رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وارد می‌شوند، این نظریه را نصوص شرعی و اندیشه صحیح

۱- مسلم، شرح نووی ۵۴/۱۵.

۲- إكمال المعلم ۲۵۸/۷.

تأیید می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿۱۷﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿۱۸﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿۱۹﴾ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿۲۰﴾ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿۲۱﴾﴾ [الواقعة: ۱۰-۱۴].

«و پیشگامان... آنها مقربانند، در باغ‌های پر نعمت بهشت، گروه زیادی از پیشینیان و اندکی از آخرین‌ها».

این است نظر مسلمانان، اما آنهایی که صحابه رضی الله عنهم به استثنای افراد معدودی به تعداد انگشتان دست را، مرتد می‌دانند! راستی! آیا از خود پرسیده‌اند که چگونه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با آنان بر کثرت امت خویش افتخار می‌کند؟! آنهایی که نسل اول مسلمانان و همچنین عموم مسلمانانی را که اعتقادات آنان را پیرامون صحابه و مسائل دیگر نمی‌پذیرند، کافر می‌دانند، اعتقاداتی که در قرآن هیچ اثری از آن نیست، بنابراین نزد آنان چگونه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، بیش از دیگران پیرو خواهند داشت؟.

ابو سعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«إِنَّ لِي حَوْضًا مَا بَيْنَ الْكَعْبَةِ وَبَيْتِ الْمَقْدِسِ أبيضٌ مِثْلَ اللَّبَنِ آئِنْتُهُ عَدَدُ الْجُجُومِ وَإِنِّي لَأَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

«من حوضی دارم از کعبه تا بیت المقدس، سفید مثل شیر، جام‌هایش به تعداد ستارگان است، من بیش از همه‌ی پیامبران در روز قیامت پیرو خواهم داشت».

سمره رضی الله عنها می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا وَإِنَّهُمْ يَنْبَاهُونَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ وَارِدَةٌ وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَارِدَةً»^۲.

«هر پیامبر حوضی دارد و آنان به اینکه وارد شوندگان بیشتری داشته باشند افتخار می‌کنند، و من امیدوارم که بیش از آنان وارد شونده‌ی (برحوض) داشته باشم».

و نیز فرمودند: «لَتَرْدَحَمَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى الْحَوْضِ إِذْ حَامَ إِبِلٌ وَرَدَّتْ لِحَمْسٍ»^۱. «این امت همانند شترانی که پس از پنج روز به آب برسند، بر حوض ازدحام خواهند کرد».

۱- ابن ماجه، (۴۳۰۱)، صححه الألبانی، نگا: الصحیحة: (۳۹۴۹)

۲- ترمذی، (۲۴۳۳)، صححه الألبانی، نگا: الصحیحة: (۱۵۸۹)

ملاحظه می‌فرمایید که همه‌ی این تعبیرات در احادیث حوض، وارد شده است و صحت آن‌چه را ما گفتیم تأیید می‌کند، که صحابه نخستین کسانی هستند که بر حوض می‌روند و پس از آنان، پیروانشان خواهند بود، که هم در قدیم و هم اکنون سواد اعظم امت رسول الله ﷺ بوده‌اند و هستند، اما آنهایی که صحابه و پیروانش را کافر و فاسق می‌دانند، عددی از امت رسول الله ﷺ شمار نمی‌آیند.

راستی! رسول الله ﷺ که از اصحاب ایشان جز تعدادی به اندازه انگشتان دست بیش‌تر باقی نمانده است، چگونه به کثرت پیرو و وارد شونده‌ی بر حوض، بر دیگر پیامبران افتخار می‌کنند؟!.

بحث دوم: نصوص کتاب و سنت صحابه را می‌ستاید و نظریه‌ی ارتداد آنان را نفی می‌کند

قرآن و حدیث سرشار از مدح و ثنای اصحاب رسول الله ﷺ است، این مطلب نیازی به بیان ندارد، کافی است که مخالفان صحابه، تقلید کورکورانه و هوا پرستی را رها کنند و صفحات قرآن کریم را ورق بزنند.

آنگاه سؤالی جدی و مهم مطرح می‌شود:

آیا شایسته است خدایی که نهان و آشکار را می‌داند، اشرار را پارسا و مورد اطمینان معرفی کند؟ و در کتاب خود و با زبان پیامبرش آنان را بستاید، تا مردم فریبشان را بخورند و به مشتی جنایتکار اقتدا کنند؟ آیا خدای قادر و توانا اجازه می‌دهد که آن اشرار، وزرای رسول الله ﷺ باشند که با آنان معاشرت و روابط خانوادگی برقرار کند و از آنان مشورت بخواهد و فرماندهی سپاهیان را به آنان واگذارد و آنان را مورد ستایش قرار دهد، و خداوند واقعیت را برای رسولش آشکار نسازد؟

۱- طبرانی، الکبیر، ابن بشکوال در الذیل علی جزء بقی ابن مخلد، فی الحوض والکوثر ص: ۱۲۳، حسنه الألبانی فی

آیا این ایرادی برخداوند نیست، آن گونه که بر رسول الله ﷺ ایراد وارد می شود که ایشان یاران شایسته ای برای خود برنگزیدند؟!.

آیا این معنایی غیر از این دارد که، رسول الله ﷺ در مدت ۲۳ سال نادانسته، جنایتکارانی تربیت نمودند! ^۱ خداوند می فرماید: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنُصْرِهِ وَيَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ [الأنفال: ۶۲].

«اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است، او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد.»

آیا خداوند، با مرتدین ایشان را حمایت می نماید؟! آیا پیروزی با یکی یا دو نفر صحابی به دست آمد یا با مجموعه آنان؟!.

اکنون برخی از نصوص قرآن و حدیث را که شاهد عدالت صحابه است، یادآوری می کنیم تا به آن بیندیشید:

الف: قرآن کریم:

۱- خداوند متعال می فرماید: ﴿وَالسَّيْقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آن ها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند، و باغ هایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته است که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است رستگاری بزرگ.»

۱- شیعه می گوید: امامان غیب می دانند و چیزی بر آنان پوشیده نمی ماند، و هر کاری که می کنند با عهد الهی است!! رسول الله ﷺ منزلتی برتر از امامان دارند، پس لازماً باید از حال اصحاب آگاه باشند، و این کار با عهدی از جانب خداوند صورت گرفته باشد!! نگا: الکافی ۱/۳۱۶، ۳۳۵.

در این آیه با روحی مؤمن و آزاد همراه با من، بیندیش، می‌بینی که خداوند متعال چگونه آن انسان‌های سعادت‌مند را که رضایت خود را برایشان تثبیت کرده است، می‌ستاید، آری آنان اصحاب رسول الله ﷺ و تا قیامت پیروان راستین ایشان، هستند.^۱

بین که خداوند می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ آیا ممکن است که خداوند از گروهی راضی شود و برایشان بهشتی جاودانه که در آن ماندگار خواهند بود، فراهم کند و پس از آن فوز عظیم و رستگاری بزرگ، بر آنان خشم گیرد؟! گواهی شاهد عادل، در دنیا قابل رد نیست، کسی که گواهی خداوند متعال را درباره‌ی اصحاب رسول الله ﷺ رد کند، چه حکمی دارد؟!.

۲- خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَعَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾﴾ [الفتح: ۱۸-۲۰].

«قطعاً خداوند از مؤمنان راضی شد، آن‌گاه که زیر درخت با تو بیعت کردند، خدا آن چه در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود، می‌دانست، از این‌رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی نصیب آنان فرمود و (هم‌چنین) غنائم بسیاری که آن‌را به دست می‌آوردید و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است، خداوند غنائم فراوانی به شما وعده داده که آن‌ها را به دست می‌آوردید، ولی یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت و دست تعدی مردم را از شما باز داشت تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد و شما را به راه راست هدایت کند».

۳- ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ

وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَكَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ
الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا
عَظِيمًا ﴿٢٩﴾ [التفح: ٢٩].

«محمد فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجده می‌بینی، آنان همواره فضل خدای را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند. نشانه‌ی ایشان بر اثر سجده در پیشانی‌هایشان نمایان است، این، توصیف آنان در تورات است و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های (خوشه‌های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد، به گونه‌ای که برزگران را شگفت آورد، تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می‌دهد.»

بیا با هم درباره این کلمات بیندیشیم: ﴿رَضِيَ اللَّهُ﴾ ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ و ﴿فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾ آن‌گاه به واقعیت آن نیک‌بختان پی خواهید برد، ابن قیم رحمه می‌گوید: «خدای سبحان از ایمان و خیر و محبت خدا و رسول که در قلب‌های آنان وجود داشت، آگاه بود و با انزال سکینه هنگام پریشانی و اضطراب، آنرا تثبیت فرمود»^۱.

آیا معقول است که خداوند از گروهی راضی شود و برایشان بهشتی فراهم کند که در زیر آن نهرها جاریست، و در تورات و انجیل برایشان مثالی بزند و آنها را به صراط مستقیم هدایت کند و سپس آنها را به جهنم ببرد؟! راستی! یهود و نصاری در برابر این مثال‌های (دروغین)! العیاذ بالله، که در کتاب‌هایشان هست، چه موضعی خواهند گرفت، آیا این، معنایی غیر از دروغ بودن مثال‌های بیان شده برای اهل کتاب، دارد، آیا این به معنای پشیمانی از تزکیه الگوها، آن هم پس از اقتدای مردم به آنان، نیست؟! با ارتداد آن‌هایی که بهشت برایشان فراهم شده بود، بهشت از آن چه کسانی خواهد بود؟ آیا پس از آن‌که

خداوند متعال از حال دل‌های آنان آگاه شد (اثابۃ) پاداش آن‌ها، بردن به جهنم است؟! و چرا خداوند مرتدان را پیروز می‌گرداند و با آن همه بدی و قبح از آنان راضی می‌گردد؟! حَقّاً که این سخن منتهای گمراهی و نهایت بی‌ادبی است، خداوند متعال از آن چه ظالمان به او نسبت دهند، بسیار پاک است، ابن قتیبہ رحمۃ اللہ علیہ می‌گوید: «چگونه جایز است که خداوند از گروهی راضی شود و آنان را بستاید و در تورات و انجیل برایشان مثال بزند و حال آن‌که می‌داند که پس از رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم مرتد می‌شوند؟ مگر اینکه معتقد باشند که: خداوند نمی‌دانسته است، و چنین شخصی قطعاً بدترین کافران است»^۱.

سید قطب رحمۃ اللہ علیہ در تفسیر آیه‌ی: ﴿لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾ می‌گوید: «خشمگین کردن عمدی کافران بیانگر این است که این کشتزار کاشته‌ی خدا و یا کاشته‌ی رسول اوست و آن پرده قدرت و ابزار خشمگینی دشمنان خداست، این مثال امروزی نیست، بلکه در صفحه تقدیر موجود و ماندگار است، به این خاطر پیش از آن‌که محمد و همراهانش به دنیا پا بگذارند، از آن یاد و در انجیل ثبت شده است، آن‌جا که به آمدن محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و همراهانش مژده داده است، این گونه خداوند در کتاب جاویدانش وصف این جماعت برگزیده و اصحاب رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را ثبت می‌گرداند تا در پهنای هستی ماندگار شود و آن‌گاه که آن‌را از آفریدگار خود می‌شنود، تمام کرانه‌هایش با آن هم‌نوا گردد، و به عنوان نمونه برای تمام نسل‌ها بماند تا در عملی نمودن آن بکوشند تا بدین وسیله ایمان در بالاترین درجاتش تحقق یابد»^۲.

توجه:

اهل کتاب و دیگر دشمنان این دین، از بعثت رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم گرفته و برای همیشه، برای هدم دین و خاموش گردانیدن نور آن، کوشیده‌اند و خواهند کوشید، و اگر موردی

۱- تأویل مختلف الحدیث ص: ۲۱۹

۲- فی ظلال القرآن ۳/۳۲۳۳

برای ایرادگرفتن از دین، چه در شخص رسول الله ﷺ و یا قرآن و یا صحابه که خداوند از آنان در کتاب‌هایشان یاد نموده بود، می‌یافتند، حتماً آن‌را ظاهر و بر ملا می‌کردند، حال آن‌که در این مدت طولانی و گذشت زمان چنین چیزی اتفاق نیافتاد، بنابر این هر عاقلی به این نتیجه می‌رسد که مثال و صفتی که در تورات و انجیل برای اصحاب محمد ﷺ بیان شده، بسیار دقیق و عین‌الیقین است و اگر آنان آن‌گونه که بدخواهان و طعنه‌زنندگان می‌گویند، تبدیل و تغییری ایجاد می‌کردند، این بزرگترین طعن و ایراد در دین اسلام می‌بود...!

۴- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿۸﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۹﴾﴾ [الحشر: ۸-۹].

«همچنین غنایم از آن فقرای مهاجرینی است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شده‌اند. آن کسانی که فضل خدا و خشنودی او را می‌خواهند و خدا و پیغمبرش را یاری می‌دهند، اینان صادقانند آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه‌ی (آیین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده‌اند و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هر چند که خود سخت نیازمند باشند، کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارانند.»

آیا ﴿الصَّادِقُونَ﴾ آنهایی که از وطن و دارائی‌هایشان رانده شدند، برای چه بود؟ زیرا در پی فضل و رضایت الهی بودند، و نه تنها این، بلکه خدا و رسولش را یاری دادند و ﴿الْمُفْلِحُونَ﴾ آنهایی که در مدینه مسکن داشتند و ایمان را برگزیدند، مگر می‌شود که آنها اهل رده و نفاق باشند؟! پس چرا بیرون رفتند؟! و چرا جنگیدند و از جان ومالشان

مایه گذاشتند؟! از اسلام و پیامبر آن، که هر دو در حال ضعف آشکاری بودند، چه منفعت و مصلحتی انتظار داشتند، اما نه! آنها به راستی ﴿الصَّادِقُونَ﴾ و ﴿الْمُقْلِحُونَ﴾ بودند. آیا در آیه ﴿تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْأَيْمَانَ﴾ اندیشیده‌ای؟ سید قطب رحمته می‌گوید: «یعنی سرای هجرت... که انصار پیش از مهاجرین در آن قرار گرفتند، همان گونه که در ایمان جای گرفتند، گویا که ایمان منزل و سرای آنان است، و این تعبیر بسیار گسترده و پرمحتواست، و دقیق‌ترین تعبیری است که موضع انصار را در برابر ایمان، بیان می‌کند، ایمان سرا و منزلگاه و وطن آنان بود، که قلب‌هایشان در آن می‌زیست و ارواحشان در آن مسکن داشت، و به آن پناه می‌بردند و اطمینان حاصل می‌کردند، همان‌گونه که مردم به سرای خود پناه می‌برند و اطمینان می‌یابند»^۱.

تو را به خدا! اگر همه‌ی این نمونه‌ها جز سه نفر^۲ همگی از اعتبار ساقط و مردود شده باشند، مسلمانان دیگر از چه کسانی پیروی کنند؟! و آیا مسلمانانی که نیاکانشان در عصر رسالت و نزول وحی ناکام مانده‌اند، امروزه کامیاب و پیروز می‌شوند؟! اینان درباره این آیه که بعد از آن می‌آید، چه می‌گویند: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند، بیامرز و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوانی هستی».

۱- فی ضلال القرآن ۳۵۲۶/۶

۲- ابو جعفر رحمته گفت: مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شدند، جز سه نفر، گفتم: آن سه نفر کیستند؟ گفت: مقداد بن اسود، ابوذر غفاری و سلمان فارسی. روضه کافی ص: ۱۹۸. سؤال این است که علی و فاطمه و دیگر عترت کجایند؟! آیا آنان نیز اهل رده بوده‌اند!؟

آیا از مؤمنان در دل خود کینه دارید؟! موضع آنان در برابر آیهی ﴿الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ چیست؟ خدای عالم الغیب، ثابت کرده است که آنان با ایمان مرده‌اند، و آیا این آیه فقط به همان سه نفر اختصاص دارد؟

۵- خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾﴾ [الأنفال: ۷۴-۷۵].

«و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند، برای آنها آمرزش و روزی شایسته‌ای است و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر سزاوارترند، خداوند به همه چیز داناست.»

بیاید با هم در این تعبیرات بیندیشیم: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ...﴾ تمام این‌ها تعبیراتی صادق و حقیقی هستند که منظور از آن هم، حقیقت و واقعیت است، و همه این‌ها از کسی سرچشمه گرفته که به همه چیز داناست، به این فرموده خداوند متعال: ﴿فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ﴾ بیندیش، یعنی: آنها در موالات ایمانی، دوستی و نصرت، از شمایند، چه شد که ﴿مِنْكُمْ﴾ در این آیه مورد توجه قرار نگرفته است و طعنه زندگان از آن چشم پوشیده و قصداً اعراض کرده‌اند، در صورتی که در احادیث حوض به خاطر آن ﴿مِنْكُمْ﴾ چه غوغایی که به پا نکردند و هزاران صحابه را مشمول آن گردانیدند؟! اما در سیاق این آیه قرآنی، برایش هیچ ارزشی قایل نشدند، این تحکمی است بر اساس همان منطق نه بر اساس حق و باطل!.

۶- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتَّلَ أَوْلِيَّكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتَّلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَیَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۰﴾ [الحدید: ۱۰].

«چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمان‌ها و زمین همه از آن خداست، کسانی از شما که پیش از فتح انفاق کردند و جنگیدند یکسان نیستند، آنها درجه و مقامشان برتر از کسانی است که پس از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند، و خداوند به همه، وعده‌ی پاداش نیک داده و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»

سید قطب رحمته می‌گوید: «آن کسی که در وضعی انفاق و جهاد کند که دین، مورد تهاجم است و چندان یآوری ندارد و چشم انتظار هیچ گونه منفعت، قدرت و ثروتی نیست، تفاوت بسیار دارد با آن کسی که با امنیت و انبوه یاری کنندگان و در حالی که پیروزی و غلبه نزدیک است، انفاق و جهاد می‌کند...»^۱.

قرطبی رحمته می‌گوید: ﴿وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَیَّ﴾ خداوند متعال پیشتازان سبقت گرفته و همچنین متأخرین که با آنان پیوسته‌اند، همگی را با تفاوت درجاتی که دارند، به بهشت مرده داده است»^۲.

ابن کثیر رحمته می‌گوید: «مؤمنان تردیدی ندارند که ابوبکر رضی الله عنه از این آیه سهم بزرگی دارد، او در میان تمام ملت‌های پیامبران، سرور آنهایی است که بر آن آیه عمل کرده‌اند، زیرا او تمام سرمایه‌اش را برای رضای خداوند صرف نمود، بی‌آن‌که شرمنده‌ی احسان کسی باشد و بخواهد آن را جبران کند (خالصانه برای خدا انفاق می‌کرد)»^۳.

۱- فی ظلال القرآن ۳۴۸۴/۶.

۲- الجامع لاحکام القرآن ۲۰۷/۱۷.

۳- تفسیر ابن کثیر ۳۹۴/۴.

آیا پس از آن که خداوند آنان را به بهشت ﴿الْحُسْنَى﴾ وعده داده است، خلف وعده می‌کند و آنان را می‌راند؟! خداوند متعال درباره خود می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ آیا اعمال بندگان بر خدای خبیر و آگاه پوشیده است؟

تفاوتی ندارد که منظور از فتح، فتح مکه باشد یا حدیبیه، در این مورد با آنان اختلافی نیست، بلکه اختلاف در معنای وعده‌ی بالحسنی است که خداوند سابقین و لاحقین را به حسنی وعده داده است!

۷- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷].

«مسلماناً خداوند توبه پیغمبر و توبه مهاجرین و انصار را پذیرفت، مهاجرین و انصاری که در روزگار سختی (جنگ تبوک) از پیغمبر پیروی کردند، بعد از آن که نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها، از حق منحرف شود، سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است».

چند نکته:

- ۱- لازمه توبه این نیست که پیش از آن شخص مرتکب گناهی شده باشد، زیرا تمام بندگان نیازمند توبه و استغفار هستند!
- ۲- خداوند متعال مهاجرین و انصار را مطلقاً نام برده است، سابقین و متأخرین را از هم تفکیک نکرده است و می‌دانیم که ﴿سَاعَةِ الْعُسْرَةِ﴾ در سال نهم هجری بود.
- ۳- خداوند متعال از توبه رسول الله ﷺ و مهاجرین و انصار را یکجا ذکر نموده است و این گویای اتصال روحی میان صحابه و رسول الله ﷺ است.

۴- ابن قیم رحمته الله می‌گوید: «تکرار توبه در ابتدا و انتهای آیه توسط خداوند، جای تأمل دارد، اولاً به آنان توفیق توبه داد و ثانیاً توبه آنان را پذیرفت، خداوند آنان را موفق به توبه نمود و سپس به فضل خویش توبه را از آنان پذیرفت، پس خیر همه از جانب او و توسط او و مال او و در دست اوست، به فضل و احسان خویش به هر کس بخواهد، می‌بخشد، و با حکمت و عدل خویش، هر کس را بخواهد از آن محروم می‌دارد»^۱.

آیا با وجود ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ﴾ که پذیرنده‌ی توبه (خداوند) اعلام داشته است، باز هم کسی پیدا می‌شود که بگوید: توبه‌ی آنان پذیرفته نشده است؟ آیا با تأکید ﴿تَابَ﴾ باز هم جایی برای طعنه زدن به صحابه رضی الله عنهم هست؟ آن هم پس از آن که خداوند متعال در آخرین غزوه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه رضی الله عنهم رضایت و پذیرش توبه‌ی آنان را اعلام نموده است؟ آیا پس از ﴿إِنَّهُم بِهَمَّ رَعُوفٌ رَحِيمٌ﴾ آنان را از حوض پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز می‌دارد و آنان را به جهنم می‌برد؟، آن‌گاه چرا آیه را با ﴿إِنَّهُم بِهَمَّ رَعُوفٌ رَحِيمٌ﴾ ختم کرد، آیا گویای عنایت مضاعف خداوند به آنان نیست؟ آن‌جا که آنان را به توبه موفق گردانید، و قلب‌های آنان را از انحراف و کجی مصون داشت، این سنت الهی است که هنگام سختی با اولیای خود، این‌گونه رفتار می‌کند.

توجه:

علی رضی الله عنه در «جیش العسرة» حضور نداشت، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وی را در مدینه گذاشته بود، این را گفتم تا کسی نگوید که: علی و همان سه یا چهار نفری که بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرتد نشده بودند، مخاطب آیه هستند و بقیه‌ی صحابه رضی الله عنهم را شامل نمی‌شود^۲، امتی که بلافاصله پس از وفات پیامبرش، جز سه نفر همگی مرتد شوند در آن، چه خیری هست؟! آیا آن امت می‌تواند بهترین امت برگزیده برای مردم ﴿خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾

۱- بدائع التفسیر ۳۸۱/۲.

۲. در غزوه تبوک سی هزار نفر در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند، زادالمعاد ۵۲۹/۳.

باشد؟! این دقیقاً سخنی است که شیعه می‌گوید:^۱

۸- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُم عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ [المائدة: ٥٤].

«ای مؤمنان! هر کس از شما از آیین خود بازگردد، خداوند جمعیتی را خواهد آورد که خداوند آنان را دوست می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان نرم و متواضع و در برابر کافران سخت و نیرومند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند، این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد، و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.»

ابن قیم رحمته الله می‌گوید: «خداوند آنان را با شش ویژگی ذکر نموده است:

الف: خدا را دوست دارند.

ب: خدا آنها را دوست دارد.

ج: در مقابل دوستان خدا، نرم و ملایم هستند.

د: در مقابل دشمنان خدا، تند و شدید هستند.

هـ: در راه خدا جهاد می‌کنند.

و: در این راه ملامت گران را تحمل می‌کنند».^۲

۱. قمی از ابو عبدالله روایت کرده است که نزد وی آیهی: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. قرائت شد، ابو عبدالله گفت: بهترین امت! که امیرالمؤمنین و حسن و حسن رضی الله عنهما را بکشند؟ قاری پرسید: فذابت شوم، پس آیه چگونه است؟ گفت: این گونه نازل شده است، ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ (بهترین امامانی هستید که برای مردم برگزیده شده‌اید) تفسیر قمی ۱۱۰/۱.

۲- بدائع التفسیر ۱۱۴/۲.

محمد رشید رضا رحمته الله علیه می گوید: «گروهی که خداوند آنها را دوست می دارد و آنان خدا را دوست می دارند، ابوبکر و یارانش هستند، آنان که با اهل رده جهاد کردند... اما رافضی های افراط گر می پندارند که ابوبکر و صحابه ای که همراه وی بودند که سواد اعظم هستند، مرتد شده اند، موضوع را کاملاً برعکس کرده اند، و علی همراه ابوبکر بود نه علیه او و با او نجنگیدند...»^۱.

باید پرسیم: آیا پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رده ای صورت گرفت؟ اگر بگویید: خیر، واقعیت را تکذیب کرده اید، و اگر بگویید: رده ای صورت گرفت، می پرسیم: چه کسانی مرتد شدند؟ اگر بگویید: صحابه^۲ می پرسیم: آیا علی و یارانش با آنان جنگیدند؟ اگر بگویید: آری، دروغ گفته اید و اگر بگویید: خیر، می پرسیم: که علی مشمول این آیه نیست، زیرا با مرتدین جهاد و قتال نکرده است! و اگر بگویید مرتدان غیر از صحابه رضی الله عنهم بودند، که واقعیت نیز همین است، پس ابوبکر صدیق رضی الله عنه و همراهانش که علی رضی الله عنه نیز جزو آنان است، مراد این آیه هستند.

خواننده ی گرامی...

به همین مقدار از آیات قرآن کریم، بسنده می کنیم، زیرا هدف، بیان تمام آیاتی که در فضل صحابه رضی الله عنهم نازل شده است، نیست، به آن امید که این آیات چراغی فرا روی پویندگان راه حقیقت باشد.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [ق: ۳۷].

۱- تفسیر المنار ۳۶۱/۶.

۲- درباره ی ارتداد صحابه در کتاب های شیعه تناقض عجیبی دیده می شود، و آن، این که ابوجعفر در روایتی می گوید: (هنگامی که مردم با ابوبکر بیعت کردند، تنها چیزی که امیرالمؤمنین را از ادعای خلافت بازداشت، مصلحت مردم بود و این که مبدا مرتد شوند و به عبادت بت ها روی آورند...) در روایت بعدی عبدالرحیم قیصر می گوید به ابوجعفر رضی الله عنه گفتم: اگر بگوئیم، مردم مرتد شده اند، مردم سراسیمه می شوند، گفت: عبدالهیم! مردم پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به جاهلیت بازگشتند...؟! روضه کافی ص: ۲۳۴.

«در این، تذکری است برای آن کسی که دلی (آگاه) دارد و یا با حضور قلب گوش فرا دهد».

ب- احادیث رسول الله ﷺ:

۱- ابوسعید خدری رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَغْزُو فِتْنًا مِنَ النَّاسِ ، فَيَقُولُونَ فِيكُمْ مِنْ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولُونَ نَعَمْ . فَيُفْتَحُ لَهُمْ . ثُمَّ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَغْزُو فِتْنًا مِنَ النَّاسِ ، فَيَقَالَ هَلْ فِيكُمْ مِنْ صَاحِبِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولُونَ نَعَمْ . فَيُفْتَحُ لَهُمْ ، ثُمَّ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ فَيَغْزُو فِتْنًا مِنَ النَّاسِ ، فَيَقَالَ هَلْ فِيكُمْ مِنْ صَاحِبِ مَنْ صَاحِبِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولُونَ نَعَمْ . فَيُفْتَحُ لَهُمْ»^۱.

«بر مردم زمانی خواهد آمد که، گروه‌هایی جهاد می‌کنند، می‌گویند: آیا با شما کسی هست که با رسول الله ﷺ همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده (فتح) می‌شود سپس زمانی بر مردم می‌آید، گروه‌هایی جهاد می‌کنند، گفته می‌شود: آیا کسی از شما با اصحاب رسول الله ﷺ همراه بوده است، می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود، سپس زمانی بر مردم می‌آید (گروه‌هایی از مردم جهاد می‌کنند، گفته می‌شود: آیا با شما کسی هست که با همراهان اصحاب رسول الله ﷺ همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود». من از این طعنه زندگان می‌پرسم: آیا سرزمین‌ها برای مرتدانی که از دین برگشته‌اند، فتح می‌شود؟! آیا اگر آنان منافق می‌بودند، پس از مرگشان به برکت دیدار آنان، فتح حاصل می‌شد؟! و قطعاً می‌دانیم که فتوحات بعد از رسول الله ﷺ، فقط در زمان خلافت خلفای ثلاثه، ابوبکر، عمر و عثمان رضی الله عنهم بوده، آنها بودند که کشورها را گشودند و گروه، گروه مردم را در دین الهی وارد کردند، و هم اکنون نیز آثار فتوحاتشان برای همه نمایان است! در خلافت علی رضی الله عنه فتحی نبود، بلکه هرج و مرج و جنگ‌های داخلی بود، تا آنجا که دشمن

۱- بخاری، فضایل أصحاب النبي ﷺ (۳۶۴۹)، مسلم، فضائل الصحابة (۲۵۳۲) گروه‌هایی از مردم جهاد می‌کنند، گفته می‌شود: آیا با شما کسی هست که با همراهان اصحاب رسول الله ﷺ همراه بوده است؟ می‌گویند: آری، پس برایشان گشوده می‌شود.

به مسلمانان چشم طمع دوخت، این را می‌گویم، تا کسی نپندارد که: منظور این حدیث، علی علیه السلام و پیروانش هستند که در رکاب او جنگیدند، و همه می‌دانیم که، دیگر امامان شیعه پس از علی علیه السلام حکومت و سپاهی نداشته‌اند، بلکه برخی از آنان سربازان خلفای ثلاثه بوده‌اند، این حدیث درباره‌ی امام غائب و معدوم هم نیست، زیرا نه او رسول الله را دیده است و نه آنها را که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را دیده‌اند و نه آنهایی را که صحابه را دیده‌اند، در این نکته بیندیش، حق و اهل حق را خواهی شناخت.

۲- عمران بن حصین رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خیر القرون قرنی ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم...»^۱.

«بهترین مردم، مردم هم قرن من هستند، سپس آنانی که پس از آنهایند، سپس آنهایی که پس از آنهایند...».

آیا بهترین مردم آنهایی هستند که از حوض رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رانده می‌شوند؟! آیا بهترین مردم، آنهایی هستند که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرتد شدند؟! آیا این، طعنی به خداوند متعال نیست که سرنوشت: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. را به اینان سپرده است؟! آیا این طعنی در رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیست که قرنی را که این مرتدان در آن بودند، ستوده است؟! راستی! بهترین قرن، ناکام باشند، آنهایی کامیاب و رستگار و کامیاب می‌شوند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌شان فرموده‌اند: «إِنَّ بَعْدَكُمْ قَوْمًا يَخُونُونَ وَلَا يُؤْتَمَنُونَ، وَيَشْهَدُونَ، وَلَا يُسْتَشْهَدُونَ وَيَنْذِرُونَ وَلَا يَفُونَ، وَيَظْهَرُ فِيهِمُ السَّمَنُ»^۲.

«پس از شما مردمی خواهند آمد، خیانتکار نه امانت‌دار، بی آن که از آنان خواسته شود، گواهی می‌دهند، نذر می‌کنند، اما به آن وفا نمی‌کنند، و در میان‌شان پدیده‌ی چاقی، آشکار می‌گردد».

۱- بخاری، الشهادات: (۲۶۲۵)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۳).

۲- بخاری، الشهادات: (۲۶۵۱)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۵).

۳- ابوموسی اشعری رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «التُّجُومُ أَمَنَةٌ لِلسَّمَاءِ فَإِذَا ذَهَبَتِ التُّجُومُ أَتَى السَّمَاءَ مَا تُوعَدُ وَأَنَا أَمَنَةٌ لِأَصْحَابِي فَإِذَا ذَهَبَتْ أَتَى أَصْحَابِي مَا يُوعَدُونَ وَأَصْحَابِي أَمَنَةٌ لِأُمَّتِي فَإِذَا ذَهَبَ أَصْحَابِي أَتَى أُمَّتِي مَا يُوعَدُونَ»^۱.

«ستارگان موجب امان آسمانند، هرگاه ستارگان نابود شوند، وعده‌ای که به آسمان داده شده است، تحقق می‌یابد، و من موجب امان اصحابم هستم، هرگاه من بروم، وعده‌ای که به اصحاب داده شده است، فرا می‌رسد، و اصحاب من موجب امن امتم هستند هرگاه اصحاب من بروند، وعده‌ای که به امتم داده شده است تحقق می‌یابد».

چگونه ممکن است، با خیانت، امنیت به وجود آید؟ آیا خلافت خلفای ثلاثه رضی الله عنهم غیر از امنیت، افتخار و فتوحات، چیزی دیگر بود؟ آیا مگر دوران صحابه با شهادت رسول الله صلی الله علیه و آله خیر القرون نبود؟ این حدیث شامل تمامی اصحاب رضی الله عنهم است، زیرا این حدیث عام است و هیچ فردی را تخصیص نکرده است.

وجود فساد در برخی حکام و امرا پس از دوران خلفای راشدین، هیچ اشکالی بر این حدیث و حدیث قبلی، وارد نمی‌کند، زیرا معیار مجموع امت است نه چند فرد.

۴- ابوسعید خدری رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا تَسُبُّوا أَصْحَابِي ، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا بَلَغَ مُدًّا أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ»^۲.

«اصحاب مرا بد نگوئید، اگر کسی از شما هم سنگ کوه احد طلا صدقه دهد، به اندازه یک مشت و یا نصف آن، از صدقه اصحاب من نخواهد رسید».

رسول الله صلی الله علیه و آله از بد گفتن صحابه رضی الله عنهم نهی فرمودند، چه رسد به لعن و نفرین آنان، مرتد و کافر دانستن آنان که خیلی سنگین تر است، رسول الله صلی الله علیه و آله با ذکر کمترین مورد (بد گفتن) که می‌تواند سبب لعن و تکفیر باشد، ما را هشدار دادند، این حدیث شامل

۱- مسلم، فضائل الصحابة: (۲۵۳۱).

۲- بخاری، فضائل اصحاب النبي صلی الله علیه و آله: (۳۶۷۳)، مسلم فضائل الصحابة: (۲۵۴۰).

تمام صحابه است هم آنهایی که زود ایمان آوردند و هم آنهایی که با تأخیر ایمان آوردند، و مخصوص سبب ورود حدیث نیست.

اگر آنان واقعاً پس از رسول الله ﷺ مرتد می شدند، چرا رسول الله ﷺ از بد گفتن و نفرین آنان، منع فرمودند؟ آیا در آن صورت آنان از برخی گناهکاران که در احادیث لعن و نفرین شده اند، به لعن و نفرین سزاوارتر نمی بودند؟!.

۵- در حدیث ابن عباس رضی الله عنهما پیرامون داستان هرقل و ابوسفیان آمده که: «(هرقل) پرسید: اشراف از او (محمد) پیروی می کنند یا ضعیفان؟ گفتم: ضعیفان، پرسید: پیروانش افزون می گردند یا کم؟ گفتم: افزون، پرسید: آیا کسی از آنان پس از مسلمانان شدن، پشیمان شده و از این دین برگشته است؟ گفتم: نه...، آنگاه هرقل گفت: پرسیدم که اشراف از او پیروی می کنند یا ضعیفان؟ گفتم: ضعیفان، پیروان پیامبران (همیشه) ضعیفانند، پرسیدم: آنان کم می شوند یا زیاد؟ گفتم: زیاد، ایمان که کامل شود این گونه خواهد بود، پرسیدم: آیا کسی با ناراضگی از دینش برگشته است؟ گفتم: خیر، آنگاه که ایمان با قلب در آمیزد، دیگر (پشیمان و) ناراض نمی گردد...»^۱.

۶- در حدیث مسور بن مخرمه و مروان پیرامون داستان حدیبیه، گفتار عروه بن مسعود در وصف اصحاب محمد ﷺ با قریش، چنین آمده است، «... عروه اصحاب محمد ﷺ را می پایید، می گوید والله هرگاه رسول الله ﷺ بلغمی می انداخت، حتماً در دست یکی از آنان می افتاد و با آن صورت و بدنش را می مالید و هرگاه به کاری دستور می داد، بلافاصله، انجام می دادند، و چون وضو می گرفت، نزدیک بود که بر آب وضویش با هم درگیر شوند، و هرگاه سخن می گفت، همگی سکوت می کردند، به تعظیم وی هیچگاه به وی خیره نمی شدند، عروه در بازگشت به قومش گفت: والله من نزد پادشاهان، قیصر و کسرا و نجاشی بار یافته ام، والله تاکنون ندیده ام که اطرافیان کسی، وی را آن گونه که اصحاب محمد، محمد را تعظیم می کنند، تعظیم کنند، هرگاه بلغمی می انداخت، حتماً

۱- بخاری، الجهاد و السیر: (۲۹۴۱).

در دست یکی می‌افتاد و با آن صورت و بدنش را می‌مالید، و همه تن آماده‌ی انجام دستور وی بودند و اگر وضو می‌گرفت، نزدیک بود بر آب وضویش با هم درگیر شوند و هرگاه سخن می‌گفت، سکوت می‌کردند و هرگز، به احترامش به او خیره نمی‌شدند...^۱. انصاف مخالف در دل، بسیار تأثیر گذارتر از انصاف موافق خواهد بود و گرنه کسی که عظمتش به ستاره‌ی پروین رسیده است، نه ثنای کسی او را بلند می‌کند و نه مذمتش او را فرود می‌آورد!

آیا این طعنه زندگان که پیش از این گواهی خدا و رسول را درباره‌ی اصحاب رضی الله عنهم در و آن را بر محمل نادرستی حمل کردند، تا تاریخ را آن گونه که خود می‌پسندند، ترسیم کنند، این شهادت دشمنان را درباره‌ی عدالت صحابه و جایگاه بلند آنان و محال بودن ارتدادشان، می‌پذیرند؟

۷- ام‌مبشر می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ أَحَدٌ. الَّذِينَ بَايَعُوا تَحْتَهَا...»^۲.

«ان شاء الله کسی از اصحاب شجره که زیر آن (درخت) بیعت کردند، به جهنم نمی‌رود...» جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله روز حدیبیه به ما فرمودند: «أَنْتُمْ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ». «شما بهترین اهل زمین هستید». و ما ۱۴۰۰ نفر بودیم، اگر امروز چشم‌هایم می‌دید، جای درخت را به شما نشان می‌دادم»^۳.

نووی رحمته الله علیه می‌گوید: «علما گفته‌اند: معنایش این است که قطعاً کسی از آنان به جهنم نمی‌رود و گفتن انشاء الله برای تبرک است نه شک»^۴.

۱- بخاری، الشروط: (۲۷۳۲)

۲- مسلم، الفضائل: (۲۴۹۶).

۳- بخاری، المغازی: (۴۱۵۴)، مسلم، الامارة: (۱۸۷۶).

۴- مسلم، شرح نووی ۵۸/۱۶.

جابر رضی الله عنه می گوید: «یکی از بردگان حاطب نزد رسول الله صلی الله علیه و آله از حاطب شکایت کرد و گفت: یا رسول الله! حاطب به جهنم خواهد رفت، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «كَذَبْتَ لَا يَدْخُلُهَا فَإِنَّهُ قَدْ شَهِدَ بَدْرًا وَالْحُدَيْبِيَّةَ».^۱ «دروغ می گویی، او به جهنم نمی رود، زیرا در بدر و حدیبیه حضور داشته است». و نیز فرمودند: «...وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ عَلَيَّ مَنْ شَهِدَ بَدْرًا قَالَ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ فَقَدْ عَفَرْتُ لَكُمْ».^۲ «تو چه می دانی! خداوند اهل بدر را می شناخت و باز هم فرمود: هر چه می خواهید، بکنید، من شما را بخشوده‌ام» نووی رحمته الله می گوید: علما گفته‌اند: معنایش، غفران و بخشودگی آخرت است».^۳

۸- عقبه رضی الله عنه می گوید: روزی رسول الله صلی الله علیه و آله رفتند و بر شهدای احد نماز خواندند، سپس برگشتند و به منبر رفتند و فرمودند: «إِنِّي فَرَطُ لَكُمْ، وَأَنَا شَهِيدٌ عَلَيْكُمْ، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَنْظُرُ إِلَى حَوْضِي الْآنَ، وَإِنِّي أُعْطِيتُ مَقَاتِيحَ خَزَائِنِ الْأَرْضِ - أَوْ مَقَاتِيحَ الْأَرْضِ - وَإِنِّي وَاللَّهِ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا بَعْدِي، وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنَافَسُوا فِيهَا».^۴

«من پیشواز و گواه شما هستم، والله اکنون من حوضم را مشاهده می کنم، کلید گنجینه‌های دنیا به من داده شده است، من بیم ندارم که پس از من شرک کنید، اما می ترسم که برای کسب دنیا با هم به رقابت پردازید».

نووی رحمته الله می گوید: «این حدیث از معجزات رسول الله صلی الله علیه و آله است، زیرا خبر داده است که امتش مالک گنجینه‌های زمین خواهد شد، و این اتفاق، افتاد، و دیگر این که آنان جملگی مرتد نمی شوند و خداوند آنان را از این مورد مصون داشته است، البته در کسب دنیا با هم به رقابت می پردازند، که همه این پیشین گویی‌ها تحقق یافته است».^۵

۱- مسلم، الفضائل: (۲۴۹۵).

۲- بخاری، الجهاد و السیر: (۳۰۰۷)، مسلم، فضائل الصحابة: (۲۴۹۴)

۳- مسلم، شرح نووی ۵۶/۱۶، نگا: فتح الباری ۸/۸۰۹ و المفهم ۴۴۲/۶.

۴- بخاری، الرقاق: (۶۵۹۰)، مسلم، الفضائل: (۲۲۹۶).

۵- مسلم، شرح نووی ۵۹/۱۵.

عینی رحمته می گوید: «این حدیث گویای این است که بر امت رسول الله صلی الله علیه و آله از شرک بیمی نیست، بلکه بیم رقابت در دنیا وجود دارد و آنان دچار حسد و بخل می شوند»^۱. بنابراین، آن که طعنه زندگان گفته اند که، صحابه جملگی مرتد شده اند، مردود است، این حدیث که در آن از حوض هم یاد شده است، آن را رد می کند، والله اعلم.

۹- بهز از طریق پدرش از جد خود روایت کرده است که می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَلَا إِنَّكُمْ تُوْفُونَ سَبْعِينَ أُمَّةً أَنْتُمْ خَيْرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲. «بدانید که شما هفتادمین امت و بهترین آنها و عزیزترینشان نزد خداوند هستید».

ابن العربی رحمته می گوید: «از آن جا که پیامبر ما بهترین پیامبران است، امتش نیز بهترین امت ها است، ما نیز با برتری پیامبران، برتر شدیم»^۳.

ترمذی آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله پس از تلاوت آیه: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: ۱۱۰]. این را فرمودند.

آنچه ذکر شد، برخی از احادیثی است که بر فضل اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله دلالت دارد، هدف ما جمع آوری تمام آن احادیث که بسیار هم زیادند، نیست، هدف ما فقط تذکری است به آنان که دشمنی صحابه را دین خود قرار داده اند، تا شاید در آن اندیشه کنند و بدون تعصب در قرآن کریم تدبر کنند و این آیات و احادیث را با عقول خود بسنجند نه با عقول دیگران و با چشم خود بنگرند نه با چشم دیگران، آن گاه خواهند دید که ابرهای تیره‌ی شک و تردید و تهمت از دیدگانشان کنار می رود، و دل هایشان که یک عمر دچار اضطراب و شک بوده و ظلمی موهوم را تصور می کرده است، از شک و گمان و پندارهای نادرست رهایی می یابد و خواهند دانست که ادعای آنان وهم و گمانی بیش

۱- عمدة القاري ۲۳۱/۸.

۲- مسند احمد ۲۳۱/۳۳، (۲۰۰۲۸)، ترمذی: (۳۰۰۱)، ابن ماجه (۴۲۸۸) دارمی: (۲۸۰۲) و دیگران، حافظ ابن حجر در الاصابه و البانی و ارنووط آن را صحیح گفته اند ۱۶۵/۱.

۳- عارضة الاحوذی ۹۷/۱۱.

نبوده و با واقعیت هیچ‌گونه هم‌خوانی، نداشته است، آن‌گاه با دلی آرام و مطمئن سیره‌ی
عطر آگین صحابه را که با آثار موجود و مشاهد آن سیره، کاملاً هماهنگ است، درک
می‌کنند و با دل و جان می‌پذیرند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ
يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«کسانی که پس از مهاجرین و انصار به دنیا می‌آیند، می‌گویند: پروردگارا! ما را و برادران ما
را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند بیامرز و کینه‌ای نسبت به مؤمنان در دل‌هایمان جای
مده، پروردگارا! تو دارای رأفت و رحمت فراوان هستی».

بحث سوم: نکات مهم

اکنون این نکات را به شما خواننده‌ی منصف تقدیم می‌کنم:

نکته‌ی اول:

هر کس به قرآن، ایمان دارد به فضل صحابه، سابقین اولین اعم از مهاجرین و انصار و
آنانی که به نیکویی از آنان پیروی کردند، ایمان دارد، و به سابقه، جهاد، حق‌مداری و
عدالت محوری آنان، ارج می‌نهد، و از هر گونه دعوت مخالفی که می‌کوشد تاریخ صحابه
را خدشه‌دار کند و یا از ارزش آن بکاهد و در عدالتشان طعنه‌ای بزند، بی‌زاری می‌جوید،
زیرا قرآن کریم که کلام الهی، پادشاه مطلق و علّام الغیوب است، حق و حقیقت است، و
مدح و ثنایی که در آن آمده از روی علم و آگاهی است، نه جهل، و ایمان به آن لازم و
ضروری است و هیچ اختیاری غیر از آن نیست، و گرنه تناقض کلام الهی لازم می‌آید، که
آن محال است.

نکته دوم:

احادیث ممانعت از حوض را صحابه رضی الله عنهم روایت کرده‌اند، اگر آن احادیث مسلمانی آنان را زیر سؤال می‌برد و یا آنان را به نفاق و یا رده متهم می‌کرد، حتماً آن را پنهان می‌کردند، آن گونه که بدخواهان آنان می‌گویند که صحابه، قرآن و فضائل علی رضی الله عنه و نصوص امامت بلافضل وی را کتمان کردند، و یاوه‌هایی از این قبیل که دروغ بودنش آشکار است.

نکته‌ی سوم:

جنگ‌های رده که پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به فرماندهی ابوبکر صدیق رضی الله عنه علیه مرتدان و مانعان زکات صورت گرفت، بزرگترین دلیل این است که، آنهایی که از حوض رانده می‌شوند، همان مرتدان هستند، و آن گونه که قبلاً گفتیم مانع از شمول دیگران نیست.

نکته‌ی چهارم:

آیات نفاق که بدخواهان و طعنه‌زنندگان، صحابه را مصداق آن می‌دانند، در مورد گروه مشخصی است و فقط آنان را مذمت می‌کند و حوادث آن روزگار، آن را کاملاً تفسیر کرده است، آن آیات در وقایعی نازل شده که قرآن آن را ذکر نموده و احادیث تفصیلی آن را بیان نموده است و در کتاب‌های سیر و تاریخ ثبت شده است، آن وقایع و موضع‌گیری‌های عملی، صحابه را از منافقان متمایز نموده و مجالی برای بوالهوسان، باقی نگذاشته است تا تاریخ را آن گونه که خود می‌پسندند، ترسیم کنند.

نکته‌ی پنجم:

در قرآن کریم از نفاق و منافقان بسیار سخن به میان آمده است، زیرا نفاق پدیده‌ای مخصوص زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیست و تا قیام قیامت استمرار دارد، کثرت این گونه آیات بیانگر کثرت منافقان در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه رضی الله عنهم نیست، یک فرد عاقل، چگونه می‌تواند بپذیرد که اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که در کنار ایشان بودند، منافق بوده‌اند، با آن که همه می‌دانند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از منافقان اعراض فرمودند

و پس از غزوه‌ی تبوک و نزول سوره‌ی براءت دیگر به آنان بها ندادند و کسی از آنان را به خود نزدیک نفرمودند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ۗ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا﴾ [الأحزاب: ۶۰-۶۱].

«اگر منافقان و بیمار دلان و کسانی که در مدینه باعث اضطراب می‌گردند، از کار خود دست نکشند، تو را بر ضد ایشان می‌شورانیم و بر آنان مسلط می‌گردانیم آن‌گاه جز مدت اندکی در جوار تو در شهر مدینه نمی‌مانند، نفرین شدگان و رانده شدگان، هر کجا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید.»

اما آیاتی که صحابه رضی الله عنهم را می‌ستاید، ویژه‌ی همان نسلی است که خداوند متعال آنان را به دیدار رسول الله صلی الله علیه و آله و ایمان به ایشان مشرف گردانیده است، همان گونه که آنان را به خشنودی و محبت خویش مشرف گردانید و آنان نیز از خداوند خشنود شدند و وی را دوست داشتند، صحابه بودن مخصوص آنهاست و به نسل‌های بعدی متعدی نیست.

نکته‌ی ششم:

اگر طعنه‌ی زندگان مصرانه بخواهند احادیث ممانعت از حوض را بر صحابه تطبیق کنند، یک فرد ناصبی^۱ می‌تواند بگوید: شما که می‌گویید: رسول الله صلی الله علیه و آله درباره‌ی علی رضی الله عنه فرمودند: «هذا مني...» و «إن علياً مني...» - که در آن شکی نیست - بنابراین، منظور رسول الله صلی الله علیه و آله که در احادیث حوض فرمودند: «فأقول: مني...» علی رضی الله عنه خواهد بود!

البته این سخن باطلی است که باطلی دیگر را رد می‌کند و اثبات جهل با جهلی دیگر است و هیچکدام از آن دو بر دیگری برتر نیست، و این ثمره‌ی تلخ یک نظریه‌ی تلخ است ﴿وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا﴾ [المجادلة: ۲].
«آنها سخنی زشت و باطل می‌گویند.»

۱- کسی که بغض علی رضی الله عنه را دین خود می‌داند القاموس المحيط ص: ۱۷۲۰، اللسان ۱۴/۱۵۷.

نکته ی هفتم:

عاقلان می‌دانند که در اخبار و فضایل، نسخی صورت نمی‌گیرد، امکان ندارد که خداوند متعال گروهی را بستاید و فضایل آنان را برشمارد و بر موالات و دوستی آنان تأکید کند، سپس دستور به جنگ و دشمنی با آنان بدهد و یا این که ابتدا به کار نیکی امر کند سپس آن را نسخ کند و به جای آن به کار بدی امر کند، خدایی که علیم بذات الصدور است چنین نمی‌کند و این به معنای نسبت دادن جهل به خداوند است.

اگر فردی، شخصی دیگر را بستاید و اندکی بعد سخن خود را نسخ کند و دیگر بار آن فرد را نکوهش کند، این نشان از جهل و ناتوانی وی دارد، البته در مورد افراد، این مسأله عقلاً و شرعاً قابل توجیه و امکانپذیر است، زیرا هیچ فردی از باطن و فرجام کسی دیگر آگاه نیست، اما آیا چنین چیزی برای خداوند متعال شایسته و امکانپذیر است؟! آیا اگر بپذیریم که رسول الله ﷺ با آن که موید با وحی بوده‌اند، از صحابه رضی الله عنهم آگاه نبوده‌اند، اما آیا خداوند متعال نیز از آن آگاه نبوده است!؟

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [ملک: ۱۴].

«آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست در حالی که او دقیق و باریک بین و آگاه است.»

نکته ی هشتم:

می‌دانیم که مرتد یا به خاطر شبهه‌ای از ایمان برمی‌گردد و یا به خاطر خواسته‌ای از قبیل پست و مقام، و این هر دو انگیزه در ابتدای اسلام قوی بوده است، اما کسی که در ابتدای اسلام، ایمانش هم چون کوه استوار بود، پس از ظهور آن همه آیات و معجزات، دیگر چگونه خواهد بود؟!.

اما پیروی از خواسته‌های قلبی اعم از حب ریاست، مال، زن و یا جز آن، در ابتدای اسلام، وجیه‌تر به نظر می‌رسد، اما آنهایی که در ابتدای اسلام خانه و کاشانه و دارایی

خود را رها کردند و از شرافت و عزت و مقامی که در مکه داشتند خاطر محبت خدا و رسول، با میل خود از آن گذشتند، چگونه می‌توانند برای پست و مقام با خدا و رسولش به دشمنی برخیزند؟!.

از این گذشته، علما همه بر این اتفاق نظر دارند که در میان مهاجرین، منافقی وجود نداشته است، و نفاق در میان قبایل انصار، آن‌گاه که اسلام در مدینه ظهور کرد، پدید آمد. آن‌هایی که پس از رحلت رسول الله ﷺ مرتد شدند، همان‌هایی بودند که با شمشیر مسلمان شدند، و از مهاجران که با میل خود مسلمان شده بودند حتی یک نفر هم مرتد نشد،^۱ به این نکته بیندیش، حق و اهل حق را خواهی شناخت.

نکته ی نهم:

هرگاه بدخواه صحابه (شیعه) فرموده‌ی رسول الله ﷺ: «إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدَثُوا بَعْدَكَ». را ناظر بر داستان سقیفه بدانند، و بگویند که آن نخستین حادثه‌ای است که پس از رسول الله ﷺ رخ داد و منظور حدیث حوض همان صحابه هستند، در مقابل او کسی می‌گوید: نخستین حادثه پس از رسول الله ﷺ ارتداد اعراب از اسلام و خودداری از پرداخت زکات است، که ابوبکر صدیق و صحابه از جمله علی رضی الله عنهم اجمعین با آنان جهاد کردند، بنابراین منظور حدیث آنها خواهند بود.

در این مورد گفته می‌شود که:

نظر اول از نظر دوم نه پذیرفتنی‌تر است و نه قوی‌تر، خصوصاً که در داستان سقیفه کسی مرتد نشد- جز نزد شما- که همه امت را به سبب آن مرتد می‌دانید، و کسی غیر از شما چنین نظری ندارد!.

اما درباره‌ی ارتداد عرب از اسلام همه‌ی امت به وقوع آن اذعان دارند، همان‌گونه که بر جهاد ابوبکر صدیق و صحابه رضی الله عنهم علیه آنان صحنه می‌گذارند، جز شما که صحابه را کافر گفتید و عملکرد مرتدان را تأیید و عملکرد صحابه را تردید کردید.

از این گذشته، علی رضی الله عنه تصمیم و انتخاب اهل سقیفه را پذیرفت و با میل خود - و یا با اکراه که شما می‌گویید - با ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیعت کرد، در هر صورت او نیز مشمول رده‌ای می‌شود که برای صحابه اثبات می‌کنید و العیاذبالله.

نکته‌ی دهم:

اگر دشمن صحابه، بگوید که: آیات قرآن که صحابه را می‌ستاید، از حیث مجموعی است نه احادی،^۱ بنابراین همه‌ی صحابه مشمول آن نیستند، می‌پرسم: آنهایی را که این تزکیه و ثنا شامل آنان می‌شود، برای ما نام ببر، می‌بینی که حتی تعدادی به اندازه‌ی انگشتان دست هم نام نمی‌برد!! آیا با این تعداد اندک دینی که تا قیامت باید بر دنیا حکم کند، پیروز و مسلط می‌گردد؟! اختلاف ما با آنان در مورد یک یا دو نفر نیست، بلکه در امثال: ابوبکر، عمر، عثمان و بقیه‌ی عشره و مبشره و اصحاب بدر و شجره رضی الله عنهم است، اختلاف ما درباره‌ی اعمالی نیست که به مقتضای بشریت از آنان سرزده است، که به خاطر آن دنیا را زیر و رو کرده اند! ما که آنها را معصوم نمی‌دانیم، بلکه اختلاف ما با آنان در این است که می‌گویند: همه‌ی آنان مرتد شده اند و از اسلام برگشته‌اند!!

۱- نگا: «حوار مع الشيخ صالح الدرویش»، جعفر سبحانی و «حوار هادی مع الدكتور القزويني» شیخ احمد سعد الغامدی.

پایان سخن

خواننده‌ی ارجمند...

من گمان می‌کنم که تو بر این آیات و احادیث نبوی بسیار اندیشیده‌ای و به آن دقت کرده‌ای و ترازوی عدل را در میان نهاده‌ای...

برایم همین کافی است که تو طالب حق و پیروی دلیل هستی و کورکورانه از کسی تقلید نمی‌کنی.. و عقل خود را حاکم کرده‌ای، تو با عقل خود می‌سنجی نه با عقول دیگران و با چشم خود می‌نگری نه با چشم دیگران، اگر واقعاً چنین باشد، مطمئن هستم که سپیده دم حقیقت به زودی برخواهد آمد و دیگر نشانه‌های رسیدن به مقصد نمایان است و با شنیدن نغمه‌های قرآن کریم که اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را می‌ستاید و آنان را به وصف ایمان، صدق، رستگاری و دیگر صفات والا می‌نوازد و برترین جایگاه و رتبه‌ها را به آنان نوید می‌دهد و خصال و ویژگی‌هایشان را، حتی قبل از آن که به دنیا بیایند و هم بعد از آن، برای پویندگان حقیقت بیان می‌کند، تیرگی‌ها و تاریکی‌های حقد و کینه دیگر کنار می‌رود.

حتماً اندیشیده‌ای که آنهایی را که خداوند متعال آنان را به عنوان وزرا و اصحاب و خویشاوندان رسول خود پسندیده است، چگونه ما آنان را نپسندیم؟! آنهایی را که خداوند متعال به باغ‌های بهشت مژده داده است، چگونه از دین برمی‌گردند! آنهایی که برای رسیدن به رضای الهی، وطن، فرزندان، دوستان، خانه و کاشانه و سرمایه‌های خود را رها کردند، چگونه از حوض رسول الله صلی الله علیه و آله رانده می‌شوند؟! حقا که آنان به حوض سزاوارترند.

قطعا دیگر دانسته‌اید که متهم ساختن صحابه و معتقد بودن به این که آنان از حوض رسول الله صلی الله علیه و آله رانده می‌شوند، و مرتد شمردن آنان پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله تهمتی

سبایی و حيله‌ای شیطانی است که حسرتی ابدی به دنبال خواهد داشت.
اگر با آیات ربانی و احادیث نبوی و براهین عقلی که برای آوردن، قانع شده‌ای، پس
این همان چیزی است که امیدوار آنم و از خداوند متعال آن را می‌طلبم.
و اگر خلاف آن باشد، همین برایم کافی است که حجت آورده و راه را برای روشن
کرده‌ام و هر کس گرایشی دارد که به سوی آن می‌رود.
وصلی الله وسلم وعلی نبینا محمد وعلی آله وصحبه...